



درخشش آقای گوزن در جشنواره های جهان
تمجید نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس از باشگاه فیلم سوره



پری دریایی

نویسنده و کارگردان / امیر مسعود آقاباباییان

تهیه کننده / محمدرضا عرب

بازیگران

امیر آقایی پانته آمهدی نیا شاهرخ فروتنیان

اصغر همت سیروس کهوری نژاد محمد علی میاندار تورج فرامرزی

فیلمبردار زیرآب/ بهزاد توکی زاده مدیر فیلمبرداری/ محمدرسولی آهنگساز/ ستار اورکی گریم/ علی عسکری طراح صحنه و لباس/ سعید آهنگرانی جلوه های ویژه تصویری/ محراب مشدبان جانشین تولید/ مسعود زمانی صدا بردار/ مجید هاشم پور صدا گذاری و میکس/ علیرضا علویان مجری طرح و مدیر تولید/ علیرضا ابولقاسمی نژاد تدوین/ مسعود آقاباباییان مشاور کارگردان/ واروژ کریم مسیحی



سوره سینما

ماهنامه داخلی سازمان سینمایی حوزه هنری
شماره شانزدهم، خرداد ۱۳۹۷

صاحب امتیاز: سازمان سینمایی حوزه هنری
مدیر مسئول و سردبیر: یزدان عشیری
مجری طرح: آرش رمضانیان

تحریریه: محیا رضایی، الناز نعمتی، امید
عشریه، راحله خدای، نرگس ساجد

صفحه آرایی: مانی گرافیک
عکس: بهادر زاوع، سحر قریب

با سپاس از فاطمه پزشکی، حامد نیکومرام،
محمد علی حیدری.



۴



۲۰



۳۸

تلفن: ۸۸۹۱۸۱۲۸-۸۸۸۰۹۵۰۷

آدرس: تهران، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ
ساختمان حوزه هنری، طبقه چهارم، سازمان سینمایی حوزه هنری

«سوره سینما» پایگاه خبری تحلیلی سینمای ایران:
www.sourehcinema.ir

بانک جامع اطلاعات سینمای ایران
www.sourehcinema.com/Default.aspx

صفحه اینستاگرام «سوره سینما»
[instagram.com/sourehcinema](https://www.instagram.com/sourehcinema)

کانال تلگرام روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری
[@sourehcinema_com](https://www.t.me/sourehcinema_com)

نقش سینما در کاهش آسیب‌های اجتماعی

نقش سینما در کاهش آسیب‌های اجتماعی روشن است. این رسانه پر نفوذ و تاثیرگذار بدون شک، از ظرفیت و قدرت بالایی برای شناسایی و معرفی آسیب‌های اجتماعی و ارائه راهکارها و افق‌های امیدبخش برخوردار است. بسیاری بر این باورند در ایران از توان و کارکرد این رسانه برای کاهش آسیب‌های اجتماعی به درستی بهره‌برداری نشده است. حتی، با نگاهی بدبینانه‌تر، برخی معتقدند در مواقعی سینمای ایران نه تنها به کمک جامعه برای رفع مصایب و کاهش آسیب‌ها نیامده بلکه خود نیز، به ابزاری هنجارشکن و نوعی آسیب بدل شده است. اکنون، این باور وجود دارد که باید از روش‌های خلاقانه و نوین هنری در پیشگیری، کاهش و کنترل آسیب‌های اجتماعی از طریق ترغیب هنرمندان به تولید آثار هنری با روش‌های نوین کاربردی در عرصه سینما و تلویزیون کمک گرفت. متأسفانه، در تبیین معضلات اجتماعی و تشریح آسیب‌ها عمدتاً، دست به دامن برگزاری نشست‌های علمی-آموزشی، تئوری پردازی‌های تخصصی و شعار بسنده شده و از رسانه‌های مدرنی چون سینما در این زمینه استفاده جدی صورت نگرفته است.

طلاق، رفتارهای خشونت‌آمیز، اعتیاد، دختران و زنان در معرض آسیب، کودک‌آزاری، خیانت در روابط زناشویی، کودکان کار و خیابان، فقر اقتصادی، حاشیه‌نشینی، خودکشی، آسیب‌های اجتماعی نوپدید، ارتباطات مجازی و... حتی، پدیده‌هایی چون: رخوت و بی‌نشاطی هیچگاه، با تکیه بر پژوهش‌های علمی و تجربی و پشتوانه‌های مطالعاتی در سینما مورد نقد و روایت قرار نگرفته و بیش‌تر به وجوه تولید درام و داستان پردازی‌های مبالغه‌آمیز آن‌ها توجه شده است و ای بسا، برخی از فیلمسازان به دلیل پاره‌ایی ملاحظات جشنواره‌پسند غربی، حتی با نگاهی افراطی و غیرواقعی در این حوزه‌ها ورود کرده‌اند. فیلم‌های سینمایی از قدرت بیانگری و نفوذ بالایی برای مردم برخوردارند و تجربه جامعه‌شناختی نیز این مسئله را تأیید می‌کند که سینما تأثیر گسترده‌ای بر رفتار و نگرش مخاطبان‌اش دارد.

یکی از مهمترین دغدغه‌های هر جامعه و نظامی، تلاش برای کاهش جرم و تعداد مجرمان و آسیب‌دیدگان اجتماعی است و سینما و فیلم‌های سینمایی و نیز، محصولات هنری تلویزیونی از جمله مهم‌ترین و کاربردی‌ترین امکانات در این زمینه به شمار می‌آیند.

بررسی چگونگی روایت و طرح مباحث و مسائل مربوط به آسیب‌های اجتماعی در فیلم‌ها، خاستگاه اجتماعی شخصیت‌ها، شرایط زیستی، شخصیت‌پردازی مجرمان و آسیب‌دیدگان، دیدگاه‌های مستتر در فیلم‌ها، جایگاه تعلیم و آموزه‌های دینی و ده‌ها موضوع و مضمون و تم اصلی و فرعی دیگر، بدون شک، نیازمند کاربست روش‌های خلاقانه و تاثیرگذار است.

هک

شبکه دو میزبان رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری

مکث برنامه‌ای در قالب رئالیتی شو با اجرای علی سلیمانی سرنسری بود، که شرکت کنندگان آن نوجوانان بوده و موضوعات این برنامه، بخشی از دغدغه‌های آنهاست. این برنامه حوالی ساعت ۱۸ به روی آنتن شبکه دو سیما می‌رفت.

نوجوانان در مکث با هم به رقابت پرداختند، آنها پیرامون موضوعاتی که در تحریریه برنامه مطرح می‌شد، تحقیق و جستجو کرده و تمام این مراحل به شکل مستند ضبط می‌شد.

مهمان‌هایی هم به فراخور موضوع در برنامه حضور داشتند تا به سوالات طرح شده توسط نوجوانان پاسخ دهند.

نوجوانان شرکت کننده در مکث مستندی هم از تمام مراحل گفتگویشان می‌ساختند که این مستند و بخش تبلیغاتی خلاصه آنها توسط مردم به نظرسنجی گذاشته شد و براساس میزان آرای مردم، نفرات برگزیده انتخاب شد.

در پایان ماه مبارک رمضان، نفرات برگزیده در ویژه برنامه‌ای که از شبکه دو سیما پخش شد، معرفی شدند.

مهمان برنامه مکث در روز شنبه ۲۹ اردیبهشت، محمد حمزه زاده رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری بود، که نوجوانان شرکت کننده در این برنامه با وی در مورد اکران صحبت کردند.



محمد حمزه زاده رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری به برنامه «مکث» رفت و با نوجوانان در مورد اکران صحبت کرد. ویژه برنامه «مکث» توسط شبکه دو سیما با مشارکت حوزه هنری، برای ایام ماه مبارک رمضان تولید و پخش شد.

ابراز تنفر سازمان سینمایی حوزه هنری نسبت به جنایات وحشیانه صهیونیست‌ها

سازمان سینمایی حوزه هنری نسبت به کشتار کودکان، زنان و مردم مظلوم و بی‌گناه غزه و فلسطین توسط صهیونیست‌ها واکنش نشان داد.



در این بیانیه آمده است:

{در چشمانت خلاصه اندوه انسان هاست/نزار قبانی}

بار دیگر، جهانیان شاهد یک تراژدی دردناک بشری‌اند. بار دیگر قاب تلویزیون‌ها-چهره جراید و صفحات فضاهای حقیقی و مجازی با تصاویر بدن‌های پاره پاره-جنازه‌های زخمی کودکان و نوجوانان در خاک و خون غلظیده آذین شده است.

جنایات بی‌شرمانه و ضدانسانی به دست جلادان صهیونیست‌ها و با چراغ سبز و حمایت دولتمردان امریکایی و سکوت شرم آور و خفت بار برخی دولت‌های مزدور جهان اسلام رخ می‌دهد، وجدان بشریت را جریحه دار ساخته است.

در فراسوی غمزه‌های سیاستمداران و بازیگران بین‌المللی، این زنان و کودکان مظلوم فلسطین و غزه هستند که جنازه هایشان نقش زمین می‌شود.

در بازی پیچیده شطرنج سیاست بازان دغلکار مدعی آزادی و دموکراسی غرب بار دیگر قرعه به نام «غزه» افتاده است- سرزمینی که ملتش پای شرف- تاریخ- هویت و خاکش ایستاده است.



کارگاه «شهاب الدین عادل» و نمایش «مش اسماعیل»



سومین جلسه کارگاه آموزشی سینمای مستند «واقعیت حقیقی» در سالن نمایش حوزه هنری مازندران با بررسی و تحلیل فیلم مستند «مش اسماعیل» با حضور کارگردان این اثر برگزار شد.

جلسه سوم این کارگاه، پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت ۹۷ با حضور «ناصر صفاریان»، کارشناس و منتقد سینمای مستند، به بررسی فیلم مستند «مش اسماعیل» اثر «مهدی زمانپور کیاسری» گذشت.

همچنین، چهارمین جلسه کارگاه آموزشی سینمای مستند «واقعیت حقیقی» با حضور «دکتر شهاب الدین عادل» اردیبهشت ۹۷ در حوزه هنری مازندران برگزار شد.

«انجمن فیلم بهار نارنج» در چهارمین نشست کارگاه «واقعیت حقیقی» اندیشه و سینمای مستند را مورد بررسی قرار داد.

گفتنی است در این نشست «دکتر شهاب الدین عادل» از نظریه پردازان و محققان حوزه هنر و سینما، پیرامون نسبت تفکر و اندیشه و سینمای مستند به ارائه بحث پرداخت.

لازم به ذکر است کارگاه آموزشی سینمای مستند «واقعیت حقیقی» انجمن فیلم بهار نارنج با همکاری حوزه هنری مازندران در مرحله اول این برنامه یک ساله تاکنون به نمایش و تحلیل چندی از فیلم های «فرشاد فداییان» و «سیف الله صمدیان» با حضور صاحبان اثر پرداخته است.



«آقای گوزن» برنده جایزه ویژه جشنواره «زاگرب»

انیمیشن کوتاه «آقای گوزن» به کارگردانی مجتبی موسوی جایزه ویژه جشنواره انیمیشن «زاگرب» کرواسی را دریافت کرد.

انیمیشن کوتاه «آقای گوزن» که پخش جهانی آن را حوزه هنری برعهده دارد، در بیست و هشتمین دوره از جشنواره انیمیشن «زاگرب» در کشور کرواسی به نمایش درآمد و موفق به کسب جایزه شد. انیمیشن کوتاه «آقای گوزن» به تهیه کنندگی الهه فرنی و محصول مشترک مرکز تلویزیون و انیمیشن حوزه هنری و خانه انیمیشن و مجری طرح آن استودیو گوزن قرمز است.

جشنواره انیمیشن «زاگرب» از ۱۴ الی ۱۹ خردادماه در شهر زاگرب کشور کرواسی برگزار شد. این جشنواره قدمتی ۴۶ ساله دارد و دومین جشنواره قدیمی در دنیا است که کاملاً به انیمیشن اختصاص دارد. این جشنواره هم‌تراز با جشنواره‌های انسی فرانسه، اتاوار و هیروشیما محسوب می‌شود. لازم به ذکر است، انیمیشن کوتاه «آقای گوزن» در بخش رقابتی جشنواره بین‌المللی فیلم‌های انیمیشن انسی نیز حضور داشت. این جشنواره از ۲۱ الی ۲۶ خردادماه در شهر انسی کشور فرانسه برگزار شد.

«آقای گوزن» در جشنواره انیماموندی برزیل



انیمیشن‌های کوتاه «آدم خانگی»، «هیچکس»، «رنگارنگ» و «روبی و جوجه‌ها» در بخش مسابقه و «آقای گوزن» در بخش خارج از مسابقه جشنواره انیماموندی نمایش داده می‌شوند.

بیست و ششمین دوره جشنواره انیماموندی انیمیشن‌های کوتاه «آدم خانگی» به کارگردانی مرضیه ابرارپایدار را در بخش مسابقه فیلم کوتاه به نمایش درمی‌آورد.

همچنین «هیچکس» به کارگردانی الهام طرقتی، «رنگارنگ» به کارگردانی نگار حلیمی و «روبی و جوجه‌ها» به کارگردانی بابک و بهنود نکویی در بخش مسابقه فیلم‌های کوتاه برای کودکان و «آقای گوزن» به کارگردانی مجتبی موسوی در بخش خارج از مسابقه پانارومای بین‌الملل انیماموندی حضور دارند.

بیست و ششمین دوره جشنواره انیماموندی در تاریخ ۱۸ تا ۲۳ جولای در شهر ریودوژانیرو و در تاریخ ۲۶ تا ۳۰ جولای در سائوپائولو برزیل برگزار خواهد شد.

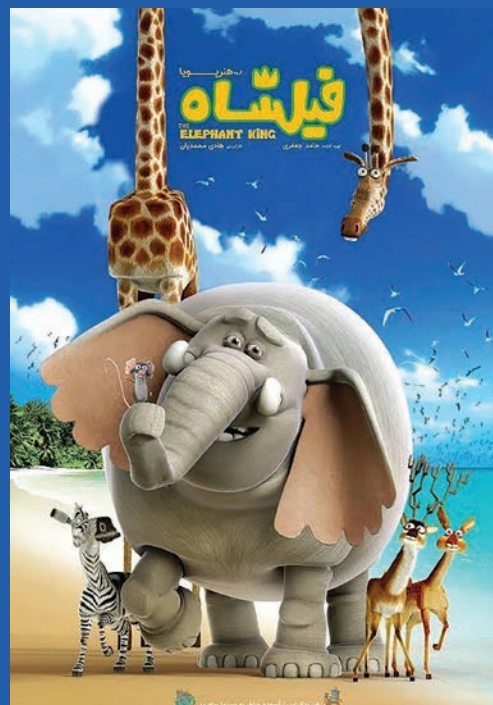
بیش از یک میلیون مخاطب رکوردی تازه برای «فیلشاه»

تعداد مخاطبان انیمیشن سینمایی «فیلشاه» به کارگردانی هادی محمدیان در سینماهای مکانیزه طی هفته دوم خردادماه ۹۷ از مرز ۱ میلیون نفر عبور کرد. با ادامه اکران انیمیشن سینمایی «فیلشاه»، تاکنون بیش از ۱ میلیون نفر به تماشای این فیلم در سینماهای مکانیزه سراسر کشور نشسته‌اند.



انیمیشن سینمایی «فیلشاه» تازه ترین محصول گروه «هنرپویا» که توسط موسسه بهمن سبز حوزه هنری در حال پخش است، در حالی به فروش ۸ میلیارد تومانی نزدیک می‌شود که این فیلم عنوان «پرفروش ترین انیمیشن تاریخ سینمای ایران» را نیز از آن خود ساخته است.

«فیلشاه» به کارگردانی هادی محمدیان و تهیه کنندگی حامد جعفری، داستان پچه فیلی دست و پا چلفتی است که همه انتظار دارند جانشین رئیس گله شود، اما هیکل گنده‌اش همیشه سبب تخریب و خرابکاری می‌شود.



طرح اکران رمضان ۹۷؛ یک طرح شکست خورده

مدیر پردیس سینمایی آزادی با انتقاد از بسی توجهی تلویزیون در تبلیغ طرح اکران ماه رمضان سینماها، این رفتار را باعث شکست این طرح در سال ۹۷ دانست.



رضا سعیدی پور مدیر پردیس سینمایی آزادی با اشاره به اجرای طرح اکران ماه مبارک رمضان در سالجاری و استقبال از آن به مهر گفت: متأسفانه این روزها فروش فیلم‌ها در سینماها چندان رضایت بخش نیست که دلیل آن هم این است که هیچگونه تبلیغاتی برای طرح اکران ماه مبارک رمضان در تلویزیون پخش نشده است.

وی ادامه داد: در چنین شرایطی مخاطبان هیچ آگاهی از این طرح ندارند و به همین دلیل استقبالی از آن صورت نگرفته است.

سعیدی پور در پاسخ به اینکه این طرح هر سال اجرا می‌شود و مردم از آن آگاه هستند پس چرا شکست آن را صرفاً به نداشتن تبلیغات تلویزیونی نسبت می‌دهید؟ عنوان کرد: هرچند سال‌های گذشته این طرح در طول ماه مبارک رمضان اجرا می‌شد، اما با توجه به اینکه طرح هر سال با تغییراتی همراه است در نتیجه نیازمند تبلیغ و اطلاع رسانی در هر سال هستیم.

مدیر پردیس سینمایی آزادی توضیح داد: با توجه به اینکه طی روزهای آتی سینما با روزهای تعطیل بسیاری همراه است، می‌توان گفت که دیگر طرح اکران ماه مبارک رمضان به پایان رسیده است و اگر بخواهند از الان تبلیغات انجام دهند هیچ تاثیری در جان گرفتن دوباره این طرح ندارد.

وی افزود: از ابتدای آغاز اکران ماه مبارک رمضان تا امروز پردیس سینمایی آزادی حتی یک سانس نیمه شب هم نداشته است. البته طبق روال عادی پنجشنبه و جمعه‌ها و سه شنبه‌ها مانند گذشته سانس‌های نیمه شب داریم که یک امر عادی است اما در طول هفته مانند سال‌های گذشته سانس نیمه شب نداریم.

سعیدی پور در پایان گفت: می‌توان گفت طرح اکران رمضان در سال ۹۷ نسبت به سال‌های گذشته یک طرح کاملاً شکست خورده است.



یک روغایی و ساخت دو مستند در هرمزگان



در هفته هنر انقلاب اسلامی، مستند «آتش بار» به کارگردانی سعید «عامری سیاهویی» با حضور جمعی از هنرمندان و پیشکسوتان سینمای استان، در حوزه هنری هرمزگان رونمایی شد.

این مستند پیرامون مسیر زندگی متفاوت و خاطرات «حسین آتش بار» جانباز ۷۰ درصد دفاع مقدس است که به همت هنرمندان حوزه هنری هرمزگان تهیه و تولید شده است. در این مراسم ضمن اکران مستند «آتش بار» از سعید عامری سیاهویی کارگردان فیلم، تجلیل شد.

مستند «میراث باد» به کارگردانی محمدرضا رکن الدینی با هدف حمایت از فیلمسازان جوان و معرفی میراث فرهنگی استان در حوزه هنری هرمزگان ساخته شد.

این فیلم که به بندر تاریخی لافت می پردازد، به مدت پانزده روز در بندر زیبای لافت تصویربرداری شد و تمامی عوامل آن از فیلمسازان جوان کانون فیلم حوزه هنری هستند.

مستند «آب سواران» با موضوع شهدای ترور به کارگردانی سعید عامری در واحد هنرهای تصویری حوزه هنری هرمزگان در حال تولید است.

این مستند به بررسی زندگی شهدای ترور به ویژه شهید «آب سواران» می پردازد که شامل باسازی صحنه ترور و گفتگو با دوستان و خانواده این شهید است.



سیره علما در خانواده روی آنتن رضانی تلویزیون

مرکز مستند سوره آثار کوتاهی را با موضوع سبک زندگی علما تولید کرد که در ایام ماه مبارک رمضان به روی آنتن تلویزیون رفت.

در این مجموعه بیست قسمتی که «قصه های زندگی» نام داشت؛ داستان های کوتاهی از زندگی علمای قدیم و معاصر روایت شده است.

از این شخصیت ها می توان به علامه طباطبائی، امام (ره)، آیت الله مجتهدی تهرانی، شهید بهشتی، شهید مطهری، شیخ عباس قمی، شیخ کبیر و... اشاره کرد.



جایزه ویژه جشنواره «کینولوب» برای «بیست و یک روز بعد»

تا ۱۸ سال است، در شهرها و دهکده های جنوبی لهستان برگزار شد.

در طول برگزاری جشنواره کارگاه های آموزش فیلم سازی، نمایشگاه های تکنولوژی های جدید فیلم سازی، کنسرت های متعدد و ملاقات با فیلمسازان و هنرمندان برگزار شد.

در بخش رقابتی بین ۴۰ تا ۶۰ اثر کوتاه و بلند به رقابت پرداختند و دو هیئت داوران بزرگسالان و نوجوانان جایزه های فیلمسازان را تعیین کردند.

فیلم سینمایی «بیست و یک روز بعد» محصول سازمان سینمایی حوزه هنری موفق به کسب جایزه از جشنواره «کینولوب» لهستان شد.

فیلم سینمایی «بیست و یک روز بعد» به کارگردانی محمدرضا خردمندان جایزه ویژه هیئت داوران چهارمین دوره جشنواره فیلم های کودکان و نوجوانان «کینولوب» لهستان را دریافت کرد.

این جشنواره که مختص فیلم های کودکان و نوجوانان ۴



رئیس انجمن سینماداران:

حوزه هنری قطب مهم سینمایی کشور است



بهتر شده و همه تلاش مان این است که آن را حفظ کنیم. باید همت به کار ببندیم تا هم فروش فیلم‌ها و هم کیفیت آثار بهتر شود. از آنجایی که حوزه هنری قطب مهم سینمایی کشور است این اواخر کمک بسیاری برای ساخت سینماهای تازه و بازسازی سالن‌هایی کرد که وضعیت نامناسبی داشته‌اند. چرا که ایجاد امکانات رفاهی و تجهیز سیستم نمایشی با بهترین کیفیت چرخه اکران را در مسیر بهتری به گردش درآورده است.

وی همچنین درباره چگونگی حمایت انجمن سینماداران کشور از فعالیت‌های موسسه بهمن سبز در راستای سینماسازی بیان کرد: از آنجا که بودجه مصوبه سینما در اختیار انجمن سینماداران نیست و سینماشهر این مهم را به دست دارد تنها در خواستی که می‌توانیم بکنیم اینکه بودجه افزایش پیدا کند و نسبت به نوع فعالیت‌ها سهمیه حوزه مبلغ بیشتری در اختیار بگیرد. متأسفانه دخل و خرج سینماها با هم نمی‌خواند و حوزه هم مثل بخش خصوصی این زبان‌ها را متحمل شده است و باید در بخش کلان دولت بودجه قابل قبولی مصوب کند تا همه سینماها بهره ببرند.

که تا این لحظه سینمای ایران را در تمام ابعاد مد نظر قرار داده‌اند و از هر زمان که لازم بوده برای پیشرفت آن اقدام کرده‌اند. هدف همه ما یکی است و هر اقدامی که صورت می‌گیرد برای بهبود کیفیت سینما و سالن‌هایش است. وی با اشاره به حضور نماینده حوزه هنری در این انجمن حضور افزود: اگر مسایلی هم در بحث کلان رخ می‌دهد در جلسات متعدد بررسی و حل شده است و امیدوارم این همکاری دوستانه ادامه دار باشد و مشکلات جامعه سینمایی را تا آنجا که در توان مان هست یکی پس از دیگری حل کنیم. خوشبختانه چندسالی است که وضعیت سینما

رئیس انجمن سینماداران کشور معتقد است حوزه هنری به عنوان قطب مهم سینمایی کشور کمک بسیاری برای ساخت سینماهای تازه و بازسازی سالن‌ها انجام داده است. محمد قاصداشرافی رئیس انجمن سینماداران کشور درباره همکاری این انجمن با سینماهای حوزه هنری بیان کرد: یکی از اتفاقات خوب سینمایی در چند سال اخیر تعامل صمیمانه ما با حوزه هنری است و از زمانی که این اتحاد شکل گرفت فضای یکپارچه‌ای در کلیت سینما ایجاد شد و در نتیجه همه در منافع حاصل از اقدامات انجام شده سهیم هستیم. از روسای حوزه هنری و موسسه بهمن سبز تشکر می‌کنم

سازندگان انیمیشن «لوپتو» همزمان با هفته هنر انقلاب اسلامی با حضور مسئولان فرهنگی استان مورد تقدیر قرار گرفتند. این مراسم با حضور دکتر حسین قنادیان رئیس اداره هنر و ادبیات معاونت فرهنگی اجتماعی سپاه پاسداران، محمدحسین ملکی رئیس حوزه هنری استان کرمان، محمدرضا علیزاده مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان، ابوذر حسینی نسب مسئول سازمان بسیج هنرمندان استان کرمان در سالن اجتماعات شهید مدافع حرم حامد یافته برگزار شد.



تجلیل از عوامل انیمیشن «لوپتو» در کرمان

در این مراسم از عباس عسگری کارگردان این اثر و محمدحسین صادقی و فرهاد امین‌زاده تهیه‌کنندگان این انیمیشن با اهداء لوح تقدیر و هدایایی تقدیر شد. فیلم سینمایی انیمیشن «لوپتو» ۹۰ دقیقه‌ای توسط جوانان مستعد موسسه فرهنگی هنری فراسوی ابعاد در کرمان با همکاری مرکز تلویزیون و انیمیشن سوره

حوزه هنری البرز با همکاری هنرستان هنرهای زیبا کرج نشست تخصصی عکاسی فیلم برگزار کرد. حسین بهزادی فر معاون فرهنگی حوزه هنری البرز ضمن اعلام این خبر عنوان کرد: حوزه هنری البرز با همکاری هنرستان هنرهای زیبا پسران کرج نشست تخصصی عکاسی فیلم را با حضور استاد محمد فوقانی روز چهارشنبه ۲ خرداد ماه در هنرستان هنرهای زیبای پسران کرج برگزار کرد. وی افزود: این نشست تخصصی همزمان با افتتاح نمایشگاه عکس‌های فیلم محمد رسول الله با حضور عکاس فیلم، استاد محمد فوقانی برگزار شد.

نشست تخصصی عکاسی فیلم در البرز

هنرستان

مقام دوم انیمیشن جشنواره «رسام» برای حوزه هنری بوشهر

حمید جمالی هنرمند حوزه هنری بوشهر، مقام دوم انیمیشن و پویانمایی جشنواره بین المللی فیلم کوتاه دفاع مقدس و مقاومت «رسام» را کسب کرد. برگزیدگان جشنواره بین المللی فیلم کوتاه دفاع مقدس و مقاومت (رسام) در خرمشهر اعلام شدند. در این جشنواره سردار بهمن کارگر رئیس بنیاد حفظ و آثار دفاع مقدس، غلامرضا شریعتی استاندار خوزستان، سردار علیرضا مدیر کل بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس خوزستان، حجت الاسلام موسوی امام جمعه خرمشهر، اسماعیل زمانی مدیر عامل سازمان منطقه آزاد اروند، فرمانداران آبادان و خرمشهر و جمعی دیگر از مسئولان حضور داشتند.

حمید جمالی هنرمند بوشهری حوزه هنری در بخش پویانمایی (ملی) با اثر «پرواز ۶۵۵» حضور داشت و موفق به کسب مقام دوم این بخش شد.



مذاکره با نمایندگان ۱۸ فستیوال بین المللی و چندین کمپانی آلمانی، آمریکایی، انگلیسی، اسپانیایی در بازار کن

جشنواره های مهم بین المللی فیلم از کشورهای سوئیس، هند، کره جنوبی، ژاپن، اسپانیا، چین، سنگاپور، ایتالیا، آلمان، ترکیه، برزیل، امارات متحده عربی، اندونزی، آفریقای جنوبی، ارمنستان، تونس و... مذاکره داشته ایم. وی افزود: همچنین با خریداران و توزیع کنندگان بین المللی متعددی نیز از کشورهای انگلیس، چین، آمریکا، کره جنوبی، پرو، ترکیه، هند، اسپانیا، آلمان، مالزی، سنگاپور، و... نیز مذاکراتی صورت گرفته و نتایج بسیار خوبی حاصل شده است. ضمن اینکه در طول این بازار مذاکره و تبادل نظر با چند تهیه کننده مطرح بین المللی در مورد چگونگی و نحوه انجام تولیدات مشترک نیز، انجام گرفته است.



مریم نقیبی مدیر بین الملل و بازرگانی سازمان سینمایی حوزه هنری در گفتگویی به ارائه گزارش حضور این سازمان در بازار جشنواره فیلم کن پرداخت و از مذاکره با نمایندگان ۱۸ فستیوال بین المللی و نمایندگان چندین کمپانی آلمانی، آمریکایی، انگلیسی، اسپانیایی و آسیایی در بازار کن خبر داد.

وی خاطر نشان ساخت: سازمان سینمایی حوزه هنری امسال در بازار فیلم کن در غرفه ای مجزا در طبقه «رئیه را» حضور داشت، که طی ۱۰ روز برگزاری این بازار (۱۸ الی ۲۷ اردیبهشت ماه ۹۷) به معرفی، توزیع و فروش آثار و تولیدات پرداخت. مدیر بین الملل و بازرگانی سازمان سینمایی حوزه هنری با بیان اینکه پنج فیلم سینمایی «دایان»، «اسکی باز»، «سرو زیر آب»، «سورنجان» و «قهرمانان کوچک» در این دوره بازار عرضه شده است، اضافه کرد: همچنین، ۴ فیلم مستند «راه دل»، «ادوارد»، «ارثیه پدری» و «ابوایست»، ۲ انیمیشن کوتاه «آقای گوزن» و «تحریف یک پیام» و فیلم کوتاه «مردی که یادش می رفت نفس بکشد» به همراه آثار کوتاه تولیدی در باشگاه فیلم سوره در این بازار حرفه ای فیلم عرضه شدند. نقیبی با اشاره به انجام مذاکرات متعدد با نمایندگان جشنواره ها و کمپانی های مختلف سینمایی و تلویزیونی اظهار داشت: با نمایندگان

فیلم مستند «زنان ابدی» به کارگردانی «محمدصادق اسماعیلی» از تولیدات واحد هنرهای تصویری حوزه هنری کرمان به بخش مسابقه سومین جشنواره بین المللی فیلم های مستند درخت طلایی آلمان راه یافت.

محمد صادق اسماعیلی پژوهش، طراح و کارگردان، محمدحسین ملکی تهیه کننده، زانبار لطفی مدیر تصویربرداری، میثم شفیعی صدابردار، عارفه رضامند پارسائی مدیر تولید، دانا کریم سنه تدوین و حسین قورچیان صداگذاری فیلم مستند «زنان ابدی» را برعهده دارند.

بر اساس این گزارش: فیلم روایت زندگی گروهی از زنان روستایی در کرمان است که شوهران آنها به حبس ابد در زندان محکوم شده اند و بار خانواده بر دوش آنها است. گفتنی است: سومین دوره جشنواره بین المللی فیلم های مستند درخت طلایی آلمان سپتامبر سال جاری میلادی (اوایل مهر سال ۱۳۹۷) فرانکفورت آلمان برگزار می شود.



مستند «زنان ابدی» در جشنواره درخت طلایی آلمان

فیلم داستانی «زخم الماس» به کارگردانی عزیز بابائزاد در واحد هنرهای تصویری حوزه هنری لرستان تولید شد. این فیلم نیمه بلند ۴۵ دقیقه ای، پرتله ای است از خاطرات و زندگی حنجره ای موسیقی دفاع مقدس ایران استاد «محمد میرزاوند».

رئیس حوزه هنری لرستان ضمن اعلام این خبر، نوارهای حماسی موسیقی لرستان را بخشی از سرمایه معنوی کشور دانست و گفت: موسیقی حماسی بستر است برای ایجاد وحدت ملی بویژه در زمان هایی که کشور مورد تهدید واقع می شود.

گفتنی است اجرای ترانه «دایه دایه» با صدای استاد میرزاوند و تنظیم استاد درویش رضا منظمی اولین اجرای زنده موسیقی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی از طریق شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد و تأثیر شگرفی بر روحیه جوانان برای مقابله با دشمن بعثی برجای گذاشت.



تولید فیلم نیمه بلند «زخم الماس» در حوزه هنری لرستان

ورکشاپ تحلیل فیلم در حوزه هنری یزد

اسلامی صدا و سیما در حوزه هنری یزد برگزار شد. علیرضا غفاریان با بیان این که این کارگاه یک روزه به صورت رایگان ویژه اهالی سینما برگزار گردید، هدف آن را تقویت و ارتقای دانش و تجربه کارشناسان، منتقدان سینما و فیلمسازان جوان برشمرد. وی ادامه داد: کارگاه تحلیل فیلم از جمله برنامه‌های باشگاه فیلم حوزه هنری استان است که در سال جاری نیز ادامه خواهد داشت. به گفته وی تاکنون سی و هشت نشست تحلیلی همراه با اکران فیلم‌های منتخب ایران و جهان در حوزه هنری یزد برگزار شده است.

کارگاه شیوه‌های تحلیل فیلم ۱۱ اردیبهشت با حضور ابوالقاسم اسدی‌زاده کارگردان و تهیه‌کننده، در حوزه هنری یزد برگزار شد. مسئول واحد هنرهای تصویری حوزه هنری یزد گفت: کارگاه آموزشی روش‌های تحلیل و بررسی فیلم با حضور ابوالقاسم (حسین) اسدی‌زاده کارشناس ارشد تهیه‌کنندگی تلویزیون و مدیر نگارش فیلمنامه و پژوهش برنامه‌ای مرکز پژوهش‌های

نمایش و تحلیل «ملک سلیمان» در یزد

به نمایش درآمد و در ادامه با حضور مهمانان در خصوص ویژگی‌های آن گفتگو و تبادل نظر شد. در این نشست عبدالحمید قدیریان هنر را وسیله و ابزاری قدرتمند برای ارتباط بین انسان‌ها، برای فهم عالم هستی و همچنین برای تبیین مطالبی که کلام در بیان آن ناتوان است، دانست و اظهار داشت: هنر قابلیت مبارزه دارد. هنرمند نه با اسلحه که با قلمش فطرت‌ها را بیدار می‌کند و موجب ترس و وحشت دشمن می‌شود.

وی افزود: کسی که در پی ارتقای سینما است و می‌خواهد آنچه خدا دوست دارد را انجام دهد، نوع و جنس نگاهش متفاوت است. نوع نگاهش منیت محور، خودنمایی و تخریت دیگران نیست بلکه کشف و شهودی است. این ارتباط، ارتباط با روح و ایمان و فطرت انسان‌هاست از این رو هنر در جایگاه تولید ایمان قرار می‌گیرد و وقتی وارد این مقوله می‌شویم هیچ چیز بهتر از قرآن کریم به عنوان محور و راهنما نیست.

سید محمد حسینی کارشناس و منتقد سینما هم با بیان این که از همان ابتدا سینما مسئله انقلاب اسلامی بوده، گفت: سینمای انقلاب دارای ژانرهای مختلف است. تولیدات سینمای ایران در خصوص انبیاء تقریباً در جهان منحصر به فرد است و فیلم‌هایی چون ملک سلیمان، یوسف پیامبر و مریم مقدس به خوبی توانسته مخاطب خودش را در جهان پیدا کند و تأثیرگذار باشد.



به مناسبت هفته هنر انقلاب اسلامی فیلم سینمایی «ملک سلیمان نبی (ع)» ساخته شهریار بحرانی با حضور عبدالحمید قدیریان طراح صحنه این اثر و سیدمحمد حسینی منتقد و کارشناس سینما، در حوزه هنری یزد به نمایش درآمد و تحلیل شد. در این نشست که با حضور فعال اهالی سینما، هنرمندان و هنرجویان در نارنجستان هنر این مرکز برگزار شد ابتدا این فیلم

مستند «لوتوس» در جشنواره شفیلد انگلیس

«لوتوس» مستندی است با موضوع دفاع مقدس که به زندگی مادر شهیدی می‌پردازد (که کنایه حضور بر مزار پسر شهیدش را دارد) و به مسایل زیست محیطی و فرهنگ بومی نیز توجه دارد.

وی افزود: «محمد رضا وطن دوست» از کارگردانان نسل دوم مستندمازندان است که تاکنون حضور و دستاوردهای بین‌المللی فراوانی داشته است. همچنین حوزه هنری از تازه‌ترین اثر او به نام «لوتوس» حمایت کرد که خوشبختانه این اثر علاوه بر کسب عنوان بهترین فیلم از نگاه هیأت داوران در جشنواره سینما حقیقت (سال گذشته)، به تازگی در اولین حضور جهانی در جشنواره بین‌المللی شفیلد انگلیس به گروه منتخبین راه یافته است.

شایان ذکر است محمد رضا وطن دوست، آثاری همچون «وقتی لیموها زرد می‌شود»، «تنا»، «دردامان سرخ کوه» و «ذوالجنح روز پنجاه هزار سال» را در کارنامه دارد که برخی از آثار وی در حوزه هنری مازندان مورد بررسی قرار گرفته است.



مستند کوتاه «لوتوس» ساخته «محمد رضا وطن دوست» از تولیدات تحت حمایت حوزه هنری استان مازندان به جشنواره فیلم «شفیلد انگلیس» راه یافت. مهدی معصومی گرجی معاون فرهنگی هنری این مرکز گفت:

نمایش و تحلیل «ملک سلیمان» در یزد



تولید فیلم «گل انار» با موضوع اهدای عضو در یزد
فیلم داستانی «گل انار» با موضوع اهدای عضو به کارگردانی سیدمجتبی حسینی در یزد در حال تولید است.

رئیس حوزه هنری یزد از تولید فیلم داستانی «گل انار» با موضوع اهدای عضو و ترویج این فرهنگ نیک و پسندیده با مشارکت حوزه هنری استان و دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی خبر داد. محمدصادق کوچک‌زاده افزود: این فیلم به نویسندگی و کارگردانی سیدمجتبی حسینی، فیلمساز یزدی آخرین مراحل تصویربرداری را سپری می‌کند.

وی با بیان این که هنرمندان می‌توانند بهترین سفیران اهدای عضو در جامعه باشند و با هنرشان در راستای آگاهی بخشی و ارتقای این فرهنگ گام بردارند، اظهار داشت: زبان هنر و ابزار هنری به ویژه فیلم، مؤثرترین شیوه برای افزایش سطح اطلاعات و آگاهی جامعه در زمینه اهدای عضو است. سیدمجتبی حسینی کارگردان فیلم «گل انار» هم در خصوص تازه‌ترین اثرش گفت: این فیلم کوتاه دغدغه‌های خانواده‌های نیازمند دریافت عضو، اهداکنندگان عضو و همچنین چالش‌های شغلی پرستاران را به تصویر می‌کشد.

وی فرهنگ‌سازی در زمینه اهدای عضو را از مهمترین اهداف تولید این فیلم عنوان کرد و افزود: در این اثر به صورت واقع‌گرایانه به این مسئله و اندوه و فقدان که ممکن است در بلندمدت برای خانواده اهداکننده ایجاد شود، پرداخته می‌شود.

این کارگردان با بیان این که مراحل پیش تولید فیلم ۳۱ روزه همزمان با روز اهدای عضو، روز اهدای زندگی کلید خورد، اظهار داشت: بخش عمده تصویربرداری فیلم در منطقه شاهدیه و بیمارستان شهید صدوقی یزد انجام شده و آخرین مراحل تصویربرداری آن هم اکنون در بلوار جمهوری اسلامی در حال انجام است و سعی داریم تصویربرداری فیلم در مدت ۱۰ روز به پایان برسد.

حسینی با بیان این که همه عوامل این فیلم یزدی هستند و برخی از بازیگران برای اولین بار جلو دوربین می‌روند، ادامه داد: راحله علم‌چی، نسرين علم‌چی، مریم کیانوش، الناز لطیف، مینا زارعی، زهرا السادات حسینی پور و رضا آقایی در این فیلم به ایفای نقش می‌پردازند.

وی افزود: هر چند استفاده از نابازیگر ممکن است کار را کمی سخت کند اما از سوی دیگر به طبیعی و واقع‌گرایانه بودن اثر کمک می‌کند و باورپذیری آن را بالاتر می‌برد.

به گفته حسینی سایر عوامل فیلم عبارتند از: مدیر تولید: رضا آقایی، تصویربردار: رامین راستجو، صدابردار: حسین صباغ، طراح صحنه و لباس: سیدمحسن افزونی، منشی صحنه: مرضیه ماندگاری، دستیاران کارگردان: فرشاد میرافضلی و فاطیما ابراهیمیان، دستیار تصویر: مهران زحمت‌کش، دستیار صدا: سهیل معتمد راد، طراح گریم: محمدمهدی هدایتی، اجرای گریم: فاطمه دهقان‌پور و مشاور پزشکی کارگردان: سمانه السادات ملک‌ثابت.

این کارگردان که دو فیلم بلند نیز در کارنامه دارد ادامه داد: همه عوامل این فیلم حرفه‌ای و از فعالان این حرفه هستند که امیدواریم نتیجه خیلی خوبی به دست آید.

وی با بیان این که فیلم داستانی «گل انار» به مدت ۱۵ تا ۲۰ دقیقه تولید خواهد شد، گفت: به احتمال زیاد تدوین فیلم در تهران انجام شود.

حسینی ادامه داد: هدف ما این است که در درجه اول استاندارد هنری فیلم رعایت شود و در درجه دوم امیدواریم با توجه به اهمیت فرهنگ‌سازی اهدای عضو، این اثر به خوبی دیده و از رسانه‌ها و فضای مجازی پخش شود و تأثیرگذار باشد.

گفتنی است: کوچک‌زاده رئیس حوزه هنری استان یزد و نیکوکاران مدیر روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی از پشت صحنه این فیلم بازدید کردند و از نزدیک در جریان روند تولید آن قرار گرفتند.

سیدمجتبی حسینی فارغ التحصیل رشته سینما از دانشگاه جامع رسانه تهران است که نویسندگی و کارگردانی چندین فیلم کوتاه و حضور در جشنواره‌های فیلم کوتاه تهران، حسنات اصفهان، رویش و رضوی را در کارنامه هنری خود دارد.

کارگردانی مجموعه مستند ۲۰ قسمتی نکویی اهل کرم، نویسندگی و کارگردانی تله فیلم افسون گل سرخ، کارگردانی و تهیه‌کنندگی فیلم سینمایی پنج با حضور در بیش از ۴۰ جشنواره بین‌المللی و کسب بیش از ۲۰ جایزه و نشان تقدیر از دیگر آثار و توفیقات این فیلمساز یزدی است.



آموزش «مبانی فیلمسازی با تلفن همراه» در کرمان

کارگاه آموزشی «مبانی فیلمسازی با تلفن همراه» از دوشنبه دهم اردیبهشت در کرمان آغاز شد.

این کارگاه آموزشی که مدرس آن «محمدصادق اسماعیلی» از مستندسازان کرمانی است، به صورت هفتگی و در روزهای شنبه و دوشنبه در حال برگزاری است.

براساس این گزارش، کارگاه آموزشی «مبانی فیلمسازی با تلفن همراه» با هدف شناسایی و توانمندسازی علاقه‌مندان حوزه سینما در سه سطح مقدماتی - پیشرفته و تخصصی برگزار می‌شود. در این کارگاه فراگیران بطور ملموس با مطالب پایه و اساسی فیلمسازی با تلفن همراه آشنا می‌شوند و با مهندسی معکوس، به رمز و رازهای فیلم‌نامه‌نویسی، کارگردانی و تدوین آشنا شده و با مهندسی معکوس، به رمز و رازهای نویسندگی و کارگردانی آثار پی می‌برند.

محمدصادق اسماعیلی، مدرس کارگاه آموزشی «مبانی فیلمسازی با تلفن همراه»، دانش‌آموخته دانشگاه صدا و سیما، تهران است که پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد خود را با موضوع مستندسازی تک نفره دفاع کرده است. وی تاکنون فیلم‌های مستند و داستانی مختلفی را نویسندگی و کارگردانی کرده و در جشنواره‌های داخلی و خارجی متعددی حضور

داشته و جوایز مختلفی را کسب کرده و کارگاه‌های آموزشی متعددی را با موضوع فیلمسازی تک نفره و هنر مستقل برگزار کرده است.

گفتنی است: این کارگاه آموزشی، به اهتمام واحد هنرهای تصویری حوزه هنری استان کرمان و با همکاری جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی استان کرمان و همچنین معاونت فرهنگی اجتماعی شهرداری کرمان برگزار می‌شود.



درخشش «آخرین آغوش» در کره جنوبی



فیلم کوتاه «آخرین آغوش» به تهیه کنندگی حوزه هنری استان کردستان و کارگردانی سامان حسین پور جایزه بزرگ جشنواره جهانی فیلم‌های کودکان و نوجوانان کره جنوبی را از آن خود کرد.

در ششمین جشنواره جهانی فیلم‌های کودکان و نوجوانان کره جنوبی که از ۱۰ تا ۱۷ می (۲۰ تا ۲۷ اردیبهشت) برگزار شد، فیلم «آخرین آغوش» ساخته سامان حسین پور به همراه سه هنرمند دیگر ایرانی در مجموع ۴ جایزه این جشنواره جهانی را از آن خود کردند.

بنا به این گزارش، در کنار فیلم «آخرین آغوش» که یکی از جوایز بزرگ جشنواره را از آن خود کرد، علی زارع فئات نوی با فیلم «چشم انداز خالی»، علی عسگری و فرنوش صمدی با کار مشترک «سکوت» و غلامرضا جعفری با فیلم «سفید کم رنگ» در بخش بهترین فیلم کوتاه از ششمین جشنواره جهانی فیلم‌های کودکان کره جنوبی جایزه گرفتند.

این جشنواره که مختص به نمایش گذاشتن فیلم‌هایی درباره یا برای کودکان است، در این دوره به فیلم‌سازان ایرانی چهار جایزه داد.

«آخرین آغوش» با محوریت تأثیرات مخرب فضای مجازی بر خانواده‌ها با حمایت حوزه هنری استان تولید و داستان کودکی را به تصویر می‌کشد که در درگیری والدین در فضای مجازی به سراغ پدر بزرگ مریضش می‌رود و در بی‌خبری خانواده ناشی از حضور در فضای مجازی به آغوش پدر بزرگ بیمارارش پناه می‌برد که مدتی است به خواب ابدی فرو رفته است.



تولید دو فیلم کوتاه داستانی و مستند در زنجان

فیلم کوتاه داستانی «گوشه‌ها» به کارگردانی مشترک «مجتبی حیدری» و «جبار اوجقلو» با موضوع اخلاق اجتماعی و اسلامی در مدت زمان ۲۸ دقیقه ساخته شد.

این فیلم که محمود نظرعلیان و نادر فلاح در آن ایفای نقش کرده‌اند؛ به تهیه‌کنندگی مشترک حوزه هنری و مرکز سینمای جوانان زنجان تولید شده است.

«گوشه‌ها»، داستان مردی را به تصویر می‌کشد که از گذشته پر اشتباه خود دست برداشته اما نگاه اطرافیان به او هنوز تغییر نکرده است...

همچنین مستند کوتاه «چند قدم تا آسمان» به کارگردانی «حمیدرضا اسماعیلی» در واحد هنرهای تصویری حوزه هنری زنجان نیز تولید شد.

این مستند با نگاهی به زندگی شهید «جهانگیر جعفری» به عنوان یکی از شهدای مدافع حرم و در شهرستان رشت تولید شده است.



هفته فیلم حوزه هنری کرمان

«زنان ابدی» به کارگردانی محمدصادق اسماعیلی، «برای گل سرخ» به کارگردانی مصیب اسدی، «پایان خط» به کارگردانی حسن اسدی، «هیولای قرن» و «صدای من» به کارگردانی مجید برهانی، «خاطره یک جشن» و «دوئل» به کارگردانی حسام حسینی، «خالق» به کارگردانی صادق حسینخانی و با جلسات نقد و بررسی کارشناسان، از جمله برنامه‌های این هفته فیلم بوده است.

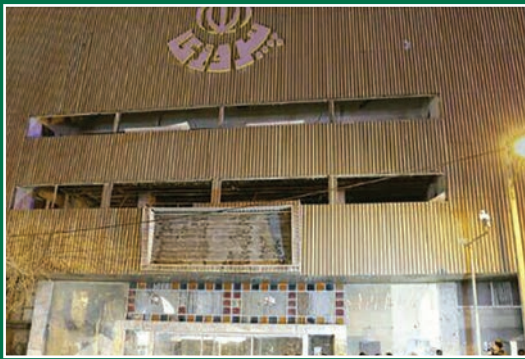
هفته فیلم حوزه هنری کرمان به همت واحد تصویری حوزه هنری استان کرمان با حضور فیلم‌سازان کرمانی و استقبال علاقمندان در محل هنرستان هنرهای زیبا کرمان برگزار شد.

در این هفته فیلم، اکران و نقد و بررسی ده فیلم از محصولات استان کرمان پیش بینی شد.

نمایش فیلم‌های «باغ نماز» به کارگردانی حسن اسدی،

بازسازی سینما پیروزی کرمانشاه پس از سالها انتظار

استاندار کرمانشاه با اشاره به لزوم توسعه و تقویت زیرساخت‌های فرهنگی، از آمادگی لازم در راستای بازسازی سینما پیروزی این شهر خبر داد.



هوشنگ بازوند به همراه شماری از مدیران استانداری کرمانشاه از سینما پیروزی بازدید کرد و از نزدیک در جریان وضعیت این مکان فرهنگی قرار گرفت.



استاندار کرمانشاه در جریان این بازدید با اشاره به اهمیت تقویت و توسعه زیرساخت‌های فرهنگی، بیان کرد: حمایت از بخش فرهنگ و توسعه آن یکی از زیرساخت‌های اصلی برای توسعه پایدار در هر جامعه‌ای به شما می‌رود. هوشنگ بازوند با اشاره به اهمیت توسعه مکان‌های فرهنگی در استان کرمانشاه به دلیل ظرفیت‌ها و استعدادهای این شهر، گفت: استانداری کرمانشاه یکی از الویت‌های کاری خود را در بخش حمایت از فعالیت‌های فرهنگی و هنری متمرکز کرده است.



وی با بیان اینکه حوزه هنری به عنوان یک نهاد ارزشی و انقلابی در بخش فعالیت‌های فرهنگی و هنری پیشگام است، یادآور شد: انتظار می‌رود که بتوانیم به بهترین شکل ممکن زمینه را برای توسعه فعالیت‌های فرهنگی در استان کرمانشاه را فراهم کنیم.

استاندار کرمانشاه افزود: خوشبختانه عملکرد سه ماهه اخیر رئیس حوزه هنری کرمانشاه قابل توجه بوده و فعالیت‌های خوبی در دو بخش نرم افزاری و سخت افزاری در این استان صورت گرفته و انتظار می‌رود که این روند همچنان ادامه داشته باشد. در ادامه این بازدید امین مرادی رئیس حوزه هنری استان کرمانشاه نیز گزارشی از وضعیت سینما پیروزی ارائه کرد و گفت: سینما پیروزی دارای عمری بالغ بر ۵۰ سال است و به دلیل فرسوده بودن غیرقابل استفاده است.



وی گفت: این سینما در سال ۱۳۴۲ احداث شده است و در چندین نوبت به دلیل فرسوده بودن تعطیل شده و هم اکنون نیز حتی سازه ساختمان نیز دچار مشکلاتی شده و به همین دلیل بازسازی آن یکی از نیازهای لازم و ضروری است.

رئیس حوزه هنری استان کرمانشاه یادآور شد: برنامه‌ریزی حوزه هنری برای بازسازی سینما پیروزی این است که بتوانیم این ساختمان و بنا را بعد از بازسازی به یکی از مکان‌های فرهنگی با کاربری‌های مختلف تبدیل کنیم. وی با بیان اینکه کرمانشاه نیازمند یک مکان فرهنگی با کاربری‌های مختلف و متنوع است، یادآور شد: با بازسازی این مکان کاربری‌های مختلفی از جمله سالن‌های سینما، گالری تخصصی، کتابخانه و ... تعریف می‌شود.

مرادی ضمن تقدیر از نگاه ویژه استاندار کرمانشاه به حمایت از برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی و هنری، اظهار داشت: انتظار می‌رود که در همین راستا سایر مدیران ادارات و سازمان‌های دولتی استان نیز از فعالیت‌ها و برنامه‌های فرهنگی و هنری حمایت کنند.

وی گفت: نگاه حوزه هنری به فعالیت‌های فرهنگی و هنری مبتنی بر ارزشهای انقلابی و اسلامی است و در همین راستا تلاش می‌شود تا با بهره‌برداری از تمامی ظرفیت‌های در اختیار به موفقیت‌ها بهتری در استان کرمانشاه دست پیدا کنیم.

در جریان این بازدید مدیرکل دفتر امور شهری استانداری کرمانشاه و شهردار این شهر نیز استاندار را همراهی می‌کردند و استاندار کرمانشاه نیز تأکید داشت که تمامی مدیران در راستای بازسازی این مکان همکاری لازم را داشته باشند.



دیدار شهردار کرمانشاه با مدیر عامل مؤسسه بهمن سبز



وی افزود: ما در بحث توجه به توسعه فضاهای فرهنگی و هنری در شهر کرمانشاه بسیار جدی پیگیر امور مربوطه می‌باشیم و با توجه به ضرورت موضوع به صورت صد در صدی در کنار دوستان حوزه هنری کرمانشاه خواهیم بود.

مهندس رضایی تصریح نمود: شهر کرمانشاه به عنوان نهمین شهر پر جمعیت کشور با جمعیتی بالغ بر یک میلیون نفر نیازمند توجه جدی به توسعه فضاهای فرهنگی و هنری است و این مهم در اولویت برنامه‌های شهرداری قرار دارد.

وی با آرزوی موفقیت برای رئیس جدید حوزه هنری استان کرمانشاه گفت: سوابق مدیریتی شما نشان می‌دهد که در مباحث مربوط به زیرساخت‌های فرهنگی و هنری اهتمام جدی دارید و با این پشتوانه امیدواریم هر چه سریع‌تر با کلید خوردن ساخت پردیس سینمایی پیروزی کرمانشاه شاهد یادگاری ارزشمند مدیران خدمتگذار نظام مقدس جمهوری اسلامی در استان باشیم.

شهردار کرمانشاه در این دیدار با تماس با شهردار منطقه ۴ ضمن تأکید بر همکاری کامل شهرداری با حوزه هنری در بخش تخریب این ساختمان در اسرع وقت خطاب به رئیس حوزه هنری گفت: در کنار کمک در بخش تخریب و تخلیه نخاله‌های ساختمانی این مکان را با دریافت مصوبه شورای شهر کرمانشاه از پرداخت عوارض معاف نموده که البته این بخش منوط به انجام موضوع در زمان مشخص خواهد بود.

مهندس رضایی در پایان اظهار امیدواری نمود: در کمترین زمان ممکن شاهد شروع عملیات ساخت پردیسی مدرن و مجهز متناسب با جایگاه والای مردم هنرمند پرور کرمانشاه در این کلان شهر باشیم.

در جلسه‌ای که با حضور شهردار و مدیران حوزه هنری در دفتر مهندس رضایی برگزار شد، ساخت پردیس سینمایی پیروزی کرمانشاه در دستور کار قرار گرفت.



در این جلسه امین مرادی رئیس حوزه هنری استان کرمانشاه به ضرورت تسریع در انجام این پروژه فرهنگی اشاره کرد و گفت: با توجه به استقبال همشهریان از اکران فیلم‌های سینمایی و لزوم توجه هر چه بیشتر به بخش فرهنگ و هنر، خواستار صدور مجوزهای لازم در این خصوص از سوی مدیران ارشد استان شد. بر پایه این گزارش، در این جلسه که محمود کاظمی مدیرعامل مؤسسه فرهنگی تبلیغاتی بهمن سبز، سهیل جهان بیگلری رئیس هیات مدیره و غلامرضا فرجی مدیر بخش سینماهای حوزه هنری حضور داشتند، جهان بیگلری به توجیه طرح پردیس سینمایی پیروزی پرداخت و ساخت این مرکز را یکی از مهمترین حرکت‌های توسعه فرهنگی هنری برای کرمانشاه دانست.

در ادامه آرش رضایی شهردار کرمانشاه نیز از همکاری کامل شهرداری در این پروژه خبر داد و اظهار داشت: مجموعه شهرداری با رویکردی فرهنگی تمام تلاش خود را برای ایجاد این مرکز فرهنگی به کار خواهد گرفت. شهردار کرمانشاه با تأکید بر ضرورت توسعه فضاهای فرهنگی و هنری در شهر کرمانشاه گفت: سینما پیروزی به عنوان یکی از قدیمی‌ترین سینماهای استان، چند سالی است بدلیل مستهلک شدن و فرسودگی ساختمان تعطیل گردیده و این امر سبب گردیده که مردم این شهر از پتانسیل بالای این ظرفیت محروم باشند.

این محقق با اشاره به این که موارد فوق نکات اولیه در سینماست که همواره انجام می‌شود، گفت: فیلم دیدن لازمه کار سینماست و قبل از ورود به تحلیل، دیدن مکرر فیلم ضروری است زیرا با فراگیری آموزش‌های مختلف در زمینه سینما و حتی با فیلم ساختن این مهم حاصل نمی‌شود بنابراین باید فیلم دیدن را جدی گرفت.

اسدی‌زاده با بیان این که هرز دیدن فیلم نیز انسان را از بین می‌برد، گفت: دست به دست شدن هاردهای چندترابایتی حاوی فیلم مثل سم است و مانند شبکه‌های ماهواره‌ای است که مرور آن نیز زمان‌بر است، بر روح و روان فرد اثر منفی می‌گذارد و چیزی هم نصیب او نمی‌شود.

این کارشناس ارشد تهیه‌کنندگی تلویزیون با اشاره به این که فیلم خوب مانند سایر صنعت‌ها کم ساخته می‌شود، ادامه داد: در تحلیل فیلم ابتدا باید توجه

مدیر نگارش فیلمنامه و پژوهش برنامه‌ای مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما گفت: برای تحلیل درست یک فیلم باید به



درک جان فیلم که همان ایدئولوژی فیلم است، رسیده باشیم.

ابوالقاسم اسدی‌زاده کارشناس سینما در کارگاه شیوه‌های تحلیل و بررسی فیلم که با حضور تعدادی از اهالی سینما و فیلمسازان جوان در حوزه هنری یزد برگزار شد، خوب فیلم دیدن و فیلم خوب دیدن را موجب رشد فیلمساز و تحلیل‌گری فیلم دانست.

وی، اکران‌های هفتگی فیلم در حوزه هنری یزد را بهانه‌ای برای گردهمایی هنرمندان و سینماگران استان دانست و ضمن تأکید بر تداوم آن، با هم فیلم دیدن، روی پرده فیلم دیدن و درباره فیلم بحث، گفتگو و تحلیل داشتن را از مهمترین اهداف این نشست برشمرد.



خوب فیلم دیدن
و فیلم خوب دیدن
موجب رشد فیلمساز و
تحلیل‌گری فیلم می‌شود

ضرورت مهندسی مباحث فرهنگی موجود در جامعه



رئیس و کارکنان حوزه هنری استان گلستان در دیداری به مناسبت گرامیداشت هفته هنر انقلاب اسلامی با آیت‌الله سید کاظم نورمفیدی نماینده ولی فقیه و امام جمعه گرگان، پیرامون مسائل فرهنگی و هنری و فعالیت‌های حوزه هنری استان بحث و تبادل نظر شد.

آیت‌الله نورمفیدی در این دیدار گفت: وقتی می‌خواهیم به هنرمان رنگ و لعاب دینی دهیم ممکن است نتیجه‌ای حاصل شود که مدنظر نیست، گاهی وقت‌ها در برخی از فیلم‌ها می‌بینم فیلم داستانی دارد و برای اینکه نشان دهند هنردینی است صحنه نماز خواندن را در فیلم نشان می‌دهند بدون اینکه محتوای فیلم مربوط به بحث نماز باشد که این کار فایده ندارد، اگر می‌خواهیم دینمان را در قالب هنر عرضه کنیم می‌بایست به محتوای اثر و تأثیری که بر روی مخاطب دارد توجه کنیم.

وی در ادامه به اشعار مناسب و با محتوای شاعران کشورمان اشاره کرد و افزود: حافظ و مولوی و فردوسی و... از جمله شاعران کشورمان هستند که اشعار بسیار با محتوا و تأثیرگذاری دارند اما برخی شاعران شعرهایی می‌گویند که ربطی به دین و دیانت ندارد و موجب انحراف می‌شود و اینکه بتوانیم دین را در قالب هنر بگنجانیم مسئله مهمی است.

آیت‌الله نورمفیدی افزود: در گذشت فیلمی ساخته شد با عنوان «پهلوانان نمی‌میرند» که در این فیلم فتوت و جوان مردی که یک حقیقت دینی است به نمایش گذاشته شد که به نظر من تأثیرگذار بود.

امام جمعه گرگان گفت: برای اینکه بتوانیم موضوعی مانند توحید را در قالب هنر پیاده کنیم باید اتاق فکری وجود داشته باشد تا ابتدا بفهمند توحید چیست، آیا توحید تنها شعار «لا اله الا الله» است؟ اگر قرار باشد تنها به معنی توجه شود که راحت می‌شود آن را وارد هنر کرد اما اگر حقیقت توحید اسلام یعنی وابستگی به ذات اقدس الهی و تعلق و دل دادن به او یعنی دل دادن به چیزی که هیچ شکستی در آن وجود ندارد را در قالب هنر نشان دهید کار زیادی می‌خواهد که نه تنها استان گلستان و نه در کل کشور این چنین کاری انجام نشده است. آیت‌الله نورمفیدی گفت: اگر می‌خواهیم دین را در قالب هنر نشان دهیم باید ارزش اسلامی و قرآنی را به معنای دقیق کلمه نه جاهلان در هنر نشان دهیم که فرق زیادی دارد.

وی تصریح کرد: به عنوان مثال در رابطه با صبر هر آنچه را که قرآن در رابطه با صبر عنوان کرده است جمع آوری کنید روایاتی که ائمه ما در رابطه با صبر و ارزش‌های صبر گفته اند جمع آوری شود و در اتاق فکری وارد شود بر اساس موادی که قرآن و روایات به ما داده اند برای صبر یک اثر هنری فاخر بسازیم.

امام جمعه گرگان گفت: یک هنر زمانی دینی می‌شود که مربوط به ارزش‌های دینی ما باشد و در قالب هنر خود را نشان می‌دهد، اگر چنین کاری انجام دهید مورد توجه قرار خواهید گرفت.

وی با بیان اینکه طبق فرموده رهبر معظم انقلاب، جای مهندسی فرهنگی در جامعه خالی است، افزود: مباحث فرهنگی ما نیاز به مهندسی دارد همانطور که مسائل اقتصادی را مهندسی می‌کنیم و توانستیم با مهندسی قیمت ارز را کنترل کنیم.

امام جمعه گرگان اظهار کرد: ما بودجه فرهنگی زیادی را مصرف می‌کنیم اما ماحصلی ندارد و برنامه‌های فرهنگی مانند جزیره‌های از هم جداست چراکه هر دستگاهی برای خود عمل می‌کند که نتیجه خاصی ندارد.

آیت‌الله نورمفیدی ادامه داد: در منظوم کردن واقعه کربلا به شعر باید به این نکته توجه شود آنچه که در خطبه سید الشهداء مطرح شده است در قالب شعر و هنر پرورانه شود.

وی افزود: مولوی وقتی می‌خواهد حقیقتی را بیان کند اول از مثال آغاز می‌کند مثالی می‌زند و بعد وارد اصل مطلب می‌شود و آن را می‌پروراند تا جاذبه ایجاد می‌شود، چراکه لسان شعر جاذبه‌ای دارد که زبان نثر آن را ندارد.

امام جمعه گرگان گفت: جمله سیدالشهدا «مگر نمیبینید که به حق عمل نمی‌شود و اقبال به سوی باطل هست» در ترجمه چندین کلمه بیشتر نیست و زمانی که بخواهیم این جمله را بیروانیم باید به شرایط اجتماعی که حق مورد اعتنا نیست و باطل اینگونه است توجه کنیم و در این زمینه شعر بسازیم گرچه من شاعر نیستم اما این ظرفیت و قدرت را برای هنر می‌بینم.

نشست‌های اکران و تحلیل فیلم‌های منتخب ایران و جهان سه‌شنبه‌های هر هفته ساعت ۱۸ در نارنجستان هنر حوزه هنری یزد واقع در ابتدای خیابان آیت‌الله کاشانی، کوچه آزادی برگزار می‌شود.



بسازی یا برای این که فیلمساز در رمزگذاری‌اش ما را به اشتباه نیندازد باید فیلم را به خوبی و درستی فهمیده باشیم. کسی که می‌خواهد درباره یک فیلم صحبت کند ابتدا باید فیلم را فهمیده و درک کرده باشد، همچنین در فهم فیلم باید فرم را از محتوا یا روایت جدا نموده و آنها را جداگانه بیان کند.

اسدی‌زاده با بیان این که باید درباره فرم به طور تخصصی اطلاعات لازم را داشته باشیم، تصریح کرد: باید با آگاهی و در عین حال بی طرفانه به فیلم نگاه کنیم تا همه چیزهایی که از فرم داریم کشف شود.

وی در پایان با تأکید بر خوب فیلم دیدن و فیلم خوب دیدن، اظهار داشت: امیدوارم فیلم را برای تحلیل نبینید بلکه برای لذت بردن تماشا کنید و اگر تحلیلی داشتید باعث شود فیلم‌های بهتری تولید کنید.

داشت که قرار است برای چه کسی تحلیل کنیم. باید بر اساس نوع مخاطب همچون خبرنگاران، فیلمسازان، روشنفکران، نخبگان و مردم عادی تحلیل خاص خودش را ارائه و روشنگری کرد.

مدیر نگارش فیلمنامه و پژوهش برنامه‌ای مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما که در جمع سینماگران و علاقه‌مندان فیلم در یزد سخن می‌گفت، بر لزوم حفظ جایگاه و شأن هنرمندان از جمله در سینما تأکید کرد و گفت: به عنوان بیننده فیلم هر چند حق داریم درباره فیلم قضاوت کنیم ولی باید توجه داشته باشیم که یک فیلمساز مخاطب ماست پس باید با دقت، حساسیت و شناخت در این عرصه گام برداریم.

این کارشناس سینما افزود: ابتدا باید یک فیلم را به خوبی بفهمیم و درک کنیم و سپس در مورد آن حرف بزنیم و قضاوت کنیم یا مثل آن را بسازیم. برای این که فیلم

چالش جذب مخاطب در ماه رمضان

محمود کاظمی

ماه مبارک رمضان در پیش است، خداوند بزرگ را سپاس می‌گوییم که امسال هم فرصت میهمانی در این فضای روحبخش را به عطا فرمود. هر بازه زمانی و هر مناسبت ملی و مذهبی برای مجموعه سینماداران، فرصتی ویژه همراه با چالش‌های خاص است. همان گونه که برای اکران نوروز برنامه ریزی می‌کنیم، باید برای اکران دوم بهار، عید فطر یا پاییز برنامه ریزی و چشم‌انداز داشته باشیم. نمی‌شود از ماه مبارک رمضان صحبت کرد و برنامه‌ای برای تغییر سانس‌ها، شیوه انتخاب فیلم و ... نداشته باشیم. مروری بر اکران بهار ۹۷ نشان می‌دهد با وجود شروع خوب، متأسفانه گیشه سینماها در اکران دوم به اندازه نوروز پر رونق نبود، فیلم‌هایی همچنان فروش هستند که در روزهای نخست سال مورد توجه قرار گرفتند و فروختند.

سینما ماهیت زنده دارد و نمی‌توان با مقررات و قواعد از پیش تعیین شده برایش تکلیف مشخص کرد، پس همچون فیلم‌ها تماشاگران منعطف باشیم و با ذهن باز برای اکران ماه مبارک برنامه ریزی کنیم، توجه به سانس‌های بعد از افطار می‌تواند ریزش مخاطب در سانس‌های روز را جبران کند. همچنین توجه به آثار پرمخاطب و تبلیغ برای دیده شدن آنها راهکاری دیگر برای رونق دادن به سینماهاست. دیدار با هیأت مدیره محترم انجمن سینماداران یکی از اتفاقات مهم اردیبهشت ماه بود. توجه به موضوع اکران و ارتباط با این انجمن دغدغه همیشگی موسسه بهمن سبز بوده. در این ملاقات ضمن بررسی راه‌هایی برای تداوم همکاری با انجمن بر آن شدیم بیشتر و بهتر روی این موضوع تمرکز کنیم که سینماداران چه سهمی از اکران دارند و چگونه این سهم مادی و معنوی افزایش می‌یابد. با توجه به تغییرهای اساسی که این روزها اکران فیلم و توزیع آن در پی داشته، سینماداران نیازمند حمایت ویژه هستند. نمیتوان هزینه‌های اکران را به پای سینمادار نوشت و منفعت از فروش فیلم را به تهیه‌کنندگان داد. این در حالی است که هزینه سینماداری روز به روز بیشتر شده و حفظ سینماها و پرسنل شان وظیفه‌ای خطیر برای سینماداران است. امید که متولیان امور سینمایی جایگاه و نقش مهم سینماداران در حیات سینمای ایران را بیشتر به رسمیت بشناسند.



«در حلقه رندان» در ۲۴ قسمت تولید شد

امیر کوهپایی، کارگردان برنامه تلویزیونی «در حلقه رندان»، با اشاره به مراحل پایانی تولید این برنامه طنز، اظهار کرد: این مجموعه در ۲۴ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای در آیتم‌های متنوع با محوریت شعر، نثر و ادبیات طنز کشورمان تولید شده است.

وی ادامه داد: تیم نویسندگان این مجموعه متشکل از طنزنویسان دفتر طنز حوزه هنری همچون سعید طلایی، علیرضا لبش، مهدی استاد احمد و صابر قدیمی است. این برنامه تلویزیونی ترکیبی است که در هر برنامه چند آیتم طنز ثابت داشته و در هر قسمت یکی از طنزپردازان اجرای برنامه را بر عهده دارد.

این کارگردان کشور همچنین گفت: یکی از آیتم‌های برنامه تلویزیونی «در حلقه رندان»، آیتم «مصاحبه - بازجویی» است. در این آیتم که صابر قدیمی اجرای آن را بر عهده دارد، با شاعران طنزپرداز در فضایی با فرم اتاق بازجویی مصاحبه می‌شود. آیتم دیگر با عنوان «ترجمان مشعشع» است. در این آیتم سعید طلایی اشعار و آثاری از ادبیات کهن فارسی مانند اشعار سعدی را به زبان انگلیسی ترجمه می‌کند.

کوهپایی افزود: آیتم دیگری هم با عنوان «تذکره» ارائه شده است. این بخش از برنامه با توجه به موضوع نوشته و در قالب انیمیشن کات اوت ارائه می‌شود. در آیتم دیگری هم در هر قسمت گزارشگر به سراغ مردم می‌رود و اشعار قدیمی ادبا را در اختیارشان قرار می‌دهد تا مقابل دوربین بخوانند. این آیتم به نوعی در جست‌وجوی این پاسخ است که مردم تا چه اندازه با ادبیات فارسی آشنا هستند. یکی دیگر از آیتم‌های این برنامه نیز با عنوان «زنده‌گیری خیش انداز فضای مجازی» است و بر اساس گسترش فضاهای مجازی و در واقع ایرانی شده بخش لایو اینستاگرام است و در هر قسمت علیرضا لبش درباره موضوعی

پاسخ مسلمانان هالیوود به توییت توهین آمیز «رز آن بار»

چند روز پیش رز آن بار، خالق و بازیگر اصلی سریال محبوب «رز آن» محصول شبکه ای بی سی در صفحه توییت خود به یکی از مشاوران سابق او با توهین کرد که باعث شد سریالش بلافاصله کنسل شود، اما بخشی از توییت او تا حدود زیادی نادیده گرفته شد و این مساله نارضایتی مسلمانان هالیوود را در پی داشته است.

روز سه شنبه ۸ خردادماه، او در توییت خود درباره خانم والری جرت نوشت: اخوان المسلمین و سیاره میمون ها با هم یک بچه داشتند که نتیجه اش شد این آدم.

بخش بیشتر اعتراض ها نسبت به توییت «بار» روی این متمرکز بود که یک خانم سیاهپوست را به یک میمون تشبیه کردن کاری به شدت نژادپرستانه است. دقیقاً همین مساله هم باعث شد شبکه ای بی سی طی چند ساعت پس از منتشر شدن توییت سریال را کنسل کند و توییت را «منزجر کننده» بخواند.

اما نیمه نخست توییت «بار» که درباره اخوان المسلمین بود تا حدود زیادی نادیده گرفته شد. سوعبیدی، مدیر دفتر هالیوودی شورای امور عموم مسلمانان (MPAC) که به منظور مبارزه با کلیشه های موجود درباره مسلمانان به صنعت فیلم و تلویزیون آمریکا مشاوره می دهد، گفت: صحبت های رز آن بار درباره مسلمانان به نحوی نادیده گرفته شد و نسبت به قسمت سیاره میمون های حرف های او در رده دوم قرار گرفت. او اضافه کرد: مسلمانان در هالیوود، حالا چه می خواهند تهیه کننده، فیلمنامه نویس، کارگردان یا بازیگر باشند، باید تلاش کنند تا صنعت فیلم و تلویزیون نسبت به انجام دادن کار درست

مسئولیت پذیر باشد. پژ وحدث، یک بازیگر متولد ایران که بیشتر به خاطر نقشش در سریال تلویزیونی «استخوان ها» شناخته می شود، گفت بسیار جای تاسف دارد که توهین به مسلمانان در صحبت های رز آن بار نادیده گرفته شد. او گفت: حس می کنم ما فراموش شده ایم.

توییت «بار» موضوع اصلی بحث جدیدترین مراسم افطار MPAC بود که عصر روز چهارشنبه در سانس برانسون استودیوز برگزار شد و حدود ۱۲۰ فعال صنعتی مسلمان و غیر مسلمان از شرکت های معتبری مثل دیزنی، ای بی سی، ان بی سی، هولو، نت فلیکس، لجندری تلویژن، ساندنس و سی ای ای در آن حضور داشتند.

با وجود اینکه خیلی ها از این مساله خوشحال بودند که ای بی سی پاسخ مناسبی به توییت «بار» داده، بعضی ها هم به این نکته اشاره کردند که اگر توییت او فقط به مسلمانان توهین کرده بود، شاید ای بی سی پاسخی متفاوت می داد. کما این که وحدث در این باره گفت: به نظرم اگر چنین اتفاقی افتاده بود آن توییت حتی مطرح هم نمی شد و این یک حقیقت ناراحت کننده است.

وقتی بحث به نمایش گذاشتن مسلمانان می شود، هالیوود سابقه خیلی خوبی ندارد. سریال های معروفی مثل «۲۴» شبکه فاکس و «سرزمین مادری» شو تایتیم هم تا به حال متهم به استفاده از کلیشه های مسلمان تروریست شده اند. حتی دیزنی هم تا به حال به خاطر مغرضانه بودن بعضی شخصیت های مسلمانی که ارایه کرده مورد انتقاد قرار گرفته است.



خاص، آموزش طنزانه ای برای بینندگان ارائه می دهد.

وی خاطرنشان کرد: مهمانان برنامه نیز که از طنزپردازان برجسته کشور هستند در هر قسمت، بر اساس موضوع، اجرایی خواهند داشت که شبیه به استندآپ کمدی است. گاهی موضوعات ما، موضوعات متفاوت تری است و راجع به موضوعی مانند زرشک، کلاه، پول و ... صحبت می شود و از این موضوعات عینی به موضوعات کلی تر می رسند.

این کارگردان کشور با بیان اینکه پایه و ایده اولیه این برنامه تلویزیونی بر اساس شب شعرهای «در حلقه رندان» حوزه هنری شکل گرفته است، اظهار داشت: تولید این برنامه به پایان رسیده و تا خردادماه تمام قسمت ها آماده پخش می شود و پس از آن رابزنی نهایی برای پخش این برنامه از یکی از شبکه های تلویزیونی صورت می گیرد.

گفتنی است، مجموعه تلویزیونی «در حلقه رندان» به تهیه کنندگی احسان کاوه مدیر مرکز مطالعات و تولیدات تلویزیونی و انیمیشن حوزه هنری و با حمایت دفتر طنز حوزه هنری تولید شده است.



سینما استقلال و سپیده تهران بازسازی می‌شوند



بازسازی سینما استقلال و سپیده تهران به زودی آغاز شده و این سینماها سه ساله می‌شوند.

محمود کاظمی مدیر عامل این موسسه گفت: بازسازی سینماهای استقلال و سپیده به زودی آغاز می‌شود. سینما استقلال ماه محرم امسال تعطیل خواهد شد و پس از بازسازی به سه سالن تبدیل می‌شود. بازسازی سینما سپیده هم یکی دیگر از برنامه‌های موسسه برای سینماهای حوزه هنری در تهران است. این سینما هم سه ساله خواهد شد. کاظمی درباره افتتاح پردیس ساحل اصفهان گفت: ساخت این پردیس ادامه دارد و با تاخیری یک ماهه، به دلیل تامین نشدن منابع مالی و محقق نشدن وعده‌ها اواخر تیرماه شاهد افتتاح این پردیس هستیم.

سینما سپیده در خیابان انقلاب و سینما استقلال در میدان ولیعصر (عج) قرار دارند و متعلق به حوزه هنری هستند.

فیلم «توت» از کردستان به جشنواره «سایه» رسید



فیلم کوتاه «توت» به کارگردانی تیمور قادری محصول حوزه هنری استان کردستان به بخش رقابتی دوازدهمین جشنواره ملی فیلم‌های کوتاه دانشجویی «سایه» راه یافت.

دوازدهمین جشنواره فیلم‌های کوتاه دانشجویی سایه که از ۱۰ تا ۱۳ تیرماه توسط دانشگاه سوره در تهران برگزار می‌شود از بین ۱۲۰ اثر ارسال شده دانشجویی به دبیرخانه این جشنواره و به انتخاب هیئتی متشکل از رامین شهبازی، ابراهیم ایرج‌راد و عماد خدابخش در بخش داستانی ۳۰ اثر را برای رقابت نهایی برگزیده شد که در این میان فیلم کوتاه «توت» به کارگردانی تیمور قادری و تهیه کنندگی حوزه هنری استان کردستان نیز به چشم می‌خورد.

تیمور قادری از فیلم‌سازان جوان و مطرح استان و کشور که پیش از این با فیلم‌های کوتاه «می‌خورد بر بام خانه»، «چیدن سپیده‌دم» و غیره توانسته بود در سطح بین‌المللی خوش بدرخشد.

در این فیلم کوتاه ۱۲ دقیقه‌ای داستانی با موضوعی اجتماعی که داستان رساندن امانتی توسط یک دست‌فروش و پسرش به دست پیرزنی را به تصویر می‌کشد، شب‌بو سلیمانی، علی روحانی و مهیار صادقی به عنوان بازیگر، امیرعلی ویسی تصویربردار، محمدرضا میناپور، صدایرادر و صداگذار، شورش و کیلی تیتراژ و اتالوناژ، محمد قمری دستیاری کارگردان، زانیار محمدی نکو طراحی صحنه، مسلم

گودرزی به عنوان عکاس و فرهاد اسماعیلی به عنوان مدیر تولید، تیمور قادری تدوینگر، نویسنده و کارگردان این فیلم را همراهی کرده‌اند. آثار این کارگردان جوان کردستانی تاکنون ۴۸ جایزه در سینما و دو جایزه جشنواره خوارزمی برای مجموعه داستان‌های «تابستان سرد» و «آدرسی که من گم شده‌ام» را در دو دوره جشنواره کسب کرده است.

تیمور قادری از سال ۸۶ و در سن ۱۶ سالگی با ساخت فیلم کوتاه «مجزو» که برنده تندیس طلایی جشنواره کودکان شد، کار فیلم‌سازی را آغاز کرد.

روغمایی از انیمیشن جدید سازندگان «فیلشاه» در جشنواره انسی فرانسه

پس از موفقیت «فیلشاه» در گیشه سینماهای ایران، پوستر انیمیشن جدید گروه «هنرپویا» با نام انگلیسی «Extinction» در حاشیه جشنواره انسی فرانسه رونمایی شد.

جدیدترین انیمیشن سینمایی «هنرپویا» به گفته سازندگان این اثر دارای موضوعی محیط زیستی است و داستان آن در فضای ایران امروز رقم می‌خورد.

حامد جعفری، رئیس هیئت مدیره گروه «هنرپویا» و تهیه‌کننده «فیلشاه» به عنوان نماینده این کمپانی در جشنواره انسی فرانسه و بازار فیلم آن (Mifa) حضور داشت. جشنواره بین‌المللی انیمیشن «انسی» فرانسه، از معتبرترین جشنواره‌ها در عرصه سینمای انیمیشن در سطح بین‌المللی است که پنجاه و هشتمین دوره آن امسال از ۱۱ تا ۱۶ ژوئن برگزار شد.

گروه «هنرپویا» اولین کنسرسیوم فرهنگی هنری شکل گرفته در بخش خصوصی کشور است که توسط موسسات فرهنگی هنری هفت‌سنگ و سلوک افلاکیان با شعار «فرزندان را آسوده خاطر به سینما بیاورید» پایه‌گذاری شده است. این گروه تاکنون انیمیشن‌های سینمایی «شاهزاده روم» و «فیلشاه» را به عنوان پرمخاطب‌ترین و پرفروش‌ترین انیمیشن‌های تاریخ سینمای ایران، تولید و عرضه کرده است.

گفتنی است اکران «فیلشاه» همچنان در سینماهای سراسر کشور ادامه دارد. پخش این فیلم در سینماهای ایران در دست موسسه بهمن سبز است.



حق مردم ما است و امیدواریم در مسابقات بعدی باز هم این اتفاق بیفتد. برای اینکه مردم از تماشای فوتبال در سینما بهمن شهر کرد خاطره ای خوش داشته باشند سعی کردیم به یک سری مسایل جانبی رسیدگی کنیم و تمام شرایط را برای ثبت خاطره ای خوب رقم بزنیم. وی توضیح داد: به عنوان مثال با اینکه سیستم صوتی سینما برای پخش فیلم ها مدت ها است دالبی شده اما می دانیم که فوتبال با فیلم سینمایی تفاوت داریم. به این منظور با همکاری دوستان اهل فن یک سیستم تقویت صدا در سالن سینما نصب کردیم تا فضای سالن تماشای مسابقات با آنچه مردم در خانه های شان می بینند فرق داشته باشد و احساس متفاوتی را تجربه کنند. از طرف دیگر بازی پر افت و خیز فوتبال هیجان برانگیز است و ما با کمک همکاران مان برخی از این لحظه ها مثل لحظه به ثمر رسیدن گل ایران را ثبت کردیم.

مدیر سینما بهمن شهر کرد بیان کرد: در بازی اول از ظرفیت ۴۸۳ صندلی این سینما بیش از صد و پنجاه صندلی برای این مسابقه اشغال شد و فروش قابل قبولی بیش از یک میلیون و صد هزار تومان را به همراه داشت. البته به خاطر بحث هماهنگی ها در اولین تجربه زمان مان برای اطلاع رسانی محدود بود و پیش بینی می کنم برای بازی های بعدی شاهد استقبال بیشتری باشیم و تمامی صندلی ها پر شود.

وی در پایان با اشاره به اینکه مردمی که برای تماشای بازی به سینما آمدند خوشبختانه از این تجربه بسیار راضی و خوشحال بودند، گفت: شهر ما و در واقع استان ما از هر لحاظ در محرومیت به سر می برد و تمام تلاش ما بر این است که با رعایت چارچوب ها بهترین فضای نشاط آور را برای مردم فراهم کنیم. برنامه های متعددی هم در نظر داریم که خوشبختانه همه آنها مورد تایید قرار گرفته اما گاهی خودمان، خودمان را محدود می کنیم. در تلاشیم تا در آینده ای نزدیک اجرای مداوم برنامه های متنوع فرهنگی را به طور جدی تری پیگیری کنیم.



مدیر سینما بهمن شهر کرد:

تنوع برنامه های فرهنگی را بیشتر می کنیم

مدیر سینما بهمن شهر کرد باز خورد نمایش فوتبال در سینما را رضایت بخش دانست و بیان کرد که قصد دارد تا اجرای مداوم برنامه های متنوع فرهنگی را به طور جدی تری پیگیری کند. مهدی حسن زاده مدیر سینما بهمن شهر کرد که میزبانی مردم را برای نمایش مسابقه فوتبال جام جهانی دو تیم ایران و مراکش در سینما بر عهده داشت گفت: در شرایط کنونی سینما بهمن برنامه های روتین خود را اعم از اکران فیلم های سینمایی، اجرای تئاتر و برگزاری کنسرت های موسیقی دنبال می کند اما اتفاق نمایش مسابقات فوتبال در سالن سینما یک برنامه خاص بود که تا کنون در شهر ما چنین تجربه ای آزموده نشده بود و به نظر می رسد بعد از این جای مانور زیادی دارد. وی افزود: نمایش مسابقات فرصتی است که از آن می توان به نفع سالن های سینما استفاده کرد هر چند که چون این اتفاق برای بار اول رخ می داد در بحث هماهنگی و دریافت مجوز کمی زمان بر بود اما تمام تلاش مان را به کار گرفتیم تا این میزبانی حتما شکل بگیرد. به خاطر زمان کمی که برای تبلیغ و اطلاع رسانی داشتیم نتوانستیم همه مردم را از این جریان با خبر کنیم اما با توجه به همه اینها استقبال بیش از حد انتظار بود و مهمتر اینکه نتیجه بسیار خوبی هم داشت.

حسن زاده اشاره کرد: برگزاری مسابقه دو تیم ایران و مراکش همزمان با عید سعید فطر بود و برد ایران را به همراه داشت که همین مساله شادی مضاعف به مردم شهر و سالن سینما بخشید. این شادی ملی

«شکلات» به ایتالیا رسید



به خانواده های امروزی برای جدی گرفتن محبت و رزی به فرزندان است، اضافه کرد: شکلات جنبه ظاهری قضیه و محبت موضوع اصلی آن است؛ کودک محبتی را که در خانه خود به دنبال آن است از این پیرزن دلسوز دریافت می کند.

وی ادامه داد: شکلات پیش از این عنوان بهترین فیلم خارجی جشنواره بین المللی «ژیرو پلاس» روسیه را کسب کرده است.

فیلم کوتاه «شکلات» به نویسندگی و کارگردانی مهدی حیدری به چهل و هشتمین جشنواره فیلم «جیفونی» ایتالیا راه پیدا کرد.

احد هوشمند رئیس حوزه هنری آذربایجان غربی با اعلام این خبر گفت: این فیلم، داستان پسر نوجوان روستایی را که برای گرفتن شکلات از دست پیرزنی خودش را به شکل نمایی هر روز به زمین می زند و گریه می کند، به تصویر کشیده است.

وی با بیان اینکه این فیلم کوتاه تلنگری



جوانان انقلابی پشتیبانی شوند

بازدید نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس از باشگاه فیلم سوره

روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری با اعلام این خبر افزود: این برنامه با حضور محمد حمزه ازده رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری، محمدرضا شفا مدیرعامل باشگاه فیلم سوره، یزدان عشیری مدیر روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری، و جمعی از فیلمسازان و مدیران باشگاه فیلم سوره برگزار شد.

حجت الاسلام پژمانفر در این نشست بعد از تماشای آثار فیلمسازان جوان گفت: این قبیل فیلم‌ها باعث شکسته شدن حصار دور سینما می‌شود و راه برای سازندگان جوان انقلابی و خلاق باز می‌کند. تردیدی نیست که این اتفاق از سر باور و اعتقاد رخ می‌دهد. وی ادامه داد: به عنوان مثال کاری که دانشمندان ایرانی در نطنز

حجت الاسلام نصرالله پژمانفر نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی ضمن بازدید از باشگاه فیلم سوره حوزه هنری در جمع فیلمسازان جوان این مرکز سینمایی به تماشای نمونه‌هایی از آثار تولیدی این مرکز نشست.



داشته باشیم.

محمد حمزه زاده رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری در این نشست ضمن تشکر از حجت الاسلام پژمانفر به خاطر توجه و حضورشان در جمع سینماگران جوان و انقلابی گفت: رویکرد حوزه هنری توجه به «جوان گرایی»، «نیروسازی» و «کشف استعدادهای جدید» از میان نسل‌های جوان در کنار حضور پیشکسوتان است.

وی ادامه داد: این سازمان در این زمینه با مراکزی چون: باشگاه فیلم سوره، مرکز تلویزیون و انیمیشن، مرکز تولید متن، مرکز مستند سوره و ... سعی دارد تا شرایط را برای حمایت از نیروهای جوان فراهم نماید. خوشبختانه، در کنار بخش‌های دیگر سینمایی حوزه هنری، باشگاه فیلم سوره خوش درخشیده است و واقعا می‌توان به آینده باشگاه و جوانان فیلمسازش امید مضاعف داشت.

همچنین، محمدرضا شفا مدیرعامل باشگاه فیلم سوره در این برنامه با اشاره به فلسفه شکل‌گیری و اهداف باشگاه فیلم سوره گفت: ما به دنبال شناسایی و همکاری با فیلمسازانی هستیم که در دوره‌های آموزشی فیلمسازی شرکت کرده‌اند، اما فرصت فیلمسازی را تاکنون نداشته‌اند.

وی ادامه داد: طبق بررسی‌های انجام شده به این نتیجه رسیدیم که یکی از آسیب‌هایی که در حوزه آموزش فیلمسازی وجود دارد، فاصله آموزش با تولید است و ما با فهم این مسئله اقدام به تشکیل بخشی به نام توانمندسازی کردیم که آثار تولید شده در این بخش با عنوان «کارگاه تجربه باشگاه فیلم سوره» یا «کات» ارائه شود.

شفا در توضیح برند «کات» گفت: «کات» خلاصه شده کارگاه تجربه است. جایی که ما پس از دریافت نمونه کار آماتور از فیلمسازانی که به باشگاه فیلم سوره مراجعه می‌کنند، در قالب کات با آن‌ها همکاری می‌کنیم. اولویت همکاری ما هنرمندی و تعهد افراد است. یعنی ما بر طبق ضوابطی که برای خود نوشته‌ایم قصد داریم که با کسانی همکاری کنیم که هنرمندی و تعهد به هنر اسلامی را توأمان داشته باشند.

وی در خاتمه گفت: بخشی از شناسایی این هنرمندان از طریق رصد ماست و بخشی نیز مراجعه آن‌ها به دفتر ما در باشگاه فیلم سوره صورت می‌گیرد.



کردند با اعتقاد و باور بوده است. اگر قرار است کاری صورت بگیرد باید باورش داشت. در موضوع انرژی هسته‌ای هم ابتدا کسی باور نمی‌کرد که بتوان کاری کرد. ولی جوانان دانشمند ما با باور و مجاهدت قله‌های پیشرفت را طی کردند و نشان دادند که شوخی نمی‌کنند.

نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس اظهار داشت: خوشحالم در جمعی هستم که کارهای بزرگی کردند و قرار است کارهای بزرگ‌تری هم بکنند. با آثاری هم که در این نشست ارائه دادید نشان دادید و ثابت کردید که نمی‌خواهید صرفاً حرف بزنید و با عمل و آثارتان این را نشان دادید. معتقدم مسیری را که انتخاب کردید راهش را باز می‌کند. با این شور، عشق و جدیتی که من می‌بینم قطعاً، راه‌تان را باز خواهید کرد.

وی خاطر نشان ساخت: درست است که وظیفه مجلس و دولت حمایت از این گونه جهش‌ها و حرکت‌های انقلابی است ولی باور دارم ولو اینکه مجلس، دولت، سازمان برنامه و بودجه و مراکزی که پول دست‌شان است به موقع کمک نکنند شما از حرکت باز نمی‌مانید. ممکن است مسیر سخت‌تر شود ولی متوقف نخواهد شد. من به نوبه خودم تشکر می‌کنم. کارهایان خیلی خوب بود.

حجت الاسلام پژمانفر عنوان کرد: متأسفانه، دور محیط سینما را عده‌ای سیم خاردار کشیده بودند. اجازه ورود به همه را نمی‌دادند. شما با کار و عزم‌تان این سیم‌ها را پاره کردید.

وی ضمن تقدیر از فیلم‌های ساخته شده در باشگاه فیلم سوره افزود: فیلم‌سازان باشگاه سوره حتی، با توجه به محدودیت منابع مالی هم پشتکار تحسین برانگیز است. این قبیل فیلم‌ها و نگاه‌ها حصار سینما را شکسته و راه برای سازندگان جوان انقلابی باز می‌کند.

به گفته وی؛ ساخت این فیلم‌ها پای بینندگان جدیدی را به سینما باز خواهد کرد، بیندگانی که تا امروز سینما حرفی برای آنها نداشته است و با باز شدن این راه جمع جدیدی در سینما خواهیم داشت.

نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس با بیان اینکه فیلمسازان جوان و جدید این عرصه با ایستادگی و مقابله با مشکلات می‌توانند فرهنگ جدیدی را به سینمای کشورمان عرضه کنند و باعث ورود بینندگان جدید و جذب مخاطبان تازه شوند.

وی گفت: بر این باورم بخاطر مشکلات و شرایط پیچیده سینمای کشور این جوانان فیلمساز انقلابی باید پشتیبانی شوند تا همانطور که حضرت آقا در جلسه‌ای فرمودند «باید حداقل سالی ۲۰ فیلم خوب در سینما داشته باشیم» و از آن رو که هنوز سینمای انقلابی ما با این نقطه ایده‌آل فاصله زیادی دارد باید خود را به آن درجه برسانیم و انشالله با همکاری و توسل و توکل به خداوند می‌توانیم از تمام این مشکلات بگذریم و آینده روشنی در سینما انقلاب



دور محیط سینما را عده‌ای

سیم خاردار

کشیده بودند اجازه ورود

به همه

را نمی‌دادند

شما با کار و عزم‌تان این

سیم‌ها را پاره کردید.

صفحه‌ای از تاریخ فراموش شده‌ی ایران

«خاطرات خانه‌ی متروک»

بعد از ظهر روز یک‌شنبه (نهم اردیبهشت‌ماه) سالن سینماحقیقت مرکز گسترش سینمایی مستند و تجربی میزبان نمایش و سپس نقد و بررسی فیلم مستند «خاطرات خانه‌ی متروک» بود.



جلسه اختصاص داشت. در این بخش، همایون امامی، مستند «خاطرات خانه‌ی متروک» را یک اثر زیبا و ارزشمند توصیف کرد که به گفته‌ی او «خوش‌بختانه در ادامه‌ی تولید مستندهایی با موضوع‌های تاریخی ساخته شده است.» وی گفت: «متأسفانه در اغلب تولیدات تلویزیونی که در سال‌های اخیر با هدف پرداختن به تاریخ معاصر ساخته شده‌اند یک نوع نگاه سنگین، جانبدارانه و تحریف‌گرایانه نسبت به تاریخ وجود دارد که باعث شده در کم‌تر فیلمی شاهد روایت تاریخ، بدون جهت‌گیری و جانبداری سیاسی باشیم؛ اما خوش‌بختانه بخش عمده‌ای از مستندهایی که در سال‌های اخیر درباره‌ی موضوع‌های تاریخی ساخته شده‌اند از این نگاه جانبدارانه مبرا هستند و همین نکته در کنار فرم و مباحث زیبایی‌شناسی به جذابیت آن‌ها افزوده است.»

وی سپس با اشاره به علاقه‌مندی شخصی خود به تاریخ و مباحث تاریخی، در پاسخ به پرسش ناصر صفاریان درباره‌ی تجربه‌ی فضا سازی‌های تاریخی در فیلم مورد بحث گفت: «چنین رویکردی اتفاق خوبی است. به همین دلیل باید گفت اهمیت این فیلم از حد اندازه‌ی یک اثر سینمایی فراتر رفته و ساخته شدن آن جدا از لذت بخشیدن به مخاطب به عنوان تماشای یک کار تصویری ارزشمند، او را نسبت به تحقیق و مطالعه‌ی منابع مکتوب تاریخی ترغیب خواهد کرد.» صحبت‌های محسن یزدی، تهیه‌کننده‌ی فیلم به نمایش درآمده، بخش دیگری از این جلسه‌ی نقد و بررسی بود. وی در پاسخ به پرسش مجری برنامه درباره‌ی نحوه‌ی تصمیم‌گیری برای ساخت و همچنین وضعیت خطوط قرمز که در ساخت این‌گونه مستندها به کار می‌رود گفت: «جانبداری در زمینه‌ی محتوا زمانی به کار می‌رود که احساس حقانیت وجود نداشته باشد و این مشکلی است که متأسفانه در تلویزیون وجود دارد.»

وی افزود: «ظاهراً در برنامه‌های تاریخی تلویزیون، محتوا خیلی بیش‌تر از سایر موارد، از جمله لحن، اهمیت دارد. لحنی که انتقاد و پرخاشگری نسبت به برخی شخصیت‌های تاریخی را هم در بر می‌گیرد.» یزدی هم چنین گفت: «به اعتقاد من، تاریخ را باید به گونه‌ای ساده و بی‌تکلف روایت کرد که مردم عادی به راحتی بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند. چنان که بارها گفته شده تلویزیون، خانه‌ی سینمای مستند به حساب می‌آید و فیلم‌های مستند باید این توانایی را داشته باشند که به خانه‌ها و در میان مردم راه پیدا کنند.»

در ابتدای این برنامه که با حضور مهدی فارسی، کارگردان و محسن یزدی، تهیه‌کننده‌ی فیلم «خاطرات خانه‌ی متروک» و هم‌چنین همایون امامی به عنوان منتقد برگزار شد، ناصر صفاریان مجری برنامه، حضور تهیه‌کننده در جلسه‌ی نقد و بررسی را کم‌سابقه عنوان کرد و ضمن اشاره به فعالیت محسن یزدی به عنوان مدیر مستندسازی حوزه هنری گفت: «به این ترتیب پرسش‌های حاضران در برنامه می‌تواند دربرگیرنده‌ی سایر تولیدات حوزه هنری و سیاست‌های کلی این مرکز هم باشد.»

در ادامه‌ی جلسه، مهدی فارسی در پاسخ به پرسش مسئول جلسه‌های نمایش فیلم درباره‌ی نحوه‌ی ساخت این فیلم مستند گفت: «خاطرات خانه‌ی متروک» طرحی بود که از سوی تهیه‌کننده‌ی فیلم پیشنهاد شد. ابتدا ایشان کتاب «قحطی بزرگ» که بر اساس اسناد وزارت امور خارجه‌ی آمریکا نوشته شده بود را در اختیار من گذاشت تا بخوانم. وقتی این کتاب را مطالعه کردم از خودم پرسیدم چرا ما در داخل کشور از وقوع چنین حادثه‌های مهمی بی‌خبریم؟ و این نکته، مهم‌ترین عامل در ساخت این فیلم بود. وی افزود: «وقتی ساخته شدن این طرح کمی جدی‌تر شد، تصمیم گرفتیم به جای پرداختن به مسالیه‌ی قحطی، زمینه‌های شکل‌گیری آن را مورد بررسی قرار دهیم که در نهایت به ساخته شدن «خاطرات خانه‌ی متروک» منجر شد.»

در ادامه‌ی جلسه، محسن یزدی تهیه‌کننده‌ی فیلم مورد بحث با اشاره به تاریخ به عنوان مبحث مورد علاقه‌ی خود گفت: «به نظر رسید که این سوژه می‌تواند دستمایه‌ی یک فیلم خوب باشد. فیلمی درباره‌ی مقطع تاریخی مهمی که متأسفانه عکس و تصویرهای بسیار محدودی درباره‌ی آن وجود دارد.» وی «روایت مشاهدات تاریخی، آن‌هم بدون اغراق و تغییر» را مهم‌ترین هدف گروه سازنده‌ی این فیلم عنوان کرد و افزود: «نیت ما این بود که فیلم خوبی بسازیم که چه از نظر فرم و چه از نظر پژوهش و ساختار اثر قابل توجهی باشد و بتواند یک صفحه از تاریخ فراموش شده‌ی ایران را به نمایش بگذارد.»

یزدی هم چنین با اشاره به دشواری‌های اجرای این طرح گفت: «ساخت این فیلم به دلیل بدقولی‌های برخی عوامل تولید نزدیک دو سال زمان برد و برای نگارش گفتار متن آن، حدود یازده‌هزار صفحه تحقیق انجام شد که سرپرستی‌اش را آقای سعدوندیان برعهده داشت.»

بخش بعدی برنامه به صحبت‌های منتقد مهمان



رخدادهای تاریخی در هاله‌ای از ابهام قرار دارند. امامی از این جنبه «خاطرات خانه‌ی متروک» را «یک کار تاریخی هنرمندانه» دانست و افزود: «یکی از ویژگی‌های این مستند، پرداختن به حوادثی تاریخی است که به غیر از چند عکس و تصویر پراکنده تقریباً هیچ چیز دیگری درباره‌ی آن وجود ندارد. تلفیق این تصویرها با جلوه‌های بصری باعث ایجاد لحظه‌های جذابی در پیش چشم تماشاگر شده که از ویژگی‌های انکارنشدنی این فیلم به حساب می‌آید.»

وی کاربرد خلاقه‌ی جلوه‌های صوتی، کاربرد موسیقی در رنگ‌آمیزی عاطفی و هم‌چنین گسترش حسی لحظه‌های فیلم را یکی دیگر از ویژگی‌های این فیلم برشمرد و گفت: «فیلم‌ساز در این مستند از نوعی نقطه‌گذاری شنیداری بهره برده که فصل‌های مختلف فیلم را به هم پیوند داده است.»

امامی استفاده از نماهای آرشویی بسیار نایاب و گاه تکان‌دهنده، اجتناب از نزدیک شدن به محور گفت‌وگو برای تشریح وقایع تاریخی، گزینش رویکرد مخیل در بیان تاریخ، انتخاب ساختار آپیرویدیک برای درک مطلب و هم‌چنین فضاسازی جذاب را برخی از ویژگی‌های این فیلم مستند برشمرد و ابراز امیدواری کرد تا موجی که در سال‌های اخیر به ساخت و نمایش مستندهای تاریخی منجر شده تداوم داشته باشد: «آنچه بیش از سایر موارد اهمیت دارد خود این فیلم‌هاست که به تاریخ کشور ما سلام و کمک می‌کنند تا تاریخ به شیوه‌ای درست و شرافتمندانه روایت شود.»

محسن یزدی نیز در ادامه‌ی این بحث گفت: «تجربه‌ی تولید و نمایش این گونه مستندها ثابت کرد که فیلم «شعاری» به فیلمی گفته می‌شود که فرم بدی داشته باشد. این گونه فیلم‌ها بیش‌تر از این که مشکل محتوایی داشته باشند از نظر فرم مشکل دارند.»

وی با اشاره به علاقه‌مندی حوزه هنری به تولید مستندهای متفاوت درباره‌ی مقاطع مهم تاریخی گفت: «ساخت این گونه فیلم‌ها به دلیل مشکلاتی که به آن‌ها اشاره شد بسیار دشوار و تولید آن‌ها بسیار سنگین و هزینه‌بر است. با این وجود امیدواریم این مسائل، راه تولید مستندهایی از این قبیل را سد نکند.»

در بخش پایانی جلسه، مهدی فارسی، مشکلات امروز جامعه را ناشی از کم‌توجهی و بی‌اطلاعی جامعه از گذشته‌های خود دانست و افزود: «باید پذیرفت که تاریخ به شکل‌های مختلف همواره تکرار شده و مطالعه‌ی فراز و فرودهای آن می‌تواند آموزنده و عبرت‌آموز باشد.»

وی گفت: «آرته‌ی مستندهای قابل تامل تاریخی فقط زمانی میسر خواهد شد که درباره‌ی مقاطع مختلف آن فیلم‌های متعددی ساخته شده باشد و جمع‌بندی تمام آن‌ها بتواند راهگشای یک فیلم خوب از میان آن‌ها باشد.» فارسی افزود: «در «خاطرات خانه‌ی متروک» یک سکانس درباره‌ی وقوع قحطی در ایران آن روزگار وجود داشت که من آن را حذف کردم، اما هر بار که فیلم را می‌بینم خودم را سرزنش می‌کنم که چرا این کار را کردم. در آن بخش‌ها نکته‌هایی وجود داشت که شاید می‌توانست برای برخی مسئولان آموزنده باشد و کاری کند که آن‌ها در شرایط بحرانی تصمیم‌های بهتری بگیرند. خوش‌بختانه تاریخ از این دست موارد کم ندارد؛ کافی است به آن رجوع کنیم و درس عبرت بگیریم؛ راه چاره را خواهیم دید.»

مدیر مستندسازی حوزه هنری، نگاه جناحی و مرزبندی‌های سیاسی را یکی از اشکالات مدیریتی دانست و افزود: «گاهی تصویری از یک طیف یا اعتقادات سیاسی خاص وجود دارد که صحیح نیست. به عنوان مثال در ساخت مجموعه‌ی مستندی که در سال‌های اخیر درباره‌ی رضا شاه ساخته شده، بسیج صداوسیما با حوزه هنری همکاری داشته؛ ولی باز با مشکلاتی در زمینه دسترسی به آرشیو و منابع خاص برخی مراکز رو به رو بودیم.»

محسن یزدی هم چنین با اشاره به این که «وقتی تاریخ به شکل درست، سر راست و صریح روایت شود می‌توان گفت هیچ نکته‌ای برای پنهان کردن باقی نمی‌ماند.» گفت: «جالب این که حتی به نهادهایی حکومتی نظیر حوزه هنری هم خرده می‌گیرند و این در حالی است که به اعتقاد من حقانیت نظام جمهوری اسلامی فقط با آزادی بیان در چارچوب قانون مشخص خواهد شد. متأسفانه عدم تخصص و بی‌صدافتی، مسائلی را به وجود آورده که باعث بی‌اعتمادی بخشی از تماشاگران نسبت به تلویزیون شده است.»

بخش بعدی جلسه به صحبت‌های مهدی فارسی، کارگردان «خاطرات خانه‌ی متروک» اختصاص داشت. وی گفت: «زمانی که تولید این فیلم به جریان افتاده بود یکی از نگرانی‌هایم تاکید و اصرار شعاری بر ساخت فیلمی با هدف طرح شعار «مرگ بر انگلیس» بود؛ اما صادقانه باید اعتراف کنم زمانی که منابع تاریخی را مطالعه و سندهایی که در این زمینه وجود دارد را مرور کردم، نسبت به استعمار نفرتی در من به وجود آمد که اصلاً این نگرانی اولیه را رفع کرد. در این باره حتی نیازی به مطالعه‌ی کتاب‌های محققان و پژوهشگران داخلی نیست؛ مرور آثار به جا مانده از نویسندگان انگلیسی هم از کار کرد مشابهی برخوردار است.»

فارسی افزود: «فارغ از نگاه سیاسی و پس‌انقلابی سال‌های اخیر، اگر قصد ما از روایت تاریخ، پرداختن به وقایعی در گذشته باشد به نکته‌هایی دست پیدا خواهیم کرد که بسیار آموزنده است. از این زاویه باید اشاره کرد که گفتن حقایق، به نفع نظام است. در حالی که تبدیل تاریخ به گذشته‌های دور، آن را به روایتی تبدیل کرده که دل‌زده کننده است و در بعضی موارد، لحنی بسیار پررنگ‌تر از اسناد مکتوب دارد.»

بخش پایانی این جلسه‌ی نقد و بررسی به صحبت‌های منتقد مهمان و جمع‌بندی صحبت‌های حاضران در جلسه اختصاص داشت. در این بخش همایون امامی با اشاره به چهارچوب‌هایی که در سال‌های اخیر برای بررسی مستندهای تاریخی در نظر گرفته شده گفت: «یک مستند تاریخی می‌تواند به سندهایی در این زمینه اشاره کند و با تمام جزئیات، روش تحقیق خود را انجام دهد ولی از نظر بیان، روایی باشد. در چنین شرایطی و در این شکل از روایت اگر برخی مقاطع یا رخدادها تاریخی شکسته یا تحریف شوند، پسندیده نیست و این نکته‌ای است که خوش‌بختانه در مستند «خاطرات خانه‌ی متروک» به چشم نمی‌خورد.»

وی «تفاوت‌های موجود در روش‌های پژوهشی و پرداختن به علوم تجربی» را عامل تضاد درباره‌ی مسائل تاریخی عنوان کرد و افزود: «در زمینه‌ی تاریخ با مقوله‌ی تفسیر روبه‌رو هستیم و این در حالی است که بخشی از





سینمای کمدی از اقتدار تا استیصال

حامد وطنخواه

چرا سینمای ایران تا پرتگاه لودگی و ابتذال سقوط کرده است؟

گفته می‌شود همه چیز به خاطر یک مشت دلار اتفاق افتاده است؟ همه چیز از قاب گیشه، تجارت و نگاه کاسبکارانه ترسیم می‌گردد.

سینمای ایران در دهه‌های گذشته فیلم‌های کمدی شریف و تاثیرگذار کم نداشته است: «اجاره‌نشین‌ها»/ «درویش مهرجویی»، «همسر»/ مهدی فخیم‌زاده، «آپارتمان شماره ۱۳»/ پدالله صمدی و ... آثاری که هم تماشاگران را می‌خندانند و هم به شعورشان توهین نمی‌کرد و اصراری هم نداشتند با چاشنی لودگی و دیالوگ‌های مریض مخاطب را به سینما بکشانند؛ و خانواده‌ها هم در کنار فرزندان شان بدون دغدغه و نگرانی و فارغ از بیم و ترس از بدآموزی‌ها و تاثیرات مخرب، به سینما می‌رفتند و اوقات فراغت مفرحی را می‌گذراندند.

به نظر می‌رسد در بلبشوی فضای فرهنگی و رقابت سود و فروش بیش‌تر، برخی از این فیلمسازان کم‌ترین دغدغه و نگاه فرهنگی را هم به کناری گذاشتند. برایشان رعایت حدود عفت و احترام اجتماعی چندان معنا و مفهومی ندارد. مهم، برای آن‌ها، تابوشکنی و عبور از خطوط قرمز و کشاندن مخاطب به هر شکل

ممکن و لو، با ادبیات پست و هجویه و تصاویر فجیع و مبتذل و اشارات ارجاعی زشت و سخیف باشد.

نکته قابل تامل این است که برخی از این فیلمسازان می‌پندارند که در لفافه این تصاویر و ادبیات، مثلاً دارند به وضعیت جامعه و آسیب‌های آن می‌پردازند. غافل از این که با عرضه فرایندهای تصویری زشت و سخیف و رفتار وقیحانه با مخاطب هم به جامعه و خانواده‌ها آسیب می‌زنند و هم اینکه بزرگ‌ترین ضربه را به ساحت سینمای کشور وارد می‌سازند.

انبوه سازی و بساز و بفروشی در آشفته بازار تولید سینما، در اثر غفلت و کاهلی مسئولان سینمایی و دور از چشم دستگاه‌های نظارتی اکنون به اپیدمی فاجعه‌بار و زبان بخشی تبدیل شده و در سونامی آن، بستر برای فهم و درک آثار نجیب و شریف و آگاهی بخش و هشدار دهنده محدود شده است.

لودگی، صحنه‌ها و ادبیات جنسی، زیر پا گذاشتن استانداردها و عرف اجتماعی، رونق و ترویج شوخی‌های جنسی کلامی و حرکات ارجاعی و مفاهیم لمپنی و اغواگری‌های سخیف و توهین آمیز متأسفانه، به جریانی در سینما تبدیل شده که گویی بعضاً، فیلمسازان و تهیه‌کنندگان در این زمینه با یکدیگر مسابقه می‌دهند مبنی بر اینکه هر کس «زهرماری» ماجرا را بیش‌تر کند جلوتر است.

این واقعیت تلخ محصول فضای گذار و رفت و آمد

مدیران و باج‌دهی و امتیاز بخشی به رفقا و دوستان و ایجاد رضایتمندی کاذب و آرام‌نگه داشتن جو سینما و ... است.

در سابقه سینما و تلویزیون ایران آثار کمدی اصیل و اندیشه‌محور کم نیست، ولی در چرخه تولیدی این دست آثار متأسفانه، با فجایع وحشتناکی روبروئیم که الگوبرداری از جریان فیلمفارسی در آن‌ها موج می‌زند. بهره‌گیری از قومیت، زبان، سیاست، مذهب و اقلیت‌های مذهبی و جنسیت عمده‌ترین محورهایی است که این آثار حول آن‌ها می‌چرخند و تأسف اینجاست که با دستاویز قراردادن این طیف مفاهیم همراه با توهین و ولنگاری به سطحی‌ترین شکل و سخیف‌ترین شوخی‌ها، صبغه‌های فرهنگی، ارزش‌ها و اعتبار مبانی و هنجارهای اجتماعی را مورد چالش قرار می‌دهند.

بدون تردید، می‌توان سینمای آکنده از فضای شاد و خنده و کمدی داشت بی آنکه به بخشی از فرهنگ، تاریخ، زبان، مظاهر اخلاقی و دینی اهانت کرد.

بر فرض که متولیان سینمایی و مدیران ارشد گرفتار روزمرگی، سیاسی کاری و غفلت شدند مثل «در دیزی باز است» حیای گریه کجاست؟

سینماگران و فیلمسازان جزو قشر فرهیخته جامعه‌اند و اساساً، آن‌ها قرار است برای رشد و اعتلای فرهنگ جامعه و معرفی الگوهای اخلاقی درست و نهادینه سازی رفتارهای مدنی کمک کنند؛ آیا شایسته است به جای تحلیل مصائب و آسیب‌های اجتماعی با عرضه محصولات چالشی و زبان بخش، خود، به چالشی مضاعف در جامعه و سینما بدل شوند؟

الفبای سینما سازی، را رعایت کنیم

مقایسه اشتباه بین سینماهای قدیمی و پردیس ها



سینماسازی و تجهیز سالن‌های سینما در ایران متولیان فراوانی دارد. متولسانی که هر یک در مقاطع مختلف با ورود به این عرصه، حساسیت‌ها و دغدغه‌هایشان را عیان می‌کنند. بخشی از این خواسته‌ها و مطالبات به حق و برخی محصول تصورات اشتباه است. صنعت سینماسازی باید به عنوان یکی از اولویت‌های نهادهای فرهنگی شناخته شود، اگر قرار است جهشی در این زمینه داشته باشیم بهمن سبز نوشت: باید آنچه پشت سر بوده بررسی و واکاوی کنیم. همکاری نهادهای شهری و فرهنگی برای سامان دادن به وضعیت سینماها ضروری است. اگر عزمی وجود دارد تا کیفیت فیلم دیدن در سراسر کشور بهبود یابد، لازم است تا استانداردها در همه زمینه‌ها رعایت شود، یعنی نمی‌توان پرده و سیستم صوتی یک سینما را از تقاداما در بخش معماری پیرو سیاست‌ها و قواعد دهه ۴۰ شمسی بود. نمی‌توان فقط به بعد تجاری ساخت پردیس‌ها اندیشید و بخش ایمنی و امنیت این مراکز را نادیده انگاشت یا با سهل انگاری از کنارشان عبور کرد.

سینماهای ایران اغلب محصول دهه ۳۰ و ۴۰ شمسی هستند که لباس نوسازی به تن کرده‌اند، انتقاد به وضعیت سالن‌های قدیمی بدون توجه به امتیازهای آنان و کارکردشان در ۵۰ سال قبل منصفانه و حرفه‌ای نیست. سالن‌هایی همچون سینما بهمن یا سینما استقلال تهران، سینما آفریقای مشهد و نمونه‌هایی از این دست با توجه به بافت جمعیتی آن دوره ساخته شده‌اند. از سویی دیگر مختصات معماری این سالن‌ها با توجه به دانش، علم و تجهیزات آن روزها مفید و کارآمد بوده. امروز شاید این سینماها قدیمی به نظر برسند، اما زمان ساخت شان بسیار حرفه‌ای و مفید طراحی و اجرا شده بودند. در مقایسه این سینماها باید دید مقررات و قواعد معماری و ایمنی در سینماهای جدید و پردیس‌ها تا چه اندازه رعایت شده است. اولاً بسیاری از پردیس‌های مهم شهر تهران در مکان‌هایی ساخته شده‌اند که به بار ترافیک شهر اضافه کرده‌اند، بعضی از ساکنان این محله‌ها بابت ساخت این پردیس‌ها که در دل مراکز تجاری واقع شده‌اند معترض هستند. در این مورد شهرداری‌ها که متولی ساخت اغلب پردیس‌ها هستند باید از زمان ساخت متوجه این موضوع بودند و اجازه نمی‌دادند مکانی فرهنگی و تجاری بار ترافیک را بیشتر کند.

نکته بعد امنیت این فضاهاست. آیا از زمان ساخت به این موضوع توجه شده که در صورت بروز مشکل حاد، همچون زلزله یا آتش سوزی جمعیت انبوهی که در این مراکز وجود دارد قرار است چطور و در چه زمانی این محل را ترک کنند؟ اگر قرار بر استقرار در محیط امن تا چه اندازه و برای چه تعداد مخاطبی وجود دارد؟ در صورت بروز حریق، پله‌ها و خروجی‌ها تا چه حد امن و سریع و قابل اعتماد هستند. به عنوان مثال در طراحی سینما بهمن تهران، درهای خروجی به کوچه وصل شده و تماشاگران سریع وارد خیابان اصلی می‌شوند. این امکان، خروج آنانی که در سینما هستند سریع و با کمترین اتلاف وقت همراه می‌کند و در صورت مشکلی همچون آتش سوزی، خروج از محل حادثه سریع اتفاق می‌افتد. حال اگر در هر یک از پردیس‌های شهر اتفاقی با ابعادی بزرگ و نگران کننده رخ دهد، باید دید افرادی که در مراکز خرید و تفریحی این مجتمع‌ها هستند یا آنانی که در سالن استقرار دارند چه سرنوشتی پیدا خواهند کرد؟

دسترسی آنها به معابر و شریان‌های اصلی شهر تا چه اندازه راحت است؟ متأسفانه به نظر می‌رسد در صورت وقوع حریق، بسیاری از پردیس‌های مدرن و مجهز دچار مشکل جدی می‌شوند. بروز حوادثی همچون پلاسکو نهادهای شهری را بر آن داشته تا نسبت به ایمنی و ضد حریق کردن مراکز عمومی از جمله سینماها اهتمام بیشتری بورزند، این موضوع در ذات خود مهم و بالارزش است. اما این تلاش وقتی معنا می‌گیرد که از زمان ساخت سینما یا تجهیز و نوسازی آنها چنین نهادهایی از جمله آتش نشانی یا شهرداری در کنار سازنده سالن باشند، محدود شدن به موضوع زیبایی یک سالن یا پرزرق و برق بودن یک سینما، باعث شده اولویت‌های سینماسازی و استاندارد کردن سالن‌ها فراموش شده یا به پروسه پس از پایان ساخت موکول شود. پس از ساخت یا نوسازی یک سالن، توجه به موضوع اطفای حریق یا مقاوم سازی سینما معنایی ندارد و تنها باعث افزایش هزینه‌ها و هدر رفتن سرمایه، زمان و انگیزه سازنده سالن می‌شود. ایجاد پل‌های ارتباطی بین سینماداران و نهادهای شهری و فرهنگی می‌تواند بستری فراهم کند تا پیش از وقوع حوادث و ویرانی‌های بزرگ، سالن‌های سراسر کشور امن و مقاوم شوند، این امنیت محصول تدبیر و دانش و استفاده از تجربه‌هاست. نمی‌توان صنعت سینماسازی را یک شبه و بدون در نظر گرفتن امتیازهای سینماهای قدیمی و دانش و ذوق طراحان و مهندسان روزگار گذشته متحول کرد.

قهر مخاطب با سینما که هر سال بیشتر می شود چیست؟ بنظر میرسد یکی از دلایل اصلی عدم استقبال مخاطبان از فیلم های سینمایی فضای غم زده و مایوس کننده آنهاست. در سال های اخیر و با رشد تولید فیلم های اجتماعی با مضامین تلخ و ناامید کننده و البته تکراری مخاطبان دیگر به این آثار روی خوشی نشان نمی دهند. در واقع تولید آثار اجتماعی شبیه به هم که اغلب از ضعف فیلمنامه رنج می برند مخاطب را از سینمای اجتماعی تا حدی دلزده کرده. در کنار اینها باید به ضعف کلی فیلم های تولید شده در سال های اخیر اشاره کرد. متأسفانه هر اندازه به رشد کمی و برگزاری جشنواره های رنگارنگ در سینما اهمیت داده میشود نسبت به تولید آثار با کیفیت بی توجهی می شود. مخاطب سینما رو ثابت کرده است فصل بد اکران وجود ندارد و هر بار فیلمی جذاب (در هر ژانر) در سینما اکران شود از آن استقبال خواهد کرد. پس منصفانه نیست مانند برخی از سینماگران دلیل ریزش مخاطب را کم لطفی مردم، بالا رفتن قیمت بلیت و یا رقاباتی مانند شبکه نمایش خانگی بدانیم.

از دیگر دلایل قهر مخاطب با سینما تولید آثاری است که در آنها به مخاطب سینما اهمیتی داده نمی شود و سازندگان بیشتر به فکر ساخت آثار دلی و شخصی هستند تا فیلم هایی که برای مخاطب دارای جذابیت باشند. در این نوع سینما مرتب بین مخاطبان سینما مرز بندی می شود و سازندگان چنین آثاری معتقدند فیلم هایشان صرفاً برای مخاطب خاص ساخته شده و طبیعی است که مخاطب سینما روی عام به آنها اقبال نشان ندهد! چنین سینماگرانی بعضاً خام دستی هایشان در تولید آثار جذاب را با فرافکنی بر گردن بی سوادی مخاطبان انداخته و از آثار کم فروش شان به این شکل دفاع می کنند. در حالی که تجربه نشان داده آثار حرفه ای که در سینمای هنر و تجربه اکران شده اند با اقبال همان مخاطبانی روبرو شده اند که سازندگان آثار به اصطلاح هنری آنها را مخاطب عام خطاب می کنند.

روند ریزش مخاطب در سینمای ایران به مرحله ای رسیده است که باید برای حل آن به چاره جویی افتاد. تولید انبوهی از آثار ضعیف سینمایی با وام های حمایتی بعضاً، مخاطبی ندارند و در عین حال، تضعیف بخش خصوصی سینما می تواند به نابودی صنعت ورشکسته سینما در ایران منتهی شود.

سینمای ایران همواره در عرصه های بین المللی موفق ظاهر شده است و بخصوص در سال های اخیر تعداد جوایز سینمایی ایران از جشنواره های معتبر سینمایی افزایش داشته است. در کشور ما سالانه، تقریباً، بیش از صد فیلم تولید می شود که آماری حتی بیش از تولید فیلم در بسیاری از کشورهای اروپایی است. همچنین در کشورمان جشنواره ای برگزار می شود که قدمتی سی و شش ساله دارد. همه ساله تعداد بسیاری دانشجو در رشته های مختلف مرتبط با سینما از دانشگاه های معتبر کشور فارغ التحصیل می شوند و تعداد کلاس های آزاد سینمایی روز به روز در حال افزایش است. با این اوصاف و با یک حساب سرانگشتی باید به این نتیجه برسیم که مردم ایران بالقوه، بسیار سینما رو و سینما دوست هستند و فیلم های اکران شده مانند کشور هند با استقبال کم نظیری مواجه می شوند و این صنعت بسیار پویا و درآمدزاست. اما متأسفانه آمار و ارقام خلاف این ادعاست و نشان از ریزش مخاطب در سینمای ایران دارد. یکی از بهترین زمان های اکران در سینمای ایران ایام تعطیلات نوروز است و معمولاً تهیه کنندگان ماه ها پیش از آغاز نوروز شروع به رایزنی برای اکران فیلم های شان می کنند ولی امسال حتی در روزهای تعطیلات عید هم با ریزش مخاطب به نسبت همان زمان در سال گذشته مواجه بودیم.

نوروز ۹۷ یک فیلم به تعداد فیلم های اکران نوروز اضافه شد سالن های بیشتری هم به سینماها اضافه شدند. اما از بازه زمانی ۲۵ اسفند ۹۶ تا ۱۳ فروردین ۹۷ هفت فیلم «مصادره»، «لاتاری»، «به وقت شام»، «فراری»، «لونه زنبور»، «فیلشاه» و «خرگوش» مجموعاً یک میلیون و سیصد و نود و دو هزار مخاطب و هجده میلیارد و نهصد و هشتاد میلیون تومان فروش داشته اند. نتیجه افت بیست و یک درصدی مخاطبان اکران نوروزی طی یک سال و ادامه افت مخاطبان اکران نوروز در دومین سال متوالی است. در مقایسه فیلم به فیلم هم، «مصادره» به عنوان پرفروش ترین فیلم نوروز امسال در بازه زمانی مذکور ۵۳۸.۵۰۰ مخاطب داشته که مخاطبانیش از دو فیلم پرفروش پار سال در همین بازه زمانی یعنی «گشت ۲» با ۷۹۱ هزار مخاطب و «خوب بد جلف» با ۵۹۶ هزار مخاطب کمتر است. این در حالی است که به گفته سخنگوی شورای صنفی نمایش در نوروز سال ۹۶ نیز به نسبت نوروز سال قبل با بیست درصد ریزش مخاطب روبرو بوده ایم. اما دلیل یا دلایل

سینمای ایران و بحران ریزش مخاطب

الناز نعمتی



سینمای ایران، صعود گیشه و سکون مخاطب

اخیر آنچه که به عنوان کمدی در سینمای ایران تولید شده است، مجموعه آثاری مبتذل، سخیف و دم دستی است که از کمترین استانداردهای فیلمنامه و داستان برخوردار است. سناریوهای سطحی، شوخی‌های اروتیک، داستان‌های بی‌سرو ته و مبتنی بر طنز موقعیت و به طور کلی کمدی‌هایی نازل که فقط برای گیشه ساخته می‌شوند و اتفاقاً در بسیاری از مصادیق در این مورد نیز ناموفق عمل کرده و عمدتاً با مخاطبانی که با نارضایتی از سالن خارج شده، روبه‌رو شده است.

رشد بی‌سابقه اکران‌های مردمی با حضور بازیگران و عوامل فیلم که به نوبه خود رکوردی در سینمای جهان به حساب می‌آید نیز، یکی دیگر از اقدامات سینماگران برای دیده شدن فیلم‌هایشان است. بازیگران و سایر عوامل بنام فیلم در صفحات شخصی خود در فضای مجازی با اعلام حضور خود در فلان سینما و در فلان ساعت، به طور مستقیم برای فروش فیلم خود تبلیغات انجام می‌دهند. فیلم سینمایی «خفگی» یکی از همین فیلم‌ها است که در نوع خود رکورددار اکران مردمی با حضور عوامل فیلم است که البته این فیلم با وجود همه این تبلیغات باز نتوانست درخشش خوبی در اکران داشته باشد و در نهایت با فروشی چهار میلیاردی به اکران خود پایان داد.

اما در کنار تمامی این پارامترها که در فروش بیشتر فیلم‌ها به سینمای ایران کمک می‌کند، محرک اصلی در تحول سینما، مسئله کیفیت فیلم‌ها و ارزش محتوایی و ساختاری آنهاست و تازمانی که سینمای ایران در این عرصه نتواند و یا نخواهد تا به پیشرفت جدی دست پیدا کند، همچنان باید آن را ورشکسته و بدون مخاطب قلمداد کرد؛ هر چند که در زمینه اقتصادی و سینمای گیشه‌ای، همچون امروز رشد محسوسی داشته باشد.



ایران بودند، به جای حل مشکل و معضل اصلی و به کارگیری عزمی جدی برای ارتقای کیفی تولیدات سینمایی، صورت مسئله را دور زده و در تصمیمی کاسب‌کارانه، سعی را بر این داشتند تا سینمای محضر ایران را با همان میزان مخاطب محدود فعلی، زنده نگاه دارند. به همین جهت با چشم‌اندازی چند ساله، طرح افزایش پلکانی قیمت بلیط سینما را اجرایی کردند تا بتوانند دست‌کم با همان تعداد محدود مخاطبین ثابت سینمای ایران، افزایش فروش فیلم‌ها را رقم بزنند. افزایش قیمت بلیط و به تبع آن افزایش آمار فروش فیلم‌ها به نوعی کمک به افزایش مخاطب نیز داشت؛ به این صورت که اعلام آمار فروش و افزایش میزان آن، تحریکی برای مردم برای استقبال از فیلم‌های در حال اکران به حساب می‌آمد. آن هم به خیال اینکه این افزایش چشمگیر آمار فروش نشان از ارتقای کیفیت محصولات تولیدی و به عبارت دیگر بهتر شدن فیلم‌ها باشد.

اقدام دیگری که در راستای نجات سینمای ورشکسته سال‌های اخیر توسط گردانندگان سینما انجام گرفت، روی آوردن جدی به سینمای کمدی بود. سیاست‌گذاران این عرصه، با هدف تغییر ذائقه مخاطب سینما از فیلم‌های ارزشی و هنری به سمت سینمای کمدی صرف (آن هم از نوع سخیف و نازل آن)، روند رو به رشدی را برای افزایش فروش گیشه رقم زدند. آنها که به تجربه فروش خوب فیلم‌های کمدی در سینمای ایران واقف بودند، باروی آوردن افراطی به تولید فیلم‌های کمدی در سال‌های اخیر، تا حدود زیادی توانستند جان تازه‌ای به جسم نیمه‌جان سینمای ایران ببخشند.

نگاهی گذرا به جدول فروش فیلم‌های سال‌های اخیر به وضوح نشان از فروش بالای فیلم‌های کمدی و قبضه بی‌چون و چرای صدر جدول فروش توسط آنها دارد. در حال حاضر هفت فیلم از فهرست ۱۰ فیلم پر فروش تاریخ سینمای ایران را فیلم‌های کمدی تشکیل می‌دهند که از میان آنها فیلم‌های «تهنگ عنبر ۲»، «آینه بغل»، «گشت ۲»، و «خوب، بد، جلف» به ترتیب رده‌های اول تا چهارم جدول فروش را به خود اختصاص داده‌اند.

اما مشکل تنها رشد قارچ‌گونه فیلم‌های کمدی در سینمای ایران نیست. بلکه مشکل اصلی سطح نازل این کمدی‌ها است. به جرأت می‌توان گفت در سال‌های

در کنار تمامی پارامترهایی که به سینمای ایران در فروش بیشتر فیلم‌ها کمک می‌کند، محرک اصلی در تحول سینما، مسئله کیفیت فیلم‌ها و ارزش محتوایی و ساختاری آنهاست و تازمانی که سینمای ایران در این عرصه نتواند و یا نخواهد تا به پیشرفت جدی دست پیدا کند، همچنان باید آن را ورشکسته و بدون مخاطب قلمداد کرد؛ هر چند که در زمینه اقتصادی و سینمای گیشه‌ای، همچون امروز رشد محسوسی داشته باشد.

به نوشته تسنیم؛ سینمای ایران در سال‌های اخیر رشد چشمگیری در آمار فروش داشته است. اما این افزایش آمار حاکی از افزایش مخاطب و بالارفتن میزان استقبال مردم از سینما نیست. بلکه علت اصلی این رشد فروش، افزایش بی‌رویه قیمت بلیط سینماها می‌باشد. این افزایش قیمت در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته است؛ به طوری که قیمت ۳ هزار تومانی بلیط در سال ۹۰، با افزایشی ۸ برابری در سال ۹۷ به مبلغ ۱۵ هزار تومان رسیده است.

این افزایش سرسام‌آور قیمت بلیط در طول این چند سال اگر چه توانسته تا بدنه اقتصادی سینما را تقویت و سینمای ورشکسته اواخر دهه هشتاد را جان تازه‌ای ببخشد، اما به حسب واقع تحول چندانی در پیشرفت کیفی و افزایش جذب مخاطب نداشته است.

هر چند که عده‌ای از سینماگران که نگاه گیشه‌ای صرف به این رسانه دارند، این افزایش فروش اخیر سینمای ایران را به آشنی مخاطبان با سینما تعبیر می‌کنند، اما واقعیت امر چیز دیگری است و مخاطب سینما همچنان از وضعیت کیفی آثار تولیدی سینمای ایران گله‌مند است.

نمود این نارضایتی را می‌توان در آمار مخاطبین فیلم‌ها در سال‌های اخیر مشاهده کرد که متأسفانه مسئولین سینمایی و گردانندگان سینمای گیشه محور، عمدتاً از ارائه اینگونه آمار به صورت رسمی سر باز می‌زنند و اصرار عجیبی به برجستگی آمار فروش دارند تا آمار مخاطب!

سیاست افزایش پلکانی قیمت بلیط سینما در سال‌های اخیر، تصمیم مضطربانه و به‌ناچار مسئولین سینمایی برای فرار از بحران «قهر مخاطب» بود که درست در سال‌های رکود بی‌سابقه سینمای ایران یعنی سال‌های پایانی دهه هشتاد انجام شد. در آن سال‌ها گردانندگان صنعت سینمای ایران که شاهد افت محسوس کیفیت آثار سینمایی و ورشکستگی قریب به وقوع سینمای



درک آوینی از سینمای مدرن بالا بوده است



«اگنس دوو ویکتور» پژوهشگر جوان فرانسوی است که موضوع پایان نامه دکتری او «سیاست گذاری فرهنگی سینمای ایران بعد از انقلاب تا ریاست جمهوری خاتمی» بوده است.

او برای گذراندن دکتری خود، حدود ۴ سال مسئول بخش تصویر و سینما در موسسه مطالعات فرانسوی در ایران بوده که این حضور باعث شده است با شهید آوینی آشنا شود و در کتابی با عنوان «تصاویر، رزمندگان و شهدا، جنگ ایران و عراق از منظر سینما» شیوه روایت و نگاه ایشان را بررسی کند.

اردیبهشت ماه، نشست با عنوان بررسی روایت شناسی اگنس دو ویکتور از «روایت فتح شهید آوینی» به همت بسیج دانشجویی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی و پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی در دانشکده

علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی برگزار شد که مهدی شاکری (دکتری علوم سیاسی از دانشگاه تولوز فرانسه) مهمان آن بود.

مهدی شاکری صحبت‌های خود را با نحوه آشنایی این پژوهشگر فرانسوی با شهید آوینی شروع کرد و گفت: اگر بخواهیم چگونگی آشنایی ایشان با شهید آوینی را توضیح دهیم باید بگوییم که یک تصادف بوده است. ایشان در زمان انجام تحقیقات پایان نامه دکتری به علت آشنایی نداشتن با زبان فارسی، فیلم‌های کم دیالوگ را انتخاب می‌کنند، برای همین در ابتدا به فیلم‌های جنگی روی می‌آورند.

دوو ویکتور روایت روشمندتری از فیلم روایت راوی انجام می‌دهد. روایت راوی را داماد شهید آوینی درباره نحوه روایت مستندهای ایشان ساخته است. دوو ویکتور با همه عوامل تولید فیلم‌های آوینی صحبت می‌کند و روش فیلم

سازی آوینی را استخراج می‌کند. مستندهای آوینی رپورتاژ تلویزیونی نیست، یک فیلم سینمایی است وی بابیان اینکه ضعف زبانی دو ویکتور منجر شد که بر روی فرم مستندهای شهید آوینی تمرکز بیشتری داشته باشد، ادامه داد: مستندهای شهید آوینی از نظر او یک رپورتاژ تلویزیونی نیست، بلکه یک فیلم سینمایی است اگر چه تلویزیون نمایش داده شده است، آوینی آنها را با این هدف ساخته که در سینماهای مستند جنگ دیده شوند. شاکری با بیان اینکه زمان در رپورتاژ



خبری تلویزیونی بسیار اهمیت دارد، با یک تیر تند سعی می‌کند بیشترین اخبار را بدهد و جزئیات را بگوید، ادامه داد: کاری که آوینی می‌کند دقیقا برعکس است، ایشان این ریتم را می‌شکنند و کند می‌کند، سعی می‌کند چیز دیگری را نشان بدهد، از خلال تصاویر جنگ بیننده را متوجه چیز دیگری کند.

سینمای داعش سینمای نشان دادن است و سینمای آوینی نشان ندادن
وی ادامه داد: دوو و یکتور تعبیری دارد که می‌گوید سینمای آوینی سینمای شهودی است اما سینمای نشان ندادن است. مثلا سینمای داعش سینمای نشاد دادن است، و سعی می‌کند با آهنگ و افکت جزئیات را کامل نشان دهد اما سینمای آوینی در کنار ریتم کند، سینمای امر باطن است، اما امر باطنی که در خلال امر ظاهر نشان داده می‌شود. آوینی بارها به آهنگ ساز روایت فتح گفته است گفته که این فیلم است که باید بر آهنگ سوار باشد نه آهنگ بر فیلم.

دکتر شاکری ادامه داد: اگنس دوو و یکتور معتقد است که آوینی و کیارستمی به یک اندازه از سینمای انقلاب بهره برده‌اند و وامدار سینمای انقلاب هستند. به این معنا که سینمای انقلاب سینمایی است که به امر انقلابی و موضوع انقلاب می‌پردازد، فارغ از آن که موافق انقلاب و یا مخالف آن باشد؛ سینمایی که در زمان انقلاب و بعد از انقلاب و بعد از موج نو دهه ۶۰، دوربین رها شد و از روی سه پایه برداشته شد و روی شانه قرار گرفت که به دلیل وضعیت انقلابی بود و برای آن که بتواند در گریز و جدالی که بین نیروهای حاکم باشد و فعالیت فیلم برداری کند. آزاد سازی دوربین آوینی و گروه روایت فتح به دلیل به کارگیری دوربین در موقعیت‌های جنگی و قبل از آن روستایی بود.

مردم محوری خصلت خاص مصاحبه‌های آوینی است
وی با توجه به نحوه تعامل دوربین و مصاحبه شونده توسط گروه روایت فتح گفت: اگنس دوو و یکتور معتقد است کارهای جنگی آوینی بسیار متأثر از کارهای روستایی اوست. چون برای اولین بار به جاهایی می‌رود که تا به حال دوربین آنجا نرفته و به عوامل خودش می‌گوید که یک ماه دوماه در آن مناطق بمانید تا دوربین با مردم آشنا شود، رام شود و مردم به واسطه شما حرفشان را با قدرت بزنند. در مستند «خان گزیده‌ها» و «هفت قصه از بلوچستان» دوربین واسط مردم و حکومت مرکزی می‌شود. شاکری گفت: کاری که تیم آوینی انجام می‌دهد این بود که برای اولین بار بدون هیچ آموزش قبلی چه طور مصاحبه بگیریم؟ و به این فرمول می‌رسند که نماهای باز بگیریم و همه مردم را نشان بدهیم و قهرمان سازی نکنیم. اینها نکاتی است که تیم شهید آوینی به آن میرسد.

وی ادامه داد: مصطفی دالایی یکی از دستیاران آوینی می‌گوید که ما می‌توانستیم دوربین را بکاریم وسط و از مردم بخواهیم یکی یکی از جلوی دوربین رد شوند و حرفشان را بزنند که در این صورت ما محور بودیم از این رو برعکس آن را انجام دادیم. ما دوربین را در دست می‌گرفتیم و به طرف مردم می‌رفتیم اگر کسی وسط حرف دیگری، صحبت می‌کرد حرفش را قطع نمی‌کردیم و دوربین دنبال آن میرفت در واقع مردم محوری را اینگونه در فیلم پیش می‌بردند و نشان می‌دادند.

شاکری ادامه داد: این یک تجربه چند ساله است دوو و یکتور این را از خلال فیلم‌های «آوینی» متوجه می‌شود و تصریحش را از عوامل گروه ایشان نیز می‌گیرد.

وی افزود: نکته دیگری که او بسیار تاکید می‌کند این است که شهید آوینی با اینکه درس خوانده سینما نیست اما به عنوان یک مهندس معماری وقتی پشت میز تدوین می‌نشاند، اصول زیبایی شناسی را بلد است و کاری را که یک معمار با آجرها می‌کند، او

با اجزای فیلم و پلان‌ها انجام می‌دهد. از این منظر می‌گوید که آوینی سینمای مدرنی دارد.

سینمای آوینی یک سینمای مدرن است
شاکری گفت: دوو و یکتور می‌گوید طول پلان‌ها و ارتباط پلان‌ها با یکدیگر و نحوه افکت‌ها مجموعا مناسباتی است که در سینمای مدرن شکل گرفته است. مخاطب در سینمای مدرن خودش در شکل‌گیری معنا و حقیقت فیلم مداخله و مشارکت دارد. از این «رو دو و یکتور» معتقد است که فیلم‌های آوینی فیلم‌های خطرناکی هستند و بیش از حد به مخاطب آزادی انتخاب یا انتخاب نکردن می‌دهند. مثلا در فیلم‌های مدرن پایان فیلم را باز می‌گذارند. وی بیان کرد: او به عنوان یک پژوهشگر سینما می‌گوید، این که بگوییم این جنگ، جنگ حق و باطل است و تو جبهه خودت را انتخاب کن، کمی متزلزل کننده است، یعنی خیلی آزادی است اما می‌گوید مخاطب میتواند انتخاب کند که در کدام جبهه باشد.

قهرمان‌های آوینی ابتدا بر جبهه باطنی پیروز شده‌اند

وی افزود: شما در مستند «حقیقت بازده» و قسمتی که عنوانش فتح الفتوح است، پیروزی بزرگ و درخشانی نمی‌بینید. کاری که آوینی می‌کند این است که روایت عادی و بشری از آدم‌هایی می‌دهد که خارق العاده هستند و نیستند. اگر این فیلم را ببینید از ابتدا تا انتها بسجی‌هایی را می‌بیند که قبل از حمله و بعد از حمله آنها را می‌بینیم. برخلاف الگوی آمریکایی که دنبال ساختن قهرمان و محور شدن یک فرد است.

شاکری گفت: آوینی به دنبال این است که بگوید یک واقعیتی است، جنگی است اما آنچه‌ای که که فتح الفتوح است در پشت اینها قرار دارد، همین بسجی‌های عادی هستند که به اینجا رسیده‌اند و فتح الفتوح است. یعنی یک جبهه باطنی وجود دارد که قبلا فتح شده تا به جبهه ظاهر رسیده‌اند. برای همین هیچ وقت شما اگر این تصاویر را می‌بینید، نمی‌پرسید اینجا کجا است؟ مستند شما را به آنچه که قبلا گذشته و آینده رخ می‌دهد حواله می‌دهد. یعنی شما را از امری که در حال روی دادن است منقطع می‌کند و به حقیقت دیگری سوق می‌دهد.

درک آوینی از سینمای مدرن بالا بوده است
شاکری در پایان گفت: دوو و یکتور می‌گوید ما یک بحث طلایی در سینمای مدرن داریم که گاهی مونتاژ ممنوع است. اگر بخواهید شما دو چیز متضاد را در یک زمان نشان دهید باید پلان بلند بگیرید و کات نزنید بین این دو پدیده متضاد، مانند کاری که آوینی انجام می‌دهد و پلان بلند می‌گیرد و می‌بینیم جایی که یک نفر نماز می‌خواند و در کنار او هم رزمش تیراندازی می‌کند، این مستند بودن کار را بالا می‌برد که این درک بالای آوینی از سینمای مدرن است.

خواب‌های سنگین دنبال‌دار...

نسل جوان امروز و اهمیت شناخت انقلاب و امام (ره) از طریق سینما و تلویزیون

تردیدی نیست که موتور محرک انقلاب اسلامی جوانان و نوجوانان بودند. انقلاب اسلامی در شرایطی به وقوع پیوست که وضعیت فرهنگی و اخلاقی جامعه نامطلوب و معیوب بوده و روندی را طی می‌کرد فاجعه آمیز. با گذشت دهه‌ها و نسل‌ها، امروز هم بار رسالت و مسئولیت حساس و خطیر حفظ انقلاب اسلامی و تبیین و گسترش آن بر دوش جوانان و نوجوانان جامعه است.

اما آنچه مسلم است پدیده‌های اجتماعی، هر چند بزرگ، با گذر زمان و به ویژه با تغییر نسل‌ها، در خاطر جمعی یک جامعه پایدار نمی‌مانند. کم رنگ شدن یادها، نام‌ها و حوادثی که در یک دوره بر سر زبان‌ها بودند، امری غیر طبیعی نیست. اما می‌دانیم که برخی از این پدیده‌ها به علت پی‌آمدهای فراگیر و تأثیرات فراوانش در سطح منطقه‌ای و جهانی، خود به خود به نقطه عطف تبدیل می‌شوند و در ضمیر تاریخ به جا می‌مانند. هر جامعه‌ای کم و بیش از این رویدادهای تاریخی دارد.

کشور ما که در یکی از پر رفت و آمدترین چهار راه‌های کره خاکی واقع شده، تاریخی سراسر از حادثه‌های تلخ و شیرین دارد که برخی از آنها به نقطه‌های عطف تبدیل شده‌اند. در تاریخ معاصر حادثه‌ای به اهمیت وقوع انقلاب اسلامی وجود ندارد. پدیده انقلاب اسلامی را نمی‌توان فقط جابه‌جایی قدرت دانست؛ حادثه‌ای که فقط سلسله‌ای سقوط کند و جای خود را به قدرت دیگری بدهد. تأثیرات شگرفی که این انقلاب بر مناسبات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مردم ایران گذاشت، چه بسا در تاریخ کشورمان بی‌نظیر بوده است. ورود مردم به صحنه سیاست و دخالت مستقیم آنان برای به زیر کشیدن نظام شاهنشاهی و برپا داشتن حکومتی تازه، برقراری نظام جمهوری و دیگر نهادهای حکومتی با رأی مردم، به دست آوردن استقلال سیاسی و نفی دخالت قدرت‌های بزرگ در امور کشور، رسیدن به آزادی‌های مدنی و پایداری و جان‌فشانی برای حفظ انقلاب، سابقه‌ای در دیگر دوره‌های تاریخی ایران ندارد.

اما با توجه به رشد گسترده و فزاینده تکنولوژی و تغییر ساختارهای اطلاع رسانی و کاهش نرخ مطالعه آثار مکتوب - به طور قطع تولید محصولات سینمایی و تلویزیونی و مجموعه‌های تصویری بهترین و موثرترین ابزارهای مطالعاتی برای نسل جوان و نوجوان کشور است.

در این راستا - اگرچه به دلایل مختلف با فقر آثار و تولیدات استراتژیک و ماندگار روبروئیم اما با همه فقر و محدودیت منابع حرکت‌های ارزشمندی هم‌اتفاق افتاده ولی در مقایسه با بسیاری از انقلاب‌های بزرگ دنیا و زندگی رهبران شان متأسفانه، نسبت به انقلاب اسلامی و بنیانگذار آن در حوزه تولید و خلق آثار هنری و سینمایی ماندگار کوتاهی شده است.

چگونه است که در رابطه با تمام انقلاب‌های دنیا ده‌ها فیلم و سریال ساخته می‌شود و در مقیاس جهانی پخش و توزیع می‌گردد ولی در رابطه با انقلاب اسلامی و تاریخ معاصر و حضرت امام (ره) یا آثار قابل توجهی نداریم یا یک مشت آثار مخرب و غرض آلود فضا را اشباع کرده است. چرا؟ هنوز بعد از سال‌ها همچنان، پیرامون انقلاب‌های روسیه، فرانسه، کوبا، الجزایر، شیلی و ... فیلم و سریال تولید می‌شود ولی در رابطه با انقلاب اسلامی که بزرگ‌ترین رخداد سیاسی و اجتماعی و تاریخی قرن بیستم است اثر یا آثار درخشان و ماندگار نداریم.

اگرچه در این زمینه ده‌ها اثر به اقتضای نیازهای روزمره رسانه ملی و سینمای ایران ساخته شده که به دلیل فقدان خلاقیت‌های لازم و تکیه گاه‌های پژوهشی و پرداخت‌های شتابزده به مثابه آثار تأثیرگذار و ماندگار به شمار نمی‌آیند و برای نسل جوان امروز قدرت آگاهی بخشی و اثرگذاری لازم را ندارند.

با این حساب ما چقدر از این ظرفیت‌ها، رسانه‌ها و کارکردهای آن استفاده می‌کنیم؟ چقدر تلویزیون و سینمای ما توانسته‌اند برای تبیین انقلاب اسلامی و ابعاد گسترده آن بهره‌مند شوند؟

متأسفانه، شواهد نشان می‌دهد که در این عرصه به دلایل گوناگونی کوتاهی شده است.

نمی‌توان انقلاب اسلامی، ادبیات و گفتمان، ابعاد و تعریف آن را در چارچوب مطالبات کوچک، محصور کرد. صرفاً در حد واژگون سازی یک نظام استبدادی و برقراری عدالت اجتماعی نبود بلکه در عین داشتن اهداف سیاسی و اجتماعی، نگاه خاصی به تمدن و جهان بینی اسلامی داشت. این رویداد در بیداری مسلمانان جهان و نوزایی باورهای دینی نقش عمده‌ای ایفا کرد. هر چند تلاش نظام سلطه و زورمندان جهان، به ویژه غرب، بر آن بوده است که همواره از انقلاب اسلامی چهره‌ای ضد فرهنگی،



متجاوز و متحجر ترسیم نماید، ولی درایت و هوشیاری حضرت امام (ره) و در ادامه رهبری فرزانه‌ی آن بر مفاهیم بکر و تازه‌ای که در روح انقلاب اسلامی موج می‌زند باعث شده که همیشه شاهد رشد و گسترش فزاینده آن باشیم.

در طول تاریخ انقلاب همواره با اتفاقات و وقایع بی‌شماری روبرو شده‌ایم. ریشه‌ها و خاستگاه نهضت امام (ره) - صحنه‌های انقلاب اسلامی و چگونگی گسترش موج خروشان اعتراض ملت ایران به نظام شاهنشاهی، نقش شبکه‌های امنیتی سیا، موساد، باندها و گروه‌های دست‌نشانده، شبکه‌های عظیمی از ترورها، هشت سال جنگ تحمیلی، فشارهای سیاسی و امنیتی در داخل و خارج، و ده‌ها سوژه و ماجرای که هر کدام آن‌ها قابلیت و ظرفیت ساخت دهها اثر سینمایی و مجموعه‌های تلویزیونی را دارند.

تجربه‌ای که مشابه‌اش را در باره بسیاری از انقلاب‌ها، جنگ‌ها و ترورها دیده‌ایم و می‌بینیم ولی واقعا چه تفکر و چه عواملی باعث شدند تا بعد از گذشت بیش از ربع قرن از انقلاب اسلامی، سینما و تلویزیون با این همه نیروی انسانی، توان و تعاملات ملی و منطقه‌ای و جهانی فاقد آثار درخشان و ماندگار در این زمینه باشد؟ شخصیت‌های بزرگی که هر کدام تاریخ زندگی شان مملو از خاطرات، خطرات و ایده‌های سینمایی است چرا در چشم‌انداز تولیدات هنری دیده نمی‌شوند؟ در باره انقلاب لیبی و عمر مختار، در باره انقلاب کوبا و فیدل و چه، درباره کودتای شیلی، انقلاب نیکاراگوا، جنبش‌های انقلابی آمریکایی لاتین، انقلاب کنگو و پاتریس لومومبا، انقلاب آفریقای جنوبی، انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب اکتبر روسیه، نبرد الجزایر، گاندی، نلسون ماندلا، و ... ده‌ها فیلم و سریال تولید شده ولی درباره انقلاب اسلامی ایران که به اذعان دوست و دشمن و اندیشمندان همسو و غیرهمسو ستایش شده آثاری تاثیرگذار و قابل ارائه در عرصه سینما و تلویزیون نداریم؟ و متأسفانه معدود آثاری که در این عرصه ساخته شده بیشتر توسط غربی‌هاست که همگی پر از تحریف، دروغ و مبالغه و از زوایای تخریبی و منفی به انقلاب نگاه شده است.

اگر چه در این زمینه ده‌ها اثر به

اقتضای نیازهای روزمره رسانه ملی

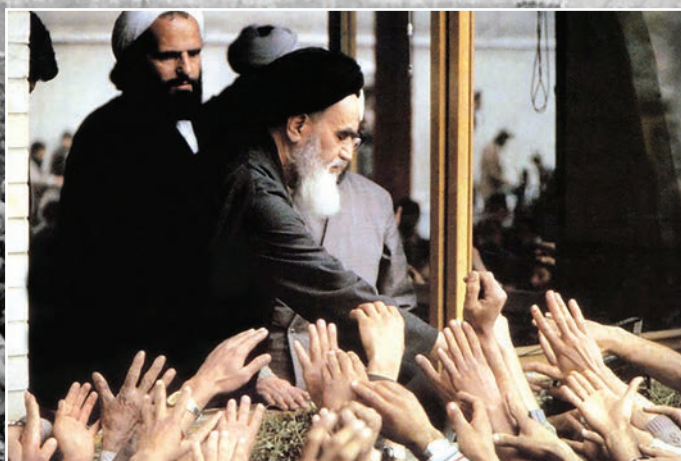
و سینمای ایران ساخته شده که به

دلیل فقدان خلاقیت‌های لازم و تکیه

گاه‌های پژوهشی و پرداخت‌های

شتابزده به مثابه آثار تاثیرگذار و

ماندگار به شمار نمی‌آیند



«سرو زیر آب» و نظریه ایثار انسان‌گرا

در فیلم سینمایی «سرو زیر آب» رویکرد انسان‌گرا و در حقیقت روشنفکری، سایه خود را بر مضامین پنهان فیلم تا نتیجه نهایی داستان می‌افکند.

فارس نوشت: محصولات فرهنگی به ویژه فیلم‌های سینمایی از جنبه‌ها و زوایای نظری مختلف قابل نقد و بررسی هستند. شاید رایج‌ترین نوع تحلیل فیلم، تحلیل از زاویه استانداردهای تخصصی هنری باشد؛ اما واضح است که چنین تحلیلی همه واقعیت موجود در دنیای فیلم را باز نمی‌کند.

تحلیل فیلم کار متخصصین حوزه هنر هست؛ اما تنها، کار این قشر نیست. هر مخاطبی می‌تواند و شاید باید بتواند محصول فرهنگی ارائه شده به خود را به تحلیل بنشیند.

سینما به مثابه پدیده‌ای فرهنگی لایه‌های مختلف کلان و خرد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تا معرفتی، هنجاری، ارزشی و نمادین جامعه را درمی‌نوردد و بسته به پیش‌فرض‌ها، تجربه زیسته، تعلقات و باورهای مخاطب، پیام‌های مختلفی را عرضه می‌دارد.

مؤسسه «آفاق فرهنگ» ضمن مشاهده دقیق فیلم‌های بخش سودای سیمرغ سی و ششمین جشنواره فیلم فجر، گزارشی از هر فیلم ارائه کرده است. در تهیه این گزارش، برخی از شاخص‌های مطرح در حوزه‌های معارف اسلامی، جامعه‌شناسی فرهنگی و فلسفه مورد توجه قرار گرفته است؛ به این ترتیب که فیلم‌ها توسط کارشناسان مشاهده و سپس دیالوگ‌ها نیز به صورت نسبتاً دقیق باز شنیده شده است. در مرحله بعد، نکات قابل توجه هر یک از آثار، جمع‌آوری و در قالب تحلیل فرهنگی اجتماعی به نگارش نهایی درآمده‌اند.

در ادامه و طی سلسله مطالبی، تحلیل فیلم‌های حاضر در جشنواره سی و ششم فجر منتشر می‌شود که بخش پانزدهمین آن به فیلم سینمایی «سرو زیر آب» ساخته محمدعلی باشه آهنگر اختصاص دارد.

درباره فیلم

«سرو زیر آب» با مشارکت حوزه هنری، بنیاد سینمایی فارابی و شهرداری تهران ساخته شده و به موضوع شهدای گمنام می‌پردازد. کارگردان این فیلم، پیش از این با فیلم «ملکه» به طرح موضوعاتی همچون تقابل دو ملت شیعه و مسلمان و فلسفه دفاع مقدس اثری خوش‌ساخت و البته پر بحث و نظر را ساخته بود. در خلاصه رسانه‌ای فیلم آمده است: «راز جهانبخش کرامت، فاش می‌شود؟ این راز، خواب چیست، ماهرو، گودرز، بهرام، جهانگیر و سرگرد پوشیاس را آشفتنه خواهد کرد. جهانبخش برای اثبات بی‌گناهی و بازگشت آرامش، سفر بلندی را آغاز می‌کند؛ سفری که پايانش زندگی بسیاری از آن‌ها را تغییر می‌دهد...». این فیلم در ژانر دفاع مقدس، اجتماعی و درام عاشقانه با سوژه شناسایی شهدای گمنام تولید شده است. سرو زیر آب، جزء معدود آثار این ژانر است که به موضوع شهدای اقلیت‌های مذهبی پرداخته است. گذشته از محتوا، فیلم اثری خوش‌ساخت است. در واقع همچون فیلم ملکه، این بار نیز شاهد لوکیشن‌ها و دکورهای هستیم که بیننده را به عمق زمان جنگ می‌برد. انتخاب صحنه‌های بکر از طبیعت و نمادگرایی طبیعی در جذابیت اثر بسیار مؤثر واقع شده است. اگر چه در برخی از موارد مثل جایی که قبر شهید از زیر آب درآورده شده و به جایی دیگر منتقل می‌شود، موضوع غیر منطقی و سخت‌باور است. اما به‌طور کلی نمایی از مسأله تفحص و تشخیص هویت شهدای گمنام به‌خوبی در فیلم به تصویر کشیده شده است.

درباره نام فیلم

به نظر می‌رسد «سرو» در نام فیلم استعاره از مقام و جایگاه شهید و اشاره‌ای به عبارت ماندگار «سرو قامتان همیشه تاریخ» شهید بهشتی باشد. از سوی دیگر «آب» در نام و فیلم در سه قالب نمادین مورد استفاده است: باران، هور و دریاچه. یکی از استعارات سرو زیر آب را می‌توان به مسأله «گمنامی» در سبک زندگی رزمندگان اسلام ارتباط داد. یکی از موضوعات اصلی فیلم شناسایی شهدای گمنام است که در اینجا به مخفی بودن هویت شهدا در هور اشاره دارد. همچنین آب نماد حیات است و آنچنان که در پایان فیلم نشان داده می‌شود شهید که از زندگان و صاحبان حیاتند در کنار نماد حیات (آب) قرار می‌گیرد.

به نظر می‌رسد کارگردان به نحوی استعاره مسأله «حیات» و «زندگی» را در کانون توجه خود داشته و با هوشمندی این عنوان را برای اثر انتخاب کرده است. مسأله زندگی یکی از موضوعات مهم فیلم است که در بخش‌های متعدد، از جنبه‌های مختلف، مورد بحث و پرسش قرار می‌گیرد.

درباره دو شخصیت اصلی فیلم

جهانگیر و جهانبخش، دو برادرند که یکی مسئولی تعاون و دیگری هم‌نیروی اوست. مبتنی بر رویکرد کلی سرو زیر آب، می‌توان انتخاب پیشوند «جهان» برای هر دو برادر را از جنبه‌ها مختلفی بررسی کرد. اول: رویکرد ملی‌گرا و اینکه همه در عین تفاوت در یک جهان زندگی می‌کنند. دوم: همه در عین تفاوت، برادر و هم‌خانواده‌اند. سوم: اگر چه هر دو برادرند، ولی در دو جهان گفتمانی سیر کرده و اندیشه آن‌ها در سپهری متفاوت است. درواقع این تفاوت گفتمانی را می‌توان در افق تفکر هر یک مشاهده کرد. یکی ناظر به حیات شهید و یکی ناظر به حیات خانواده‌های شهید؛ یکی ناظر بر معنای باطنی حیات و دیگری ناظر بر معنای ظاهری حیات.

تفحص و مسائل پیش رو

یکی از جنبه‌های هر جنگ شناسایی و تحویل بسامان‌پیکر جان‌باختگان به خانواده آن‌ها است. ۸ سال دفاع مقدس نیز از این قاعده مستثنی نیست. سرو زیر آب با تمرکز بر این سوژه آن را دستمایه طرح مباحث خود قرار داده و از این راه، این وجه مهم از فعالیت رزمندگان و جهادگران را به تصویر می‌کشد. گذشته از مدل مخاطبه و گفتمان مطرح در فیلم، واقعیت‌هایی در زمینه تفحص مطرح می‌شود که با این کیفیت در سینمای دفاع مقدس کمتر دیده شده است. مسائلی همچون: معارض یا تشابه اسمی در تحویل پیکر شهدا، اعتماد به خادمین تفحص و معراج شهدا، مسائل فرهنگی - اجتماعی حول محور

تحويل پیکرهای گمنام به خانواده‌هایی که دنبال پیکر شهیدند، درگیری مجموعه تفحص با مسائل قومیتی و طایفه‌ای و....

مادرانه‌ای در رثای خانواده شهدای گمنام

سرور زیر آب گذشته از همه موضوعات تاریخی و روشنفکری، از منظری درام و عاشقانه، روایتی زیبا از انتظار خانواده شهدای گمنام است. مادرانه‌ها و دیالوگ‌های پدر شهید، همه ما را یاد مادران شهدای مفقودالثری می‌اندازد که سال‌هاست با صدای هر زنگ در، تاب از کف داده و با امید به دنبال خبری از فرزندشان هستند. این سوژه البته در فیلم از چند وجه مورد توجه و پردازش قرار گرفته است که در هم تنیدگی آن‌ها داستان را پیش می‌برد تا کارگردان ایده‌های خود را مطرح کند.

ایران برای همه

سرور زیر آب بدون شک حامل معانی سازه‌های چون «ایران متعلق به همه است»، «در جنگ، نژاد و دین و قومیت نقشی نداشته و همه یکپارچه به دفاع از خاک رفتند» و «سیاوش‌های شهید این مملکت، مثل سرو در خاک هستند» را به مخاطب منتقل می‌کند؛ اما همین معانی گاه در مواردی شعارگونه و غیر جذاب طرح می‌شود. در حقیقت رویکرد نمادی و سمبلیک در برخی از صحنه‌ها موفق نبوده است. از سوی دیگر رویکرد انسانگرا و در حقیقت روشنفکری، سایه خود را بر مضامین پنهان فیلم تا نتیجه نهایی داستان برمی‌افکند.

گفتگوی بین ادیان

یکی از موضوعات مطرح در فیلم، اشاره به جایگاه اقلیت‌های مذهبی در هشت سال دفاع مقدس است. سرور زیر آب همچنین به معرفی مناسب جامعه توحیدی زرتشتی و پاسخ به کلیشه‌های موجود در خصوص آتش پرست بودن می‌پردازد. در فیلم خانواده زردشتی، یک خانواده ایرانی مثل همه ایرانیان، مؤدب، ایمانی و اخلاقی نشان داده می‌شوند. زن زرتشتی در فیلم گوید: «زردشتی‌ها چند هزار ساله خداپرست‌اند... آتش پرست نیستند». و جهانبخش هم می‌گوید: «ما در جنگ شهید مسیحی داشتیم، سنی داشتیم و شهید زردشتی داشتیم». شایان ذکر است اگران این فیلم از این منظر می‌تواند تأثیر مثبتی بر مسائلی که در جریان جنجال سیاسی - رسانهای انتخابات شورای شهر یزد و ماجرای رد صلاحیت عضو زرتشتی این شورا داشته باشد.

تقویت وحدت ملی

در راستای دو مورد فوق باید گفت سرور زیر آب در راستای تقویت امنیت ملی نیز می‌تواند اثری در خور توجه باشد، به‌طور مثال به تصویر کشیدن پیوند اقوام مختلف و گفتگوی ادیان و نیز نمایش آئین‌ها و سبک عزاداری قومیتی لرها و زردشتی از این منظر قابل توجه است. همین‌طور وطن پرستی و ملی گرایی نیز در اثر مورد تأکید قرار می‌گیرد.

روایت زمینی در مقابل روایت آسمانی از دفاع مقدس

با مروری بر لایه‌های فیلم و دیالوگ‌هایی که ردوبدل می‌شود می‌توان مدعی بود که سرور زیر آب مباحثه و مناظره‌ای بر مبنای تقابل گفتمان ملی‌گرا و روشنفکری و گفتمان انقلاب اسلامی درباره دفاع مقدس است. شاید اثر از عمق معرفتی برخوردار بوده است؛ اما مثل دریاچه‌ای با عمق کم خواسته شامل ایده‌هایی چندگانه و متکثر باشد، اما اینکه چقدر در ارائه مسأله اصلی موفق بوده و آیا اساساً رویکرد آن به موضوع (دفاع مقدس)

صحیح است یا خبر محل پرسش و بحث است. نمادهای و نشانه‌های قابل توجهی در سرور زیر آب، حکایت از ترویج نگاه سکولار و ملی‌گرا به دفاع مقدس دارد. در این نگاه، پیکر شهید به جسم مرده‌ای تقلیل می‌یابد که می‌تواند ابزاری برای آرامشبخشی به بازماندگان باشد. غلبه این رویکرد می‌تواند بخشی از آرمان‌های دفاع مقدس را زیر سؤال برده و تضعیف کند. یکی از اعضاء خانواده شهدا می‌گوید: «پدر شهید از نیامدن فرزندش مرد. نمرد، دق کرد... دیگه شهید نمی‌خوام (منظور پیکرهای گمنام برای تسکین خانواده است)». رگه‌ها و ریشه‌های این نگاه انسانگرا را می‌توان در دیالوگ‌های مختلف فیلم جستجو کرد. جالب آنکه در دیالوگ‌ها گفتمان انسانگرا در مقابل گفتمان حقیقت‌گرا که گفتمان اصلی‌ای که تاکنون از دفاع مقدس ترویج شده، قرار می‌گیرد و در نهایت فیلم گفتمان انسانگرا را تأیید می‌کند. بازیگر نقش اول در دیالوگ‌های مختلف از جاری بودن زندگی سخن می‌گوید «خدای من بیشتر به فکر زنده‌هاست» و از جهانگیر که نماینده گفتمان حقیقت‌گراست می‌خواهد که پیکر شهدای گمنامی که قابل شناسایی نیستند را به خانواده‌هایی که سال‌هاست چشم به انتظار خبری از فرزند خود هستند بسپارند تا تسکینی باشد بر درد آن‌ها. برادر او سعی می‌کند از زوایای مختلفی چون راضی نبودن خداوند، راضی نبودن شهید، راضی نبودن خانواده شهید، امکان پیدا شدن خانواده اصلی و داغ دوباره به دل خانواده شهید زدن، فیض بودن گمنامی و در نهایت از بین رفتن اعتماد مردم به معراج شهدا او را توجیه کند؛ ولی جهانبخش با استفاده از گزاره‌هایی چون «خدای من هم به فکر زنده‌هاست، برای شهید فرقی نمی‌کند» و نگاه کارکردگرایانه و توضیح غلبه مزایای این کار به معایبش برادر خود را توجیه کند:

«جهانگیر: منطقی باش. می‌گی جنازه یکی رو بدیم به یکی دیگه؟! جور در نمیاد دیگه!... جهانبخش: این‌همه شهید گمنام؛ این‌همه خانواده چشم‌به‌راه... من میگم به جای اینکه گمنام دفنشون کنیم، بدیم به این پیرمرد، پیرزن که دق مرگ‌نشون آخر عمری! پشه فرزند - خوندشون؛ چه اشکالی داره واقعاً؟... جهانگیر: خواست هست چی میگی؟! این‌جوری دیگه میشکی به معراج اعتماد نمی‌کنه. خوبه خودت می‌بینی ما همه زورمون رو می‌زیم که هیچ پیکری اشتباه نشه. مردم قطعه قطعه شدن بچشونو تحمل می‌کنند، معلولیتشو، شهادتشو تحمل می‌کنند؛ اما دیگه حداقل انتظار دارن جنازه بچشونو ببینند... ما حق نداریم به مردم دروغ بگیم. حتی اگر بخوایم بهشون آرامش بدیم... ما جلوی اون شهیدم مسئولیم! دستش از دنیا کوتاهه ولی ما مسئولیم. هر کاری دلمون خواست نمی‌تونیم بکنیم. جهانبخش: به زنده‌ها فکر کن! جهانگیر: پسر خوب! گمنامی فیضه! این شکلی خراب میشه! اون اسمی که می‌نویسی پایین اون سنگ به همین راحتیا نیست که می‌گی! جهانبخش: اونایی که رفتن، رفتن؛ و کیل وصی نمی‌خوان! به زنده‌ها فکر کن جهان! جهانگیر: اتفاقاً زنده‌ها و کیل وصی نمی‌خوان! این به حق الناسه که خود زنده‌ها باید دلشون بخواد؛ من و تو نمی‌تونیم براشون تصمیم بگیریم...» «جهانگیر: خانواده، شهید چشم و چراغ ملتند. از آخرت ترس... هر کاری به حکمتی داره... جهان! شهیدا زدنند. داری تو کار خدا دخالت می‌کنی. داری تو کار بنده خدا دخالت می‌کنی. جهانگیر عاشق گمنامی است. در وصف شهدا می‌گوید: «خیلیا

خودشون می‌خوان گمنام باشن. پلاک بهشون میدیم درمیارن». جهانگیر به‌عنوان نماینده گفتمان دفاع مقدس البته حب وطن دارد و در راه به حمربن، پرچم روی زمین و زیر باران ایران را برداشته و می‌بوسد و در کناری می‌گذارد.

در فیلم بارها مسأله زندگی دنیایی مورد اشاره قرار می‌گیرد: سرگرد می‌گوید: «زندگی چه بخوای چه نخوای پیش می‌ره» و یا ابوالقاسم: «باید بری حمربن... زندگی در جریانه». یا پدر شهیدی که در مخالفت با نیش قبر می‌گوید: «دلمون خوشه» به همین قبر... «شما اومدی خونه سیاوش منو خراب کنی؟!»، حتی جهانبخش در پایان فیلم با توجه به پیش‌فرض‌های خود، پیکر برادر شهید خود را به‌جای شهید زرتشتی به آن‌ها داده تا این‌اثر انسانگرایانه را به اوج خود برساند. او هم آن‌ها را از غم نجات می‌دهد و هم در توجیه می‌گوید «او (جهانگیر) خودش گمنامی را دوست داشت».

مسأله حقیقت در فیلم

یکی دیگر از موضوعاتی که در فیلم مورد توجه است کشف حقیقت است. در دیالوگی قابل توجه بعد از ماجراهای مهم فیلم، جهانگیر به جهانبخش می‌گوید: «من در حمربن دنبال شهید گمنام یزدی باشم یا لرستانی؟». جهانبخش با مکنی منادار می‌گوید «دنبال حقیقت». یا در جای دیگر جهانگیر با اشاره به سنگی زیبا که یادگار همسرش از حج در رمی جمرات است، می‌گوید: «این سنگ باید می‌خورد به شیطان. ولی من نمی‌دونم به کدوم شیطان؟». درواقع می‌توان حقیقت‌جویی را در کنار گمنامی و این اشارات در فیلم را استعاراتی برای حصول کشف و مشاهده واقعیت نیز تلقی کرد.

مسأله ادامه جنگ و بردن خط مقدم در خاک عراق

از دیگر موضوعات مطرح در سرور زیر آب، مناظره و محاجه‌ای است بین سرگرد و جهانبخش در استدلال پیرامون ضرورت‌های ادامه یا خاتمه جنگ و نفوذ در خاک عراق: «جهانگیر: کاشکی نمی‌رفتیم تو خاکشون. کاش زودتر بر می‌گشتیم لب مرز. سرگرد: پس توام خودتو در گیر این بحثا کردی؟! از تو بعیده!! جهانگیر: اگر هر روز با پیکراشون زندگی کنی، بعید نیست. سرگرد: اگر ۱۵ کیلومتر خاکریز تو نبری جلو، اونو ۸۰ کیلومتر میان تو خاکت! بعد فکر می‌کنی معراجت خلوت میشه؟! ساده‌ای! نمی‌بینی تو همین دوسه ماهه، چند جارو شیمیایی زده؟! خوبه که میشکی بهتر از تونی دونه چقدر کشته می‌دیم! جهانگیر! دوباره دارن میان سمت اهواز!!! چند شهر داره دوباره از دست میره!!! اگر تو خاک خودش باهش نچنگیم، میاد خوزستانو جدای کنه! الان می‌تونی بری قفقازو پس بگیری؟! اگر میتونی برو بگیر!!!!».

نکات مثبت: توصیف ناگفته‌های مسائل فرهنگی و اجتماعی تفحص شهدای گمنام - احیای یاد جهادگران تفحص شهدا گمنام - زمینه‌سازی در خصوص وحدت ملی - ارتقاء سطح اعتماد عمومی به فعالیت تفحص در جریان دفاع مقدس و بعد از آن - توصیف مؤثر از داغ خانواده‌های شهدای مفقودالثر - بازنمایی مؤثر از حضور اقشار مختلف دینی و مذهبی در دفاع مقدس - زمینه‌سازی در خصوص گفتگوی بین ادیان - معرفی دین زردشتی به‌عنوان دینی توحیدی - تبیین ضرورت تنبیه متجاوز و دفاع از کشور در خاک عراق.

نکات قابل تأمل: پرداخت روشنفکرانه به موضوع از منظر: - غلبه رویکرد وطن پرستی بر رویکرد گفتمان دفاع مقدس.



مومنی شریف رئیس حوزه هنری:

باید در پی ادبیات خودمان باشیم

محسن مومنی شریف، رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی، در کارگاه داستان نویسی مراکز استانی حوزه هنری گفت: برای دوری از آسیب‌های ادبیاتی که منجر به آسیب‌های هویتی خواهد شد باید در پی ادبیات خودمان باشیم.



محسن مومنی شریف در این کارگاه داستان نویسی گفت: به طور طبیعی بعد از هر انقلاب اجتماعی یک انقلاب ادبی نیز شکل می‌گیرد. ما نیز با انقلاب اسلامی، وارد انقلاب ادبی شدیم. انقلاب اسلامی ایران، انقلابی فراگیر بود که با دیگر انقلاب‌های جهان تفاوت‌های قابل توجهی داشت. یکی از این تفاوت‌ها همان فراگیر بودن انقلاب بود. چرا که در نقاط دور دستی از کشور که حتی تصور هم نمی‌شد مردم حضور موثر و جدی داشتند. به عنوان مثال منطقه مهاباد در این انقلاب با توجه به رهبری امام خمینی (ره) دست به تظاهرات زدند و شهید دادند. این منطقه در طول تاریخ از اهمیت بالایی در وقایع مهم ایران برخوردار بوده است.

مومنی در ادامه افزود: این روزها در مورد انقلاب اسلامی تحقیقات می‌کنم. در میان متون و اسنادی که مطالعه دارم به نتایج و نکات بسیار مهمی در شکل‌گیری انقلاب برخورد می‌کنم. اما هر آنچه قابل توجه و تازه به نظر می‌رسد در نهایت به مردم و عزم آن‌ها ختم می‌شود. همین مردم مهاباد در کردستان سی و نه سال پیش به نام انقلاب اسلامی ایران و به نام امام خمینی (ره) برای این انقلاب تلاش کردند و هزینه‌های زیادی نیز برای دستیابی به آن پرداخت کردند.

وی در خصوص ادبیات داستانی کشور تاکنون گفت: پس از انقلاب بار سنگین عدم فعالیت کافی و به موقع در ادبیات داستانی به دوش خاطره‌نگاری محول شد. خاطره‌نگاری توانست تا حدودی کم‌کاری‌های ادبیات داستانی را جبران کند.

مومنی ادامه داد: اینکه ادبیات داستانی ناموفق عمل کرده مشخص است. اما باید ایراد و علت آن را پیدا کنیم. با اینکه ایران حدود ۱۰۰ سال است که وارد ادبیات داستانی نوین شده است، اما آنچنان که باید رشد نداشته و موثر عمل نکرده است.

وی در همین راستا افزود: اشکال کار ما در ادبیات داستانی آنجاست که ما خودمان نیستیم. در نتیجه حرف خودمان را نمی‌زنیم و بیشتر درگیر ترجمه و تقلید می‌شویم. با اینکه از تکنیک خوبی برخوردار هستیم، اما در حرف زدن و داشتن حرفی برای گفتن ضعف داریم. همین امر موجب عدم حضور جدی و موثر ادبیات داستانی ایران در مجامع بین‌المللی شده است.

مومنی در ادامه با اشاره به دیدگاهی از «پال اسپراکمن» مترجم و نویسنده آمریکایی در مورد حضور بین‌المللی داستان نویسی ایران گفت: اسپراکمن در دیداری که با ما داشت

در مورد شباهت زیاد آثار داستانی ایران که ترجمه شده است به آثار داستانی غرب اشاره کرد. وی معتقد است که ادبیات داستانی ایران تحت تاثیر ادبیات داستانی غرب است. در نتیجه به نوعی کپی برداری و الگوبرداری از آن محسوب می‌شود که چنین ادبیاتی برای ما تازگی و جذابیت نخواهد داشت. در نتیجه هر آنچه این گونه نوشته شده و به ترجمه رسیده است ناموفق می‌شود.

وی در مورد آنچه اسپراکمن گفته است، افزود: اسپراکمن به نکته مهمی توجه و اشاره دارد. اینکه ما بار دیگر ادبیات داستانی شبیه خودشان را برایشان به نمایش می‌گذاریم. چون آن‌ها اصل چنین ادبیاتی را در اختیار دارند. پس دلیلی برای اقبال به ادبیات داستانی نگاشته شده ایرانی در عصر حاضر ندارند. این موضوع به دلیل دوری ما از اصل وجودی ایرانی خودمان است.

مومنی در ادامه با اشاره به وضعیت حقوقی و درآمدزایی داستان نویسان ایرانی گفت: یکی دیگر از مشکلات ادبیات داستانی به تیراژ کم آثار چاپ شده مربوط است. چرا که با این تیراژ کم بی‌شک نویسندگان امکان امرار معاش نخواهند داشت. با اینکه کار داستان نویس ایرانی خوب است و از توانایی‌های بالایی برخوردار است اما آنچنان که باید اطمینان به امرار معاش از این راه ندارد. داستان نویسان ایرانی در شخصیت پردازی‌ها، فرم‌ها، توصیف‌های دقیق و دیگر تکنیک‌های داستان نویسی بسیار موفق و ماهرانه عمل می‌کنند. اما با تمامی این ویژگی‌ها باز هم مردم برای خرید آثار داستانی اقدام نمی‌کنند. چرا که آنچه درون این آثار موجود است حرفی برای مخاطب ایرانی ندارد. برای مخاطب خود باید تجربه‌های ارزشمندی داشته باشیم که برایشان ارزش خرید و مطالعه داشته باشد. یکی از این تجربه‌های ارزشمند همان خاطره‌نگاری است. به جز خاطره اگر بخواهیم مخاطب را جذب و به فکر آینده‌ای طولانی مدت و گسترده در بعد بین‌المللی باشیم نیازمند حرف‌های اندیشمندانه هستیم. حرف‌هایی که ذهن و فکر مخاطب را به جریان انداخته و تاثیرات مثبتی روی آن بگذارد.

مومنی افزود: داستان نویسی ایرانی باید خودش را رشد دهد و برای رسیدن به درجات بالای داستان نویسی تلاش کند. یک داستان نویس موفق ایرانی باید متفاوت از ادبیات داستانی هر جای دنیا باشد. باید خودش را پیدا کند. ادبیات ارزشمند ایرانی را بیابد و به آن بپردازد. نویسندگان ایرانی اگر می‌خواهند علاوه بر برانگیختن ذوق عمومی مردم کشور برای مطالعه داستان تولیدی خود، به علاقه جهانی خرید و مطالعه کتاب خود دست یابند باید خودش را پیدا کند و آن را در قالب ادبیات داستانی معرفی کند. داستان نویسی ایرانی باید به جای پیگیری و تقلید از بیگانگان در ادبیات داستانی به دنبال داستان خودش باشد. مثل شاهنامه که دارای ویژگی‌های لازم برای داستان نویسی است. همچنین مثل داستان‌های واقعی مذهبی، انقلابی و جنگ ما که اگر در اختیار غربی‌ها بود بی‌شک از آن آثار گران‌بهایی می‌ساختند که در دنیا فراگیر شود.

رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی تأکید کرد: به این ترتیب ما برای دوری از آسیب‌های ادبیاتی که منجر به آسیب‌های هویتی خواهد شد باید در پی ادبیات خودمان باشیم.

مومنی در پایان گفت: داستان نویسان ایرانی برای حضور قدرتمند میان مردم کشور و میان مردم جهان لازم است متون کهن خود را بشناسند. لازم است متون مذهبی خود را بشناسند. شناخت صحیح در هر کاری به رشد و موفقیت‌های جاودانه آن کمک خواهد کرد. اگر نویسندگان داستان ایران ادبیات ایران را بشناسند و در مسیر آن حرکت کنند در آینده می‌توانند خود را میان ادبیات جهان مطرح کنند. توجه کافی به ادبیات کهن ایرانی و متون قرآنی کمک بسیاری به داستان نویسی کشور خواهد کرد.

«جوان گرایی» و «نیروسازی»

«جوان گرایی» و «نیروسازی» رویکرد سازمان سینمایی حوزه هنری است

این نهاد در چند سال اخیر با سیاست جوان گرایی از طریق تاسیس باشگاه «فیلم سوره» و مرکز مستند «سوره» افق تازه‌ای را برای کشف نیروهای انقلابی و حمایت از مضامین مهم فرهنگی و اجتماعی باز کرد که آثار و دستاوردهای آن به تدریج آشکار می‌شود.

آثار نسل جدید سینماگران این مرکز همچون: «آنتراکت» (درباره یک سرباز اسرائیلی)، «ما ایستاده‌ایم» (نماهنگ حماسی ضد آمریکایی و مرتبط با ناو وینسنس)، «چای روضه» درباره محرم، ولد درباره کشورهای عربی، «ارغوان» درباره مدافعان حرم، «دایو» درباره شهدای غواص و ده‌ها موضوع دیگر بر اساس ضرورت فرهنگی اجتماعی روز جامعه شکل گرفته است. یا فیلم‌های کوتاهی که ملهم

از سیاست گذاری محتوایی و هدف گذاری حوزه با محوریت ویژه به سینمای دغدغه مند، توجه به رویدادها و فرازهای مهم تاریخ معاصر، توجه به موضوعات مبتلا به جامعه: تحکیم خانواده، سبک زندگی، مناسبات خانودگی، شهدا، داعش و ... تولید شده‌اند.

تربیت نیروی انسانی همراه با جوان گرایی، کیفی گرایی و انقلابی گری، حمایت و تشویق جریانات فرهنگی انقلابی رویکردی بوده که سازمان سینمایی حوزه هنری مدنظر قرار داده و همچنانکه حجم بالایی از سینماگران و هنرمندان از طریق این مرکز به کاروان سینمایی کشور پیوستند دور نیست که زمینه سازی برای نسل تازه هم فراهم آید.

همچنین، سازمان سینمایی حوزه هنری از سال گذشته همزمان با سالگرد انقلاب پروژه‌ای را در مقیاس ملی با هدف شناسایی ظرفیت‌های سینمایی در استان‌ها و مناطق مختلف کشور و طرح استعدادیابی را آغاز کرده است. استان‌های آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل از جمله مناطقی بوده که این طرح در آن‌ها عملیاتی شده و تداوم و گسترش آن در مناطق دیگر از برنامه‌های سال جدید است.

قطعا سازمان سینمایی حوزه هنری نگاه حمایتی‌اش را از نیروهای مستعد جوان در راستای تقویت جریان اصیل و سالم سینمایی ادامه خواهد داد.

سیاست سازمان سینمایی حوزه هنری اهتمام به «جوان گرایی»، «نیروسازی» و «کشف استعدادها» جدید از میان نسل‌های جوان در کنار حضور پیشکسوتان است. این سازمان در این زمینه با مراکزی چون: مرکز مستند سوره، باشگاه فیلم سوره، مرکز تلویزیون و انیمیشن، مرکز تولید متن و ... سعی بر این دارد تا ضمن کشف استعدادها اقدام به ایجاد و تسهیل شرایط و حمایت از نیروهای جوان نماید. البته، نیاز به یادآوری است که حوزه هنری در سال‌های دورتر و سال‌های بعد از انقلاب اسلامی اساسا، با این نگاه و هدف سیاست‌هایش را طراحی کرده بود که فرایند آن طرح امروز، بخش بزرگی از بدنه سینمای فرهنگی و اندیشه ورز و هسته اصلی سینمای ملی را تشکیل می‌دهند.

مروری بر پیشینه فعالیت این مرکز در طول سال‌های انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که حوزه هنری همواره، از جایگاه جریان‌ساز و جهت بخشی در عرصه فعالیت‌های فرهنگی و سینمایی برخوردار بوده است. بخش زیادی از نسل هنرمندان انقلابی از حوزه هنری وارد جامعه شدند. هنرمندانی مانند: محمدرضا هنرمند، شهریار بحرانی، محمد کاسبی، مجید مجیدی، ابراهیم حاتمی کیا، رضا میرکریمی، تخت کشیان، فرج الله سلحشور، جمال شورجه، شاه حسینی و ده‌ها فیلمساز دیگر در سال‌های گذشته با حمایت و مشارکت این نهاد آثارشان را خلق کردند و در سال‌های اخیر نیز، با درک ضرورت‌ها و نیازها بویژه در زمینه آموزش، کادرسازی و تربیت هنرمندان جوان انقلابی هم باز این نهاد به صورت جدی وارد میدان شده است.

نقش حوزه هنری را هم در عرصه سیاست‌گذاری و تولید سینمایی و هم در بسترسازی جریانات فرهنگی نمی‌توان نادیده گرفت. جدای از پیشینه درخشان حوزه در سینمای انقلاب؛ در سال‌های اخیر برغم کم‌مهری به آثار و موضوعات استراتژیک نظام، باز، حوزه با همه محدودیت منابع و مشکلات ورود جدی‌تری در مقایسه با خیلی از نهادها و دستگاه‌های فرهنگی و سینمایی کشور داشته است و ساخت آثار مهمی چون: مزار شریف (تنها فیلم مرتبط با یک اتفاق بین‌المللی جمهوری اسلامی)، میهمان داریم (درباره شهدا)، حوض نقاشی، یه حبه قند (اثر زیبا با موضوع زندگی ایرانی اسلامی)، کربلا جغرافیای یک تاریخ، مستند «نام‌ها» از جمله آن است.





«بهمن سبز» نماد سینماسازی

میانگین ماهانه دو سالن سینمایی به ظرفیت سینماهای حوزه هنری در دو ساله اخیر افزوده شده است و این رقم در سال جدید با چشم اندازی بلند و جهش های اساسی به ۱۲۰ سالن می رسد.

از سال ۹۲ که موسسه بهمن سبز با هدف اداره کردن یکپارچه سینماهای حوزه هنری تشکیل شد حرکات و اقدامات نسبتاً خوبی در زمینه رسیدگی به وضعیت سینماهای در اختیار این نهاد فرهنگی رخ داد و حالا طبق خبرهایی که محمود کاظمی مدیر موسسه می دهد تا پایان امسال در شهرهای مختلف سالن های متعددی از مجموعه سالن های در اختیار این موسسه بازسازی و مرمت خواهند شد.

بهمن سبز در یکی دو ساله اخیر، خیز بلندی برای توسعه سالن های سینمایی در شهرهای مختلف برداشته است. در حالی که بسیاری از مراکز ذیربط به دلیل مشکلات اقتصادی و موضوع بودجه فتیله ساخت و ساز سینما را پایین کشیده اند موسسه بهمن سبز ب دوم بر خور داری از بودجه مصوب و مشخص دولتی برای بازسازی ده ها سالن سینمایی در استان ها و شهرهای مختلف برنامه ریزی کرده است.

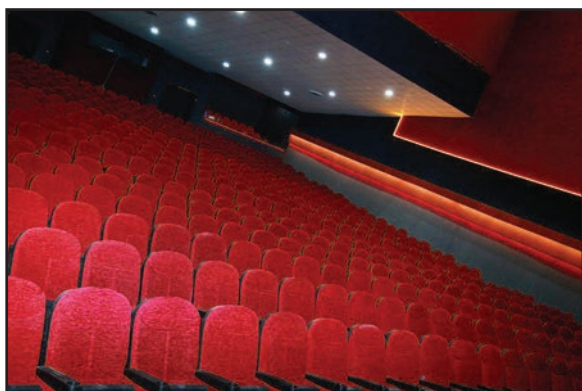
بعد از اتمام و تکمیل پروژه بازسازی سینماهای آفریقا (مشهد)، قدس (تبریز)، «فلسطین» (همدان)، «فلسطین» (اصفهان)، پردیس سینمایی «خانواده» (اصفهان)، «آزادی» (ارومیه)، «آزادی» (آبادان)، بهمن

در چند ساله اخیر هر جا صحبت از نوسازی و بازسازی و احیای سالن های قدیمی سینما به میان می آید نام «بهمن سبز» می درخشد.

سال هاست که مخاطبان ایرانی از کیفیت پایین سالن های سینما در شهرهای مختلف شاکی اند. شکایتی که البته کاملاً به حق و درست است. زمانی که قرار است دو ساعت در یک محیط سر بسته به سر برید طبیعتاً اولین خواسته تان این است که آن محیط از حداقل امکانات برای فراهم کردن آرامش شما برخوردار باشد. اما سالن های سینمای ایران به خصوص آن ها که پس از انقلاب باقی مانده اند در فراهم کردن شرایط نرمال برای مخاطب نامناسب بوده اند. صدای های کهنه و ز هوار در رفته، تهویه نامطبوع، چرک و زشت شدن در و دیوار و محیط داخل سینما، نور و صدای نامناسب، مشکلات عدیده در سرویس های بهداشتی و نداشتن های بوفه های مناسب، فقدان معماری و اله مان های فرهنگی و هویتی، سقف، کف پوش، پرده، امکانات صوتی و تصویری، دکوراتیو، نورپردازی و نمای بیرونی سینما و ... تنها بخشی از مشکلات سالن های قدیمی سینماست که باعث شده بود خانواده ها چندان رغبتی برای حضور در سینما نداشته باشند.

اما پس از آغاز موج سینماسازی در سال های اخیر توسط «موسسه بهمن سبز» و ساخته شدن یک سری سالن های سینمای با کیفیت در پردیس های سینمایی هجوم مردم به سمت سالن های سینما بسیار بیشتر شده است.

حوزه هنری با در اختیار داشتن حدود ۱۰۰ سالن سینما سهم عمده ای در اداره و نظارت بر سالن های سینمایی داشته و دارد. در حالی که بخش عظیمی از این تعداد سینماها فاقد شاخصه ها و استانداردهای لازم و کافی یک فضای سینمایی و فرهنگی بوده اند و از آن جایی که اغلب آن ها در اختیار نهادهای غیر هنری قرار داشته اند به حال خود رها شده بودند با ورود حوزه هنری و پرچمداری موسسه بهمن سبز نهضتی فراگیر برای احاء و جوان سازی و نوسازی این سینماها در کشور شکل گرفت به طوری که به صورت



از این هاست.

توقع از حوزه هنری در راستای مکتب ادبی و هنری انقلاب اسلامی و احترام و اکرام مخاطبان خود و به عنوان بزرگ ترین مجموعه سینمادار در کشور، جز این نبوده و نیست که شرایطی را فراهم آورد تا مخاطبان فیلم ها در محیطی بهتر و با کیفیت بالاتر به تماشای فیلم های گوناگون بپردازند.



این موسسه با رشد فعالیت هایش و چتر حمایتی که گشوده است، توانسته نسبت به معرفی حوزه هنری به عنوان سازنده و اداره کننده ی سینماهایی مقبول تماشاگران و موثر در جریان پخش و نمایش فیلم در سپهر ایران اسلامی» و در راستای وظایفی چون ایجاد، تکمیل، نوسازی و توسعه سالن های سینما با رعایت الگوی استاندارد و شاخص های اقتصادی با مشارکت با بخش خصوصی، عمومی و دولتی، تهیه و تنظیم قراردادهای مشارکت در تکمیل، نوسازی و توسعه سالن های سینما، تهیه و تنظیم نظام نامه های استاندارد ساخت و تجهیز سالن های سینما، پخش و توزیع فیلم های سینمایی، تهیه و تنظیم قراردادهای نمونه پخش و توزیع فیلم، بهره برداری و اداره سینما های تحت پوشش، تدوین و تنظیم مقررات و آیین نامه های بهره برداری از سینماها، طراحی و اجرای نظام های مشوق خرید بلیط سینما، برگزاری دوره های آموزشی نیروی انسانی برای بهره برداری از سینما و تبلیغات و معرفی فیلم، پژوهش و مطالعه در امور سینما (سالن، پخش، نمایش و...) به منظور بهره برداری از اطلاعات حاصله برای بهبود خدمات و محصولات و انجام مجموعه فعالیت ها و عملیات بازرگانی لازم تاثیر گذار و چشمگیر عمل کرده است. فراموش نکنیم انتظار جامعه از همه مراکز و دستگاه های مربوطه و از جمله حوزه هنری به مراتب بیش

(تهران)، یاسمن (شاهین شهر)، سینما فرهنگ (فولادشهر)، سینما فرهنگ (میمه) و ... در سال ۹۷ هم، سینماهای بروجرد با ظرفیت ۷۵۰ صندلی، سینما فجر سیاهکل با ۳ سالن، سینما بهمن علویچه با ۱ سالن، سینما استقلال تهران با ۲ سالن، سینما بهمن اصفهان با ۱ سالن، سالن شماره ۲ سینما بهمن تهران و سالن شماره یک سینما سپیده تهران و ... در برنامه ساخت و بهره برداری دارد..

حالا باید امیدوار بود موسسه بهمن سبز که با همکاری دستگاه های دولتی و در مناطق مختلف کشور دست به بازسازی ها زده و همچنان، این حرکت را در دیگر استان هایی که سالن های قدیمی دارند مثل آذربایجان غربی، فارس، مازندران و گلستان ادامه دهد تا طبق پیش بینی ها و برنامه های کلان سازمان سینمایی حوزه هنری و برنامه ۵ ساله توسعه عمرانی سینماهای حوزه هنری که از دو سال پیش آغاز شده سالن های سینمای تحت نظر حوزه هنری خون تازه ای در رگ هایشان جاری شود و بالطبع مخاطب بارضایت و میل بیشتری حاضر به حضور در این سالن ها شود.

خوشبختانه، با کارنامه غنی و تلاش های موثری که موسسه بهمن سبز، از خود ارائه داد به یکی از نمادها و شاخص های بازسازی سینما در ایران تبدیل شده است.



که بخش ششم به انیمیشن سینمایی «فیلشاه» ساخته هادی محمدیان اختصاص دارد.

درباره فیلم:

به جرأت می‌توان انیمیشن فیلشاه را اثری نو و نمونه‌ای مثال‌زدنی در تاریخ انیمیشن ایران دانست. حامد جعفری رئیس هیأت مدیره گروه «هنر پویا» و تهیه‌کننده انیمیشن سینمایی «فیلشاه» در گفتگو با خبرنگار مهر گفته بود: بخشی از مراحل رندرینگ انیمیشن سینمایی «فیلشاه» در اوکراین و بخش دیگر آن هم در داخل کشور و در مرکز رندرینگ سازمان «سراج» انجام شده است. در خلاصه رسانه‌ای آن آمده است: «داستان «فیلشاه» در جنگلی در آفریقا رقم می‌خورد. رئیس گله فیل‌ها صاحب فرزندی می‌شود که همه انتظار دارند جانشین رئیس گله باشد؛ اما برخلاف تصور همه «شادفیل» بسیار دست و پا چلفتی است و هیکل گنده‌اش همیشه سبب تخریب و خرابکاری می‌شود...». فیلشاه داستان بچه‌فیلی به اسم شادفیل است که پسر رئیس قبیله فیل‌هاست. عزیزدردانه «هافیل» (مادرش) است و در بین جمع سایر بچه‌فیل‌ها مورد تمسخر واقع می‌شود؛ به‌طوری که آن‌ها لقب «شاسفیل» را به او داده‌اند. با آمدن شکارچیان به سرزمین فیل‌ها و شکار اکثر آن‌ها، شادفیل و اعضای قبیله‌اش در کشتی دزدان زندانی می‌شوند. رئیس این دزدان فردیست با نام «اسفل السافالین» که قصد دارد تمام حیواناتی که شکار کرده را به پادشاه کشورش تقدیم کند. کشوری که نامش صبا است و پادشاه قصد دارد در آن با کمک فیل‌ها یک بتکده درست کند....

ترویج اخلاق‌مداری در «فیلشاه»

یکی از نکات انیمیشن «فیلشاه»، پرداختن به آموزه‌های مسیحی و مسیحیان به شکل مثبت در فیلم است که می‌تواند در جهت تقرب و وحدت ادیان در جامعه دینی داخل کشور و فضای بین‌الملل نقش ایفا کند.

فارس نوشت: محصولات فرهنگی به ویژه فیلم‌های سینمایی از جنبه‌ها و زوایای نظری مختلف قابل نقد و بررسی هستند. شاید رایج‌ترین نوع تحلیل فیلم، تحلیل از زاویه استانداردهای تخصصی هنری باشد؛ اما واضح است که چنین تحلیلی همه واقعیت موجود در دنیای فیلم را بازنمایی نمی‌کند.

تحلیل فیلم کار متخصصین حوزه هنر هست؛ اما تنها، کار این قشر نیست. هر مخاطبی می‌تواند و شاید باید بتواند محصول فرهنگی ارائه شده به خود را به تحلیل بنشیند.

سینما به مثابه پدیده‌ای فرهنگی لایه‌های مختلف کلان و خرد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نامعرفی، هنجاری، ارزشی و نمادین جامعه را درمی‌نوردد و بسته به پیش‌فرض‌ها، تجربه زیسته، تعلقات و باورهای مخاطب، پیام‌های مختلفی را عرضه می‌دارد.

مؤسسه «آفاق فرهنگ» ضمن مشاهده دقیق فیلم‌های بخش سودای سیمرغ سی و ششمین جشنواره فیلم فجر، گزارشی از هر فیلم ارائه کرده است. در تهیه این گزارش، برخی از شاخص‌های مطرح در حوزه‌های معارف اسلامی، جامعه‌شناسی فرهنگی و فلسفه مورد توجه قرار گرفته است؛ به این ترتیب که فیلم‌ها توسط کارشناسان مشاهده و سپس دیالوگ‌ها نیز به صورت نسبتاً دقیق بازشنیده شده است. در مرحله بعد، نکات قابل توجه هریک از آثار، جمع‌آوری و در قالب تحلیل فرهنگی اجتماعی به نگارش نهایی درآمده‌اند.

در ادامه و طی سلسله مطالبی، تحلیل فیلم‌های حاضر در جشنواره سی و ششم فجر منتشر می‌شود

موش شاه

THE ELEPHANT KING

هفبری کارگردان هادی محمدیان

موش شاه پویا



تبیین ضرورت رهبری دینی برای جامعه انسانی: فیلساف از رهگذر مقایسه جامعه حیوانی و انسانی به ضرورت وجود رهبر در جامعه انسانی تأکید می‌کند. در حقیقت فیلم مبتنی بر جریان هدایت الهی و نگاه توحیدی به جهان، وجود هادی و رهبر در جامعه حیوانی را به تصویر کشیده و با نشان دادن پرنده‌ای که حقایق را دائماً برای شادفیل «بادآوری کرده و تذکر می‌دهد»، به نقش وجدان اشاره کند. در حقیقت فیلم ضمن تأکید بر شأن و اهمیت جایگاه رهبر در جنگل و همچنین اشارات مکرری به وجود پیامبران برای انسان‌ها و اخبار و وعده‌ها در خصوص تولد پیامبر خاتم (ص) به نحوی استعاری می‌گوید: جامعه حیوانی بدون رهبر دچار گسیختگی و از هم پاشیدگی می‌شود؛ جامعه انسانی به طریق اولی نیز همین‌طور است. درواقع فیلساف مبتنی بر نظریه هدایت الهی این ضرورت اجتماعی برای انسان‌ها را در قالب لزوم وجود پیامبران و فرستادگان الهی تبیین کرده و برای کودکان به نمایش می‌کشد. البته این وجه از موضوع برای مخاطبین کمتر برجسته شده و باید با تأمل بر لایه‌های پنهان فیلم به آن دست یافت. این موضوع هم خوب است و هم قابل تأمل. خوب به این دلیل که فیلم را از وادی شعارزدگی و توصیه مستقیم دور کرده است و قابل تأمل از این منظر که اثر در از القاء ایده نهایی به مخاطب تا حدودی دور مانده است.

سه گانه روابط حیوان، انسان و خدا

از حیثی نمادی، فیلساف از روابط حیوانی آغاز می‌شود. سپس پیوند با مسائل و روابط انسانی آغاز شده و دیالوگ‌ها ناظر به فرهنگ و اجتماع انسان قبل از تولد حضرت رسول (ص) است. در مرحله بعد داستان را باید از منظر الهی و آموزه‌های توحیدی مورد توجه قرار داد. فیلساف ابتدا تنها پیرامون روابط میان فیل‌ها است و بعد با گرفتار آمدن فیل‌ها به دست شکارچیان، روابط میان انسان و حیوان را به تصویر می‌کشد. تنها در پایان فیلم با اشاره به واقعه ابابیل و شهر مکه و در نهایت تولد پیامبر اسلام شاهد پیام جدید و افزوده شدن رابطه میان انسان و خدا هستیم. مبتنی بر این روابط، سعی شده است تا فیلم‌نامه برای مخاطبین مختلف به نحوی جذاب نگارش شود. به‌طور کلی از جمله ضعف‌های فیلم عدم تمرکز کافی بر سکناس‌های احساسی و کمبود ابعاد تخیلی و فانتزی است که سبب می‌شود مخاطب اصلی که کودکان هستند و عاطفه و تخیل در آن‌ها به شدت پررنگ و تأثیرگذار است، با هیچ‌یک از شخصیت‌های داستان پیوند عمیق برقرار نکنند. همچنین فیلم فاقد المان‌های تکرار شونده و دوست‌داشتنی در کاراکتر هاست که می‌تواند در به یادماندنی و محبوب شدن آن‌ها مؤثر باشد.

وحدت ادیان و ترویج اخلاق مداری

از دیگر نکات، توجه «فیلساف» پرداختن به آموزه‌های مسیحی و مسیحیان به شکل مثبت در فیلم است که می‌تواند در جهت تقرب و وحدت ادیان در جامعه دینی داخل کشور و فضای بین‌الملل نقش ایفا کند. همچنین ترویج نگاه و زندگی توحیدی و اخلاقی در فیلم از نکات مورد تحسین آن محسوب می‌شود. شاید بتوان وجود دو کاراکتر پرنده و موش را نیز الهام گرفته از آموزه‌های مرتبط با نفس اماره و نفس لوامه یا ارتباط الهی برخی حیوانات با خداوند دانست.

برای دین یا به نام دین یا چیزی دیگر؟

یکی از مواردی که در تبلیغات رسانه‌ای فیلساف مکرراً مطرح شده، این است که این فیلم درباره واقعه سپاه ابرهه و ابابیل است؛ اما در این زمینه به نظر می‌رسد مقاطع منظم و متناسبی در فیلساف وجود ندارد و حداقل این است که می‌توانست بهتر از این باشد. واقع امر این است که اگر قرار بوده تا واقعه‌ای دینی مورد تمرکز و پردازش داستانی پیشرفت داستان فیلم تا جاییکه این مقطع آهسته و با ذکر جزئیات بسیار است، اما به محض نزدیک شدن به واقعه ابابیل ناگهان به سرعت پیش رفته و به واقعه تولد پیامبر ختم می‌شود. گویی نویسنده قصد پرداخت جدی به واقعه دینی مزبور را نداشته و تلاش می‌کند آن را در حاشیه فیلم حفظ کند. این موضوع تا حدی پررنگ است که حتی این گمان در ذهن بیننده ایجاد می‌شود که تنها برای جذب حمایت از فیلم موضوع داستان به واقعه‌ای از تاریخ اسلام پیوند خورده است. به نظر می‌رسد دیالوگ‌های پایانی نسبتی فرمی با برخی از دیالوگ‌های فیلم سینمایی «محمد رسول الله» (صلی الله علیه و آله)، ساخته مجید مجیدی پیدا کرده است.

فیلساف: برای ایران یا جهان؟

یکی از مهم‌ترین وجوه «فیلساف» ادبیات جهانی حاکم بر آن است. به‌طور مثال رنگ و بوی ایرانی – اسلامی اثر جز در استفاده از برخی ضرب‌المثل‌ها و اسامی و سکناس‌های آخر فیلم مشاهده نمی‌شود. به نظر می‌رسد کارگردان خواسته است فیلم را با زبانی جهانی تولید کند. استفاده از نمادهای انیمیشنی جهانی، بهره‌گیری

از گفتمان مسیحیت، همچنین به تصویر کشیدن دیالوگ‌هایی ناظر بر صلح و آشتی، پیوستگی و وحدت ادیان می‌تواند از این منظر مورد توجه باشد.

از تقلید تا تقلید

علی‌رغم اینکه در جای جای فیلم، بیننده تقلیدهای مختلفی را در المان‌ها و کاراکترها از انیمیشن‌های مطرح هالیوودی احساس می‌کند، ولی در کل، انیمیشن به لحاظ کیفیت شایسته تقدیر است و شاید بتوان گفت: اساساً چنین تقلیدهایی اجتناب‌ناپذیر است. به‌طور مثال در فیلم شاهد هستیم که پیام‌های اخلاقی‌ای، چون گزاره «در این دنیا هیچ چیز بی‌فایده‌ای وجود ندارد» و «عدم اصالت ظاهر و تفاوت ظاهری با دیگران» و «اهمیت و ارزش روحیه اخلاقی و قبح روحیه منفعت‌طلبانه»، موضوعاتی است که در انیمیشن‌های دیگری، چون پاندای کنتگوفر و بسیاری از انیمیشن‌ها و فیلم‌های سینمایی کودکان به آن‌ها پرداخته شده است. حتی انتخاب عنوان فیلساف به سرعت ذهن را به سمت کارتون «شیرشاه» می‌اندازد و نیز کاراکتر «موش» با شخصیتی حریص و پرخور که یادآور نقش سنجاب‌گونه در «عصر یخبندان» است.

از داورى تا آثار مثبت فرهنگی و اجتماعی «فیلساف»: فارغ از همه این موارد، ساخته شدن انیمیشنی با کیفیت «فیلساف» و در حد و قواره انیمیشن‌های مطرح جهانی، می‌تواند در افزایش روحیه خودباوری و اعتماد به نفس ملی تأثیر بسزایی داشته باشد.

سال‌هاست این پیش‌فرض غلط وجود دارد که ایرانی‌ها توان ساختن انیمیشن قوی ندارند. از سوی دیگر حوزه کودک و نوجوان، حوزه مغفول مانده و البته مهمی در میان محصولات فرهنگی داخلی است که حضور انیمیشن‌هایی با محتوای داستانی منزه و پیام‌های مناسب برای قشر کودک و نوجوان، می‌تواند گام مهمی در رشد فکری – فرهنگی و انتقال مناسب مفاهیم تربیتی به این نسل باشد. از این‌رو بررسی شیوه مواجهه جشنواره فیلم فجر و میزان اقبال و توجه به این انیمیشن می‌تواند حاکی از نوع حساسیت‌های فرهنگی اصحاب رسانه کشور در رابطه با این مقوله مهم فرهنگی باشد.

اینکه فیلساف توانست در حد فیلم‌های سینمایی و در زمره ۲۳ فیلم شایسته بخش سودای سیمرغ ارزیابی شود، نشان و خبر خوبی بود، اما متأسفانه نه‌تن‌ها هیچ سهمی از جوایز و حتی دریافت نامزدی جایزه به آن اختصاص پیدا نکرد بلکه بسا ناگوارتر از آن خبرهای دیگری بود که گواه بر داوری نشدن فیلم داشت.

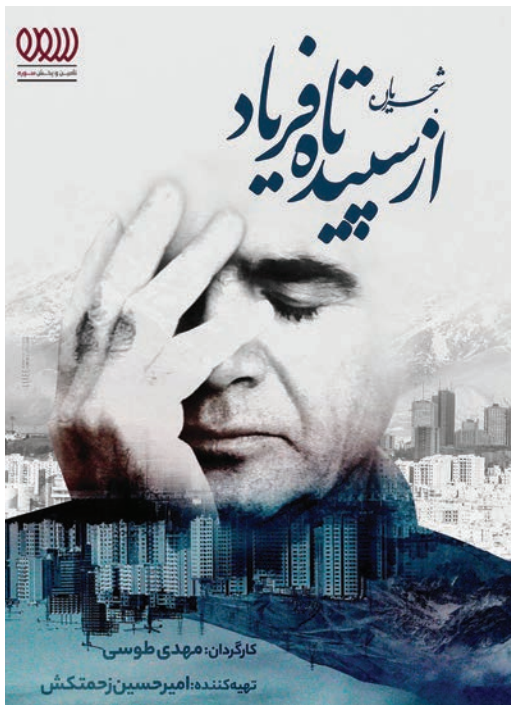
حال سؤال اینجاست که اگر قرار بر داوری نشدن به دلیل سبک انیمیشنی بود، چرا فیلم در سطح سودای سیمرغ وارد شد تا ناآگاهانی بر طبل کیفیت پایین آن به دلیل عدم نامزدی‌اش در هیچ‌یک از جوایز بکوبند؟ در حالیکه اثری در نوع خود کم‌نظیر و قابل تحسین به نظر می‌رسد.

نقاط مثبت:

- ۱- تبیین ضرورت وجود راهبر و هدایت‌گر در جامعه.
- ۲- تبیین رابطه و ترویج وحدت ادیان توحیدی.
- ۳- تبیین جهان‌بینی توحیدی.
- ۴- کیفیت قابل قبول در حد استانداردهای جهانی

نقاط قابل تأمل:

- ۱- تقدم روایت جهانی بر روایت ایرانی.
- ۲- عدم مشخص بودن نقش سوزه دینی.
- ۳- وجود نوعی از تقلید در ساخت کارکترها



رونمایی و انتشار مستند «شجریان؛ از سپیده تا فریاد»

آیین رونمایی از مستند «شجریان از سپیده تا فریاد» که به همت مرکز مستند سوره حوزه هنری و به تهیه کنندگی امیرحسین زحمتکش و کارگردانی مهدی طوسی تولید شده در دانشکده فنی دانشگاه تهران برگزار شد. همچنین این مستند که روایت بخش هایی از زندگی محمدرضا شجریان استاد مشهور آواز ایران است، در روزهای پایانی اردیبهشت ماه بصورت وی او دی (VOD) و از طریق سایت های معتبر فروش فیلم در فضای مجازی منتشر شد. «شجریان؛ از سپیده تا فریاد» روایت بخش هایی از زندگی هنری، اجتماعی و سیاسی شجریان در گفتگو با افرادی همچون حسین علیزاده، داریوش پیرنیاکان و علیرضا نوربخش است. حمیدرضا بوالی و یاسر شیخی یگانه از دیگر عوامل ساخت این مستند هستند که در حوزه نویسندگی و مصاحبه های این مستند نقش داشته اند. «لیایی» هنرمند گرافیک؛ پوستر «شجریان؛ از سپیده تا فریاد» را طراحی کرده است.

چاووش خوان! شرح هجران مختصر کن

مهدی خرامان

بودن خط کشی قرار می دهد، اولی را چهره ای برای مردم و محبوب در تمام جامعه معرفی می کند و دومی عنصری برای سوءاستفاده مقطعی رسانه ها و احزاب قلمداد می کند، سوءاستفاده ای که شاید یک «استاد» را هم قد یک سلبریتی جلوه دهد! به همین دلیل مهدی طوسی تلاش می کند که مخاطب در قضاوت خود، «چهره هنری» استاد را معیار قرار دهد و «عنصر سیاسی» بودن را واکنش متقابل زمانه بداند. البته کارگردان شبهات آن واکنش ها را هم به راحتی از کنارشان رد نمی شود و بی پاسخ نمی گذارد.

در هر حال مستند «شجریان؛ از سپیده تا فریاد» در همین یک مصرع از اشعار ملک الشعرای بهار «مرغ بیدل! شرح هجران مختصر، مختصر، مختصر کن» خلاصه می شود، اثری که به دنبال راهکار برای بازگشت استاد بزرگ موسیقی روی صحنه است تا شاید دوباره شاهد آواز خوانی تصنیف های ماندگار باشیم.

زمانی، مصاحبه با افراد سرشناس حوزه موسیقی (حسین علیزاده، داریوش پیرنیاکان و علیرضا نوربخش)، به کارگیری اسناد و انتخاب درست واژه های نریشن، به مخاطب اجازه پیش داوری نمی دهد به همین دلیل شش دانگ حواس تماشاگر به نام اثر می خورد تا سیر مستند را از دست ندهد. زیرا هر فصل از اثر پازلی برای تکمیل چهره سوژه است، اما رفتار کارگردان قابل تأمل و هوشمندانه است، او در بیان زوایای هنری استاد بزرگ آواز، پرشکوه رفتار می کند و از سوی دیگر با استفاده از اسناد تاریخی روایت درست از حوادث ملتهب سیاسی را بدون کم و کاستی بازگو می کند و در کلامی دیگر او به مخاطبش باج نمی دهد و برای پرهیاهو کردن و یا جذب بیشتر مخاطب حقیقت را تحریف نمی کند. روایتی که یکی از نکات آن، آشنایی مخاطب با چهره حقیقی هواداران امروز و مخالفان دیروز شجریان است، اثری که آینه نگری در برابر واقعیت است و همین واقعیت، باعث فرو ریختن گارد مخاطب با هر تفکری می شود.

کارگردان بین «چهره هنری» و «عنصر سیاسی»

مستند «شجریان؛ از سپیده تا فریاد»، اثری بی آرایش است که هدفی جز همدلی و کنار گذاشتن منیت ها ندارد، مستندی تشریحی (نریشن و دانای کل) که به نگرش هنری و سیاسی استاد آوازخوان ایرانی، محمدرضا شجریان می پردازد، کارگردان با استفاده از حوادث سیاسی ایران، زندگی سوژه اش را روایت می کند، روایتی در بستر موسیقی با چاشنی سیاست. هویت صاحب پرتره برای مخاطب قابل درک و تفسیر می شود، زیرا مهدی طوسی (کارگردان مستند) برخلاف مستندهای شخصیت محور دیگر، انعکاس درون صاحب پرتره را پشت تاریخ تولد و کودکی سوژه مخفی نمی کند و مستقیم به اصل مطلب می پردازد. اثری که شاید غبارها را از چهره سوژه اش پاک کند.

مستند «شجریان؛ از سپیده تا فریاد» روایتی دراماتیک دارد و مخاطب به خوبی فراز و نشیب های سوژه را لمس می کند، روایتی جذاب که از تعهد خود نسبت به واقعیت عدول نمی کند و با استفاده از تدوین منطبق با توالی

عصبانی‌اند چون نابلدی مواجهه با شجریان را به رخ‌شان کشیدیم

معین احمدیان



پدیده‌ها و افراد برای آنها تنها زمانی اهمیت دارد که در خدمت مقاصد و اهداف‌شان باشد.

به هر حال به‌خاطر این جنس رفتارها یا تفاسیر که گفتید رابطه جامعه و ساختار با پدیده‌ای به نام آقای شجریان دچار سوء تفاهم‌های زیادی شده است. ممکن است یک مقدار مصداقی‌تر مقصودتان را بیان کنید؟ اینکه شما روی کدام بخش از این سوء تفاهم‌ها متمرکز شده‌اید؟ البته ظاهراً خود مستند هم گرفتار سوء تفاهم‌های زیادی شده است.

بله، تا حدی همین‌طور است. مثلاً ببینید درباره همین موضوع مورد بحث ما کافی است شما تصویری واقعی از عملکرد سیاسیونی نشان دهید که همگی به دلیل فهم نادقیق خود از عالم هنر یا عدم برخورداری از فهم و درک تعامل درست و عاقلانه با هنر و هنرمند چه تفاسیر عجیب و غریبی درباره آثار ارائه ندادند و چه اهانت‌هایی که در رسانه‌های خود به این افراد نکردند، بلافاصله می‌بینید که هواداران آنها برآشفته می‌شوند و به سیاست‌زده‌ترین شکل ممکن هجمه‌های خود علیه شما را آغاز می‌کنند. گویی که به مقدسات‌شان توهین شده است. به راحتی با شنیدن و خواندن مواضع‌شان در می‌یابید که طرفداری از آقای شجریان صرفاً ظاهر کلام آنهاست و در بطن ماجرا بغض آنها به دلیل این است که شما، نابلدی جریان متبوع آنها در مواجهه با آقای شجریان را هم به رخ‌شان کشیده‌اید. وقتی از سیاست‌زدگی در مواجهه با پدیده‌ها صحبت می‌کنیم دقیقاً منظور ما همین چیزهاست.

این سیاست‌زدگی در مواجهه با مستند «از سپیده تا فریاد» هم همچنان ادامه دارد. جریانات رادیکال، برخی حرف‌های مستند را برنمی‌تابند و تحمل نمی‌کنند و برای برتری دادن خود انواع و اقسام اتهامات را به این اثر نسبت می‌دهند. جالب اینکه اگر مطالب‌شان را جزئی دنبال کنید به راحتی دم‌خروس بیرون می‌زنند و مشخص می‌شود که ایشان صرفاً چند سمپات سیاسی یک حزب یا ارگان خاص هستند که اطلاع و درک دقیقی از عالم هنر ندارند و در عوالم فرهنگی زیست نکرده‌اند. آنها که روزی حضور آقای شجریان در تلویزیون را دهن کجی به مردم

نیست که آثاری خنثی، بی‌هدف، بی‌آرمان و باری به هر جهت تولید و منتشر کند. به بیان دقیق‌تر این همان چیزی است که از قول استاد علیزاده و آقای پیرنیاکان هم در این مستند بیان شد که هنرمند اتفاقاً باید سیاسی باشد و موضع هم داشته باشد اما برخورداری از فهم و بینش سیاسی و دارای موضع سیاسی بودن با سیاسی کاری یا سیاست‌زدگی تفاوت دارد. این جنس از هنر قائم بر آگاهی، عقلانیت، شناخت و درک سیاسی پایه‌ریزی می‌شود و مرزی روشن با رویه‌های مرسوم سیاسی کاری دارد که معمولاً در قالب بودن در خدمت منافع یک حزب یا گروه سیاسی قدرت‌طلب، نمود پیدا می‌کند.

به تعبیر خود آقای شجریان، هنرمند اگر در قالب یا قالب احزاب و گروه‌ها قرار بگیرد به اندازه همان قالب کوچک می‌شود. من فکر می‌کنم آنچه درباره استاد شجریان پیش از این توسط برخی جریانات و براساس همان دو نوع روایت که فرمودید بیان شده را شاید در نگاه نخست برخی مبتنی بر رویکرد سیاسی خود استاد شجریان تحلیل کنند اما اگر در موضوع دقیق‌تر شویم می‌بینیم که به واقع این روایات با حقیقت نگاه سیاسی استاد شجریان فاصله دارد. این روایات در حقیقت یک‌سری تفاسیر جریانات عموماً سیاست‌زده از ایشان و مواضع‌شان است. آنها استاد شجریان را آن‌طور که علاقه‌مندند یعنی از زاویه منافع خود می‌بینند حالا یا ممکن است این منافع با زدن و تخریب ایشان تامین شود یا با تقدیس و مصادره و ارائه تفسیرهای سودجویانه از مواضع‌شان.

به نظر من این جریانات آقای شجریان را هم مانند خیلی چیزهای دیگر مقطعی یا بخش‌بندی شده می‌خواهند. این تفاسیر اساساً از جایی به بعد هیچ کاری با جناب شجریان ندارد. بارها دیده شده که این روایات تنها به دلیل مواجهه با روایات رقیب خود ترجیح می‌دهند که از بخش‌ها یا دوره‌هایی از مواضع یک هنرمند یا هر شخص یا پدیده دیگری بهره ببرند تا بتوانند تفسیر خود را برتری و غلبه دهند و اگر لازم باشد در این باره واقعیت را تحریف یا سانسور هم می‌کنند و جالب اینکه تفسیر خود را واقعی‌ترین تفسیر معرفی کرده و دیگر روایات واقعی را هم تحریف شده جلوه می‌دهند. من معتقدم به این دلیل است که

شهرت شجریان به قدری واجد ارزش خبری است که وقتی می‌گویند مستند جدیدی با محوریت او ساخته شده، غالب رسانه‌ها به سراغ مستند و سازندگان می‌روند تا ببینند که این بار شجریان را چگونه روایت کرده‌اند. در نقطه اول این موضوع برای مستند «شجریان؛ از سپیده تا فریاد» هم صدق می‌کرد ولی وقتی مستند بر سر زبان‌ها افتاد، موضع‌گیری‌ها، انتقادات و بار دیگر صف‌کشی‌های رسانه‌ای شروع شد و نوع جدل‌ها از شخص شجریان به نوع خوانش و آواز او بدل شد. پایه‌های شکل‌گیری این مستند و مصاحبه‌هایش به روزهایی بازمی‌گردد که مهدی طوسی، کارگردان مستند «شجریان؛ از سپیده تا فریاد»، در «تسنیم»، دبیر سرویس فرهنگی بود. مهدی طوسی در اولین گام‌های مستندسازی خود، سراغ سوژه‌ای رفته که همچنان در یک روایت مرسوم رسانه‌ای گیر کرده و برای اهل سیاست و اهل فرهنگ، کلاف پیچ در پیچی شده است. با کارگردان «شجریان؛ از سپیده تا فریاد» در مورد روایت جدیدش از شجریان، به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید.

در سال‌های اخیر مستند ساختن و حرف زدن درباره شجریان معمولاً در انحصار دو نوع روایت قرار داشته است. هر دو نگاه مبتنی بر رویکرد سیاسی شجریان، پیشینه و آثار او را تحلیل کرده‌اند. با توجه به اینکه نمی‌توان شجریان را از نگاه سیاسی‌اش جدا کرد، مستند «از سپیده تا فریاد»، تلاشی است برای ارائه چه تصویری از شجریان؟

برای اینکه بتوانم جواب شما را دقیق‌تر بیان کنم، لازم است میان دو مفهوم سیاسی بودن و نگاه سیاسی داشتن با سیاسی کاری یا بازی‌های سیاسی تفکیک قائل شویم. همان‌طور که گفتید این را خیلی‌ها می‌پذیرند که جناب شجریان مانند بسیاری دیگر از مردمان دارای درک و بینش سیاسی هستند و در برابر مسائل گوناگون موضع سیاسی خاص خود را می‌توانند داشته باشند. بدیهی است که کسی این را نمی‌تواند رد کند و اتفاقاً این امر پسندیده و نشانگر پویا بودن یک هنرمند و بودن او در متن جامعه، حوادث و مطالبات آن هم می‌تواند قلمداد شود. هنرمندی که این‌طور است، یک هنرمند فانتزی



استاد شجریان و مواضع‌شان برای این جریانات تندرو هیچ اصلاتی ندارد و می‌بینید وقتی کار به مطالبه از خودشان می‌رسد، به شدت بر آشفته می‌شوند. البته در این اثر به حرف‌های نامربوط افرادی از جریان مقابل ایشان و برخورد نادرست آنها با آقای شجریان که آن هم به دلیل بر چشم داشتن عینک‌های سیاست‌زده است، اشاره کرده‌ایم و به آنها هم اشکال شده است. البته کمتر گفته شده چرا که خوشبختانه درباره آنها خیلی بیشتر از طرف مقابل‌شان در افکار عمومی حرف گفته شده است. به این دلیل که بسیار سطحی‌تر و آमतورتر از جریان رقیب‌شان و بدون لاپوشانی، مواضع‌شان را بیان می‌کنند. اما فرقی میان این دو گرایش با هم نیست، همگی از یک چیز رنج می‌برند و ما رانج می‌دهند و آن رادیکالیسم است و امروز همین رادیکالیسم باب مفاهمه و گفت‌وگو درباره آقای شجریان را تحدید و تهدید می‌کند. جایی در مستند به این مساله اشاره کردید که در انتخابات ۹۲، شجریان در حد یک سلبریتی رای‌ساز در منازعات سیاسی تنزل داده شد. آیا مستند تلاش دارد به بازآفرینی جایگاه هنری شجریان کمک کند؟

جایگاه هنری استاد شجریان، جایگاه مشخصی است و نیاز به بازآفرینی ندارد. به گواه بزرگان گذشته و اکنون، موسیقی اصیل ایشان و هنرشناسان همچنان بلارقیب در قله آواز ایرانی ایستاده است. تنها مشکل ماجرا اینجاست که این جنس مواجهه‌های مبتذل سیاسی که مصادیق زیادی دارد، زنگار یا گردی بر این ساحت و وقار موسیقایی و هنری نداشته است که به نظر می‌رسد روشنگری و تبیین ماجرا بتواند در جداسازی ساحت عوالم سیاست‌زده از جایگاه و منزلت هنری ایشان کارگشا واقع شود و البته قبل از هر کسی این خود استاد شجریان بودند که در این باره اقدام کردند و پا به میدان گذاشته‌اند و مواضعی را که بسیط و در یک جهت جلوه

شجریان داشتند یا حتی رسانه‌های همسو با آنها اهانت‌هایی هم به ایشان کرده‌اند، تاخته شده است. جالب اینکه خود ایشان هم در اقدامی پارادوکسیکال یا متناقض‌نما از قول استاد پیرنیاکان به بیت‌های دیگری اشاره می‌کنند که مانع انتشار آلبوم و صدور مجوز برای آقای شجریان از سوی همان دولت‌ها شده است. البته من درباره این ابیات قضاوت را به مخاطب واگذار کردم. برخی این تفاسیر و نشانه‌یابی دولت‌ها از ابیات آمده در آلبوم‌ها را به حق دانسته و برخی آن را سطحی، مکانیکی و متهمانه تلقی می‌کنند. غرض من این بوده که بگویم این رویه در همه دولت‌ها بوده و محدود به یک دولت اصولگرا یا اصلاح‌طلب نیست، حالا این درست است یا غلط قضاوتش با خود مخاطب و پیش‌فرضی که او در مواجهه با اثر دارد.

غرض اینکه اینها همه به دلیل همان جنس مواجهه‌های سیاست‌زده و خارج از عالم هنر با عالم هنر است. ما عادت کرده‌ایم به اینکه برای عالم هنر عموماً مسئولان یا رسانه‌ها یا صاحب‌تربون‌هایی تعیین تکلیف کنند که در حوزه مصرف فرهنگی به شدت فقیر هستند و نسبتی با فرهنگ، هنر و هنرمند ندارند. برخوردهای ایشان مصداق همان مواجهه سیاست‌زده، رادیکال یا حزبی‌نگر با ماجرای آقای شجریان است که ما به آن اعتراض داریم و این هیچ ربطی به سیاسی بودن و دارای درک و بینش سیاسی بودن خود آقای شجریان ندارد. می‌بینید که برخی از این جریانات حتی مصاحبه‌داوطلبانه آقای شجریان با روزنامه ایران در ۱۷ خرداد ۹۵ را هم نمی‌پذیرند و برای آن بهانه‌تراشی می‌کنند که چه می‌دانم تحت فشار بوده یا دست‌کاری شده است و... در حالی که این گفت‌وگو با حمیدرضا نوربخش که از نزدیک‌ترین افراد به ایشان در تمام این سال‌ها بوده و این جنس گفته‌ها باز هم نوعی بی‌احترامی به آقای شجریان است.

تفسیر می‌کردند حالا خود را هوادار مردم و ایشان معرفی می‌کنند و جالب اینکه مطالب‌شان را با سرچ کردن‌های اینترنتی آن هم به گونه‌ای پراز خطا می‌نویسند.

مثلاً هفته گذشته در مطلبی، مستند را متهم به تحریف کرده بودند جالب اینکه نه تنها سند مشخصی برای مدعای خود مطرح نکرده بودند بلکه نویسندۀ در خلال متن خود، به کرات خطاهای مضحکی هم مرتکب شده بود. ماجرا به حدی اسفناک بود که قلمی که به تخریب اثر پرداخته بود حتی حمیدرضا نوربخش، مدیرعامل خانه موسیقی را با محسن نوربخش عوضی گرفته بود که این از یک ناخودآگاه بیگانه با اهالی هنر با پیش‌فهم‌های سیاسی بیرون می‌آید. یا اینکه در جایی دیگر «فریاد» آمده در اثر که براساس شعری از فریدون مشیری است را با «فریاد» اخوان ثالث که هر دو را جناب شجریان اجرا کرده‌اند و دومی در این مستند نیامده را از هم تشخیص نداده بود و مکرر درباره دومی نوشته بود. خوب، معلوم است که نگارنده محترم اساساً هیچ وقت شنونده آثار آقای شجریان نبوده که هیچ، آثارش را هم نمی‌شناسد و ماجرا به قدری بغرنج است که شعر و شاعری را هم نمی‌شناسد. نویسندۀ محترم که مطلبش را تماماً براساس سرچ اینترنتی پیش برده و یک ضربه نهایی کاری هم به خودش زده، آنجایی که درباره گفتار آمده از قول آقای خامنه‌ای درباره آقای شجریان که در فیلم هم آورده‌ایم و در سایت دفتر ایشان هم موجود است، مستند را متهم به بی‌سندی و نامعتبر بودن می‌کند. خوب، این اقدام قبل از هجمه به مستند، به زیر سوال بردن اعتبار آن متبوعه و تحریریه آن است که آیا دیگر مطالب‌شان هم همین قدر نادقیق و بی‌اعتبار تهیه می‌شود؟ البته ما عموماً سردبیر محترم آن متبوعه را همیشه از حرف‌های ترین‌ها می‌شناختیم اما در صفحه اول رسانه‌شان با اینکه به خبرنگار هم گفتم، کار ربطی به حوزه هنری ندارد و صرفاً مرکز تامین و پخش سوره با تهیه‌کننده طرف قرارداد شده و توزیع و تکثیر کار را برعهده گرفته، اثر را متعلق به حوزه هنری معرفی می‌کند. شاید با این پیش‌فرض که بتواند پیش‌داوری یا قضاوتی در ذهن مخاطب خود شکل دهد. البته این شیوه در میان رسانه‌های رقیب این جریان هم از گذشته تا اکنون مرسوم است که رابطه درست کنند و با آن قضاوت شکل دهند اما از این رسانه‌ها که خود منتقد این رویه‌ها بودند، بعید است که به این شیوه ابتدایی و تاریخ‌مصرف گذشته روی بیاورند. یا مثلاً در بخش دیگری در همان رسانه با اینکه گفته‌ایم فرقی میان گرایش‌های سیاسی گوناگون نبوده و جز چند نفر خاص، عموم دولتمردان در دوره‌های مختلف برخوردهایی با آقای

از سپیده تا فریاد؛ یک مستند مصلحانه

آصف سعادت

نکته تامل برانگیز در مورد این مستند نگاه مصلحانه ایست که در آن وجود دارد و نسخه‌ای که در بطن کار برای برخورد با هنرمندان و بخصوص شجریان ارائه می‌دهد، این نگاه را تأیید می‌کند.

این روزها شاهد پخش مستندی با عنوان از سپیده تا فریاد با محوریت بررسی برش‌هایی از زندگی محمدرضا شجریان در فضای مجازی هستیم. مستندی که نگاه بدیعی به مسئله هنر و هنرمند ارائه می‌دهد و از قابلیت‌های فنی خوبی هم برخوردار است که نکات زیر در آن قابل توجه است و آن را دیدنی‌تر می‌کند. مهمترین نکته فنی مستند از سپیده تا فریاد ریتم خوب آن است. در عین حال روایت بدون لکنت و با استحکام اثر آن جذابیت را برای مخاطب دوچندان خواهد کرد.

صدای مخملین ناصر طهماسب مثل همیشه هم کیفیت کار را برای مخاطب تأیید می‌کند و هم آرامش خاصی در دل او ایجاد می‌کند.

نگاه جانب دارانه به پرتره ندارد و سعی دارد منصفانه به موضوعات بپردازد.

انتخاب افراد مورد مصاحبه هم بسیار هوشمندانه صورت گرفته و یک اثر قابل قبول از هر نگاهی را می‌سازد.

سیر محتوایی مستند به کنش‌گری‌های سیاسی شجریان در دوره‌های مختلف می‌پردازد از همراهی مداوم با مردم تا یک تحلیل هیجانی و احساسی از فضای غبار آلود جامعه که مسیرش را دچار تغییر می‌کند و در نهایت کارگردان به زیبایی فرم و محتوا را در صحنه‌ای که بی‌بی سی فارسی کلاه بر سر شجریان می‌گذارد، بهم می‌آمیزد تا بر توانایی‌های خود صحنه بگذارد.

مهدی طوسی و همکاری‌اش این سیر را در مستند با رعایت صداقت تمام به تصویر کشیده‌اند.

دوری فضای هنر و هنرمند از مطامع سیاسی سیاستمداران و اعم بودن شان هنر از سیاست حرف درستی است که از دل کار در می‌آید.

بدون شک یکی از مخاطبان اصلی این مستند باید سیاست‌بازانی باشند که نگاهشان به هنرمند تنها وسیله‌ای برای مانور تبلیغاتی است.

نکته تامل برانگیز در مورد این مستند نگاه مصلحانه ایست که در آن وجود دارد و نسخه‌ای که در بطن کار برای برخورد با هنرمندان و بخصوص شجریان ارائه می‌دهد، این نگاه را تأیید می‌کند. این قضیه به حدی است که شاید به تاریخ مصرف دار شدن مستند بیانجامد و پذیرش این ریسک، تنها تعهد بالای گروه سازنده به فرهنگ و هنر ایران را نشان می‌دهد.

پایان امید بخش و شاعرانه مستند، آرامش خاصی را در مخاطبان خود ایجاد خواهد کرد.

مهدی طوسی سابقه خوب و متفاوتی که تا کنون از خود در عرصه فرهنگ بر جای گذاشته با این اثر دلسوزانه پربارتر کرده است.

می‌کرد، توضیح داده و جامعیت مواضع خود را تبیین کردند. بخش‌هایی از مستند، بر شیوه تعامل سیاسی شجریان با رسانه‌ها تمرکز کرده و اینکه برخی اظهار نظرهای او مورد سوءاستفاده‌های سیاسی قرار گرفته است. فارغ از قصه شجریان و در بستری تعمیم‌یافته برای اهالی هنر، چقدر موضوع تعامل سیاسی اهل هنر با رسانه‌ها، برای شما مساله بود؟

عموم رسانه‌ها در کشور ما و در بسیاری نقاط دیگر دنیا متعلق به ارگان‌ها، نگرش‌ها و بینش‌های خاص جریاناتی هستند که به نوعی آن رسانه، تریبون اعلام مواضع یا پیگیری مرام و منش آنها در موضوعات مختلف معرفی می‌شود. به همین دلیل ماهیت آنها عموماً سیاسی است و به دنبال کسب کرسی‌های قدرت در رقابت با جریانات رقیب خود هستند. در کشور ما که این مساله جدی‌تر هم هست و هر پدیده‌ای به راحتی زوایای سیاسی به خود می‌گیرد یا زوایای سیاسی‌اش برجسته‌تر می‌شود و دامنه‌اش در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر دنیا به دلیل وجود شبکه‌های رسانه‌ای خارج از کشور بزرگ‌تر و گسترده‌تر هم می‌شود. در اینجا هر رسانه‌ای بخشی از یک معادله بزرگ چندمجهولی را تشکیل می‌دهد. خب، سیاست‌یون و آنانی که کارشان سیاست است با هزار اما و اگر و خرد و کلان کردن و اندازه‌گیری و سلام و مصلحت وارد این میادین پیچیده می‌شوند و باز هم می‌بینیم که بسیاری از آنها به اصطلاح کله پا شده یا زمین‌گیر می‌شوند. طبیعی است وقتی ماجرا به هنرمند می‌رسد خیلی دلهره‌آورتر می‌شود. چون هنرمند همان‌طور که استاد علیزاده گفتند تفور بسین سیاسی نیست. او از یک روح لطیف برخوردار است و مواضع او عموماً از سر عاطفه، احساس یا حتی هیجان است و به واقع بدون پیچیدگی و تا حد بسیار زیادی صادقانه و واضح بیان می‌شود. بدیهی است اگر یک سیاستمدار یا رسانه اپور تونیست به دنبال سودجویی باشد برای او تور پهن می‌کند و باز هم به تعبیر دقیق استاد علیزاده تنها زمانی به سراغ او می‌آید و به او بها می‌دهد که حرفی بزند که در خدمت منافع و مقاصدش باشد.

اگر هنرمند بر این مساله هوشیار باشد، هرگز تمایل ندارد که خود را در قواره یک جریان سیاسی خاص، محدود نگه دارد. او علاقه‌مند است برای همه مردم و در میان همه آنها باشد. اگر این تعاملات با رسانه‌ها جزء به جزء، اندازه‌گیری نشود ممکن است به ساحت هنرمند لطمه زده و بر هنرش سایه بیندازد که مواجهه با هنر او را نیز با پیش‌داوری‌های شکل گرفته از حاشیه‌ها همراه کند و فکر می‌کنم این آزاردهنده‌ترین موقعیت برای یک هنرمند است. با تکیه بر همان مسائلی که در پاسخ به پرسش‌های ابتدایی شما بیان کردم، استقلال هنرمند از هر چیزی مهم‌تر است. استقلالش از احزاب و گروه‌های سیاسی که البته این به معنای دارای موضع سیاسی بودن نیست، بلکه به این معناست که او درباره نسبت خود در نزدیکی و همراهی با جریانات سیاسی و رسانه‌های آنها و نوع مراوده با ایشان مراقبت و محافظت داشته باشد، چه اینکه اگر این رعایت نشود و مورد مذاقه و از سر پختگی باشد، در نگاه‌ها این هنرمندان هستند که می‌توانند راهبر جامعه باشند چرا که در بالاترین درجه محبوبیت و اعتماد میان مردم قرار دارند. اگر هم این چنین نبود، از جانب سیاست‌بلدان باید این امر رعایت شود که این پیش‌فرض اخلاقی و عقلانی در محاسبات‌شان لحاظ شود که هنرمند اساساً مرد میدان سیاست نبوده است و در مواجهه با او یا حتی مطالبه از او به سبب مواضع‌اش به مانند یک فرد حزبی کار کشته میدان سیاست نباید مواجهه کرد و هنرمند به برخورد و درکی از جنس فرهنگی خود نیاز دارد. /فرهیختگان

به شجریان با نگاه رادیکالی می‌نگرند

مستند «از سپیده تا فریاد» به دور از نگاه‌های سیاست‌زده به زندگی هنری محمدرضا شجریان و بررسی شرایط اجتماعی و سیاسی دوران حیات هنری او می‌پردازد.

در این مستند تلاش شده تا نشان داده شود که این هنرمند موسیقی اصیل ایرانی در طول دوران زندگی هنری خود با چه شرایطی مواجه بود که نتیجه آن موضع‌گیری‌ها و واکنش‌های تند سیاسی و مذهبی او در سال‌های اخیر بوده است.

مستند «از سپیده تا فریاد» با جریان‌شناسی فرهنگ و هنر ایران در سال‌های ابتدایی دهه ۵۰ آغاز می‌شود. سال‌هایی که روزهای پرتلاطمی برای فرهنگ و هنر ایرانی محسوب می‌شود. موسیقی ایرانی با آن تاریخ دور و دراز، در این دوران حال خوشی ندارد. هنرمندان اصیل پرده‌نشین شده‌اند و جز برای یک اجرای فرمایشی در جشن‌های سالانه شاهنشاهی از آن‌ها یادی نمی‌شود. یک تعبیر مشهور در آن روزها دهان به دهان می‌چرخد: «کاباره‌دارها سیاست‌گذاران جدید حوزه فرهنگی ایران هستند.» در این زمان فعالیت‌های موسیقی اصیل ایرانی به یک‌باره اوج می‌گیرد و دوره درخشانی در تاریخ فرهنگ و هنر ایرانی آغاز می‌شود. آقایان محمدرضا لطفی و هوشنگ ابتهاج دو چهره درخشان موسیقی و ادبیات دهه ۵۰ به‌طور جدی وارد این میدان می‌شوند. پس از مدتی چهره برجسته‌ای که به این عرصه قدم می‌گذارد آقای محمدرضا شجریان است.

«از سپیده تا فریاد» روایتگر شجریانی است که به‌سرعت در عرصه فرهنگ و هنر ایران رشد می‌کند و می‌درخشد و به‌دلیل عدم علاقه به استفاده سیاسی احزاب و جریان‌های مبارز از هنر او برای مدتی از موسیقی کناره می‌گیرد. در ادامه مستند به بررسی حواشی آلبوم «بیداد» و «قاصدک» می‌پردازد و سپس آلبوم «فریاد» را که در سال‌های پایانی دولت دوم خرداد منتشر می‌شود با توجه به فضای التهاب‌آور سیاسی آن زمان به‌عنوان یک اثر سیاسی بررسی می‌کند.

ماجرای رفتار و گفتار شجریان در فتنه ۸۸ و مستند بی‌بی‌سی از شجریان و استفاده از برند شجریان در انتخابات ۹۲ توسط یکی از کاندیداها، بخش‌های دیگر مستند است که مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یکی از نکات جالب زندگی شجریان که در این مستند به آن توجه شده است مصاحبه‌ای است که او در سال ۹۵ با آقای حمیدرضا نوربخش در روزنامه ایران انجام می‌دهد. شجریان در این مصاحبه می‌گوید: «ما روحانیت و دین و همه چیز را قبول داریم. اما بخشی از افراطیون ما را قبول ندارند. روضه‌ای که خوانده می‌شود خودش موسیقی است. در مراسم مذهبی قدیم سخنران‌ها و بزرگان صدای خوشی داشتند و خوب و درست می‌خواندند و این خودش منبر را جلوه‌ای دیگر می‌بخشید. یا تعزیه قرائت قرآن نمونه‌های دیگری از عدم مخالفت مذهب با موسیقی است. من با موسیقی منحرف مخالفم.»

در مستند «از سپیده تا فریاد» سعی شده جنبه هنری شخصیت محمدرضا شجریان پررنگ شود و نشان داده شود که او به‌رغم میلش به سیاست کشانده شد. این مستند سعی دارد شرایط اجتماعی و سیاسی را مورد بررسی قرار دهد و بگوید چه شد که کار به این جا رسید؟ شجریان همواره سعی بر کناره‌گیری از سیاست داشته است. فقط در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از فتنه ۸۸ است که او را بسیار سیاسی دیده‌ایم. به‌هرروی مستند «از سپیده تا فریاد» برای روشن شدن برخی از حقایق پیرامون این شخصیت برجسته هنری گام مفید و قابل‌توجهی است.

مهدی طوسی، کارگردان اثر پیرامون هدف ساخت این مستند در گفت‌وگو با «صبح‌نو» عنوان کرد: همانطور که می‌دانید مسأله‌ای که درباره آقای شجریان بعد از سال ۸۸ پیش آمد، ماهیتی پیچیده به خود گرفت که به نظر ما ورودهای جانبدارانه توانایی باز کردن این کلاف نسبتاً سردرگم را نداشتند. به سبب نگاه رادیکالی که ولو به‌صورت مختصر در دوسوی میدان هنوز وجود دارد این ماجرا روز به روز بحرانی‌تر هم می‌شود. هر چند آقای شجریان سکوت را انتخاب کرده بودند و نهایتاً در ۱۷ خرداد ۹۵ صحبت‌های مهمی در مصاحبه با روزنامه ایران بیان کردند، اما به نظر می‌آید آن‌طور که باید این صدا شنیده نشده است. سکوت جریانات غیر سیاسی هم دیگر کمکی به حل ماجرا نمی‌کند. چرا که زمان به‌سرعت

پیش می‌رود و این ماجرا با ورودهای سیاست‌زده همچنان وارد تنگناهای بیشتری می‌شود و هر کدام از آن‌ها صرفاً به دنبال بهره‌برداری سیاسی خود از ماجرا بوده و هستند. درحالی‌که شأن ایشان را برتر از همه این بازی‌ها می‌دانستیم اما تمام هزینه‌ها به اصطلاح پای ایشان نوشته می‌شود. به‌هرحال ایشان به بیان بسیاری از بزرگان و صاحب‌نظران بالاترین سرمایه ملی آواز و موسیقی اصیل ایرانی هستند که چه بسا تا سال‌های سال تکرار نخواهند شد.

طوسی همچنین درباره محدودیت‌هایی که برای ساخت این مستند پیش رو داشت، گفت: مهم‌ترین محدودیت ما تمایل عقلا و بزرگانی بود که در این زمان تمایل به صحبت نداشتند. درحالی‌که صحبت‌های آن‌ها می‌توانست به باز کردن کلافی که اشاره کردم کمک کند. محدودیت دیگر این بود که کار نمی‌تواند حامی جدی‌ای داشته باشد.

چرا که هر مجموعه‌ای به‌هرحال ملاحظات خود را درباره این ماجرا دارد و ما نمی‌توانستیم زاویه ورود آن‌ها به موضوع را در مواردی بپذیریم. محدودیت دیگر در اکران است. ملاحظات فراوان امکان اکران فراگیر به ما نمی‌دهد. شاید بهترین حالت برای ما زمانی اتفاق می‌افتاد که یک گفت‌وگوی مستقیم با خود آقای شجریان می‌داشتیم ولی متأسفانه به سبب مسأله‌ای که در حال حاضر برایشان ایجاد شده، ما با این محدودیت هم مواجه بودیم.

وی همچنین در رابطه با تفاوت اثرش با مستند پژواک روزگار که توسط بی‌بی‌سی ساخته شده بود، گفت: تفاوت شاخصی که این دو مستند با هم دارند، در نوع نگاه به آقای شجریان است. اتفاقاً یکی از انگیزه‌های ما برای ساخت این مستند دیدن چنین نگاه‌های ابرازی و سیاست‌زده به ایشان بود که در مستند پژواک روزگار به وضوح نمایان بود. به‌نظم نیازی به توضیح بیشتر نیست، هر کس که این مستند را ببیند برایش عیان است که پژواک روزگار یک مبارزه سیاسی علیه یک نظام سیاسی است و برای ابزار موقت این مبارزه فعلاً جناب شجریان انتخاب شده است. این نوع نگاه‌ها به نظرم بیشترین ضربه را به این سرمایه بزرگ ملی ما ایرانیان زد. ما تلاش کردیم همان‌طور که گفتم واقعی و اصیل و به دور از نگاه‌های کاسب‌کارانه به ماجرا ورود کنیم. برای همین اگر در جایی لازم بود حقی گفته شود، به دور از حواشی بیان کردیم. چه طرفین ماجرا خوششان بیاید چه نیاید. به‌نظم وقت آن است که به این دست مسائل عاقلانه و با قدری تحمل ورود کنیم. علاوه بر آن که اعتقاد داریم که جامعه ما در ده‌های داخلی‌اش را خودش می‌تواند درمان کند و نیازی به حضور صداهای بیرون از این کشور برای درمان نیست. /صبح‌نو



تأمین و پخش سوره
حضرت - د پد نې - ا س د

مجموعه مستند

شعر خورشید

تهیه کننده و کارگردان: مهدی فارسی

- | | |
|------------------------------|-------------------------|
| نویسنده | مجموعه مستند لهرمشهر |
| علیرضا لیش، معین شافعی | * کتیج رنج |
| گوینده گفتارمتن | * قهرمانی از عالمی دیگر |
| ناصر طهماسب، معین شافعی | * رضوان |
| مشاور هنری | * کوپک زیباییست |
| محمدعلی فارسی | * سیدفکر |
| مجری طرح | * سنک آباد |
| وحید کاظمی | * معمای کلیاف |
| مدیر تولید | * تاک |
| میثم خانی، علی اصغر رضایی | * درخت مشکلات |
| با تشکر از احمد مکاری | * خاک من، مادر من |
| نور و تصویر | * در مناصره |
| حسن سیدی پریشان، علی پوراسد | * کلاه فرنگی |
| صدایرادر | * دولت پاینده |
| محمد صدیقی، امید کاسب | |
| تدوین صدا و تصویر | |
| معین شافعی، اسماعیل عزیزاده، | |
| مهدی شامحمدی، مرتضی هاشمی | |
| پژوهش | |
| انسبه جهانشاهلو، زینب ثانی | |



تأمین و بخش سوره

حقیقت - د پد نښ - اسب

تخسین متاخر از سیدیه

LIVEE GRAPHIC STUDIO
+98 912 277 1838

کارگردان: مهدی طوسی

تهیه کننده: امیرحسین زحمتکش